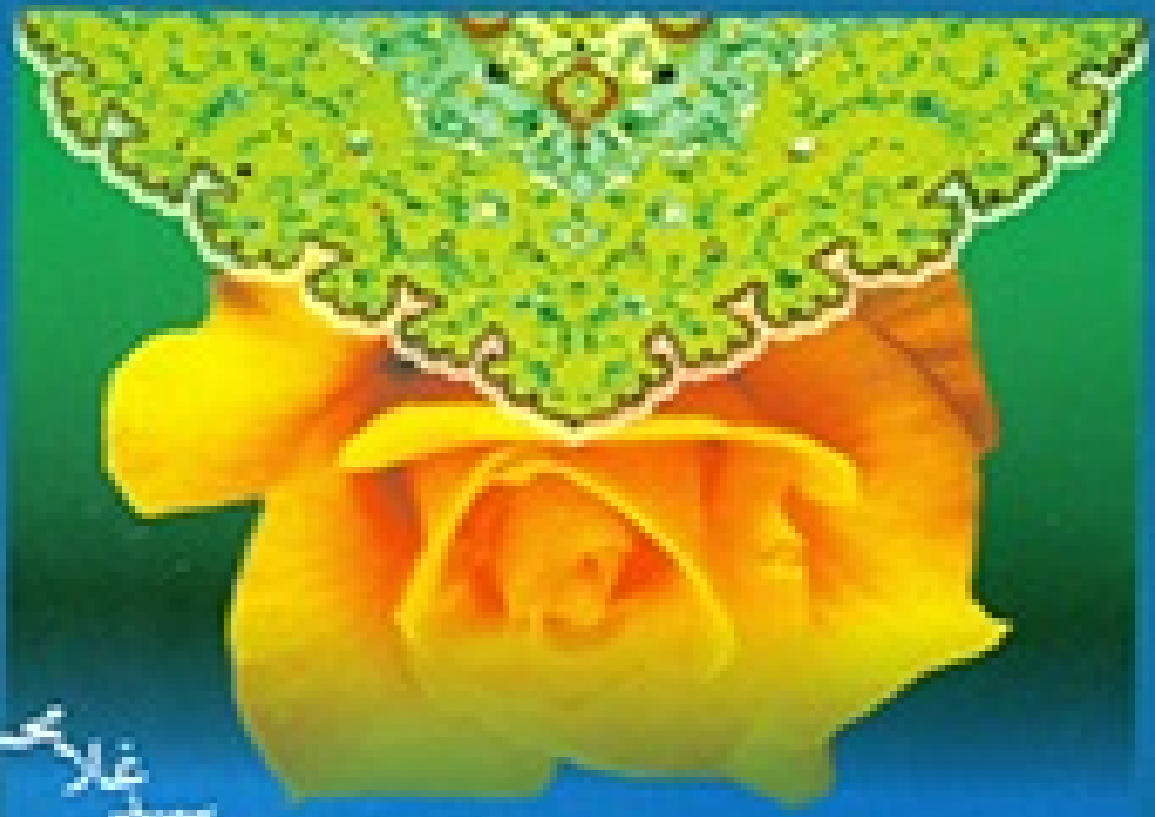


تشیع و تسنن



غلامحسین صابری

تشیع و تسنن: کاوشی در اشتراک ها و افتراق ها

مشخصات کتاب

سرشناسه : صادقی، غلامحسین

عنوان و نام پدیدآور : تشیع و تسنن: کاوشی در اشتراک ها و افتراق ها/ غلامحسین صادقی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، 1381.

مشخصات ظاهری : 128 ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ 575.

شابک : 9647808070

یادداشت : کتابنامه: ص. [125] - 128؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع : وحدت اسلامی.

موضوع : تقریب مذاهب.

موضوع : شیعه امامیه -- عقاید.

موضوع : اهل سنت -- عقاید.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP233/5/ص25ت5

رده بندی دیویی : 297/482

شماره کتابشناسی ملی : 1060961

ص:1

اشاره

ص:2

ص:3

دیباچه

زندگی انسان ها، هیچ گاه، فارغ از دغدغه های دینی نبوده و همواره دین نقش تعیین کننده ای در حیات انسان ها داشته است. اندیشه ی به شیوه ی درست در حوزه ی دین و دست یابی به تقریب بین مذاهب اسلامی، تلاشی است صمیمانه به سوی هم زیستی، هم سخنی و هم دلی پیروان اسلام.

برای دست یابی به این مهم، پژوهشگر گرامی کوشیده است تا با بیان تمایز و اشتراک مذاهب اربعه با یکدیگر، گشاینده ی راهی نو در تنگراه مطالعات بین مذاهب باشد، راهی را که پیشینیان ما در گذشته های دور و نزدیک و به ویژه پس از انقلاب اسلامی پیموده اند، تشیع و تسنن نقاط اشتراک فراوان دارند و می توانند به توافق های اساسی دست یابند. امّا گروهی در صددند این وحدت را از همگرایی به واگرایی و از جدال احسن به ستیزه و تخاصم تبدیل کنند. اگر ابعاد عقلانی، اخلاقی و معنوی مذهب مان را شفاف تر در دید حقیقت جویان و فضیلت خواهان قرار ندهیم به وحدتی عمیق و بنیادین نایل نخواهیم شد.

باید حقیقت را نمایاند و دیگران را به تأمّل و تدبر واداشت. بی تردید آنان که در پیرامون خود و در منابع و متون دینی خود می اندیشند به راه

یافتن سزاوارترند تا کسانی که یکپارچه گوش اند و سمع را با عقل و دیانت را با تفقه در نمی آفرینند با باور ما نگاهی صمیمانه، فروتنانه، حقیقت جویانه به دیگر منظومه های فکری، میزان استواری و خلل ناپذیری اعتماداتمان را بیش از پیش مبرهن می سازد. کاری بایسته که پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام آقای سید غلامحسین صادقی به انجام رسانده اند. ضمن سپاس از ایشان امید که مورد استفاده بهره وران گرامی قرار گیرد. امید می بریم تا با هم بودن را بیاموزیم و برخورد و تعارض را به گفت وگو و تعامل تبدیل کنیم.

«ان شاءاللّه »

«انّه ولیّ التوفیق»

«مدیریت پژوهشی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما»

ص:5

پیش گفتار

ناتوانی یا سستی انسان امروزی در بازشناسی ارزش های حقیقی از ضد ارزش ها سبب گردیده است اعضای جامعه ی انسانی در سطوح گوناگون اجتماعی به هم گرایی فکری، سیاسی و اجتماعی دست نیابند. پیدایش تنش های دوره ای، در خطر قرار گرفتن شیرازه ی وحدت ملی، تهاجم بیگانگان به ارزش های اعتقادی و سیاسی و کاهش استحکام و انسجام درونی حاکمیت سیاسی، از پی آمدهای زیان بار این ناهم گونی است امت اسلامی نیز از این گزند بر کنار نیست. اسلام با احترام به همه ی پیوندهای ظاهری و مادی هم چون نژاد، زبان، رنگ، خون و خاک، ویژگی مشترک و برتر همه ی پیروان خویش را پای بندی آنان به آموزه های وحیانی پیامبر اسلام می داند. همین ویژگی مشترک، مایه ی پیوند میلیون ها انسان در گوشه و کنار این جهان پهناور گشته و نیروی بالقوه ی قدرت مندی را پدید آورده است. مکتب اسلام با پیشینه ی 1400 ساله ی خود، فراز و نشیب های گوناگونی را پشت سر نهاده است و مسلمانان از سرزمین ها و نژادها، زبان ها و رنگ های گوناگون با پافشاری بر باورهای مشترک توانسته اند با ایجاد فرهنگی واحد، زمینه های همدلی خویش را در برابر دشمنان مشترک پدید آورند.

با این حال بی توجهی مسلمانان به ارزش های حقیقی و نکوشیدن در راه بازشناسی ارزش های ناب از ارزش های دروغین و ضد ارزش ها، خطر بزرگی است که پیوند را تهدید می کند. نظام های سلطه گر نیز با آگاهی از

پی آمدهای خطرناکی که همبستگی مسلمانان برای آنان در پی دارد، می کوشند با جدایی انداختن میان پیروان مذهب های اسلامی، آنان را از ارزش های حقیقی، دور و به امور فرعی و ارزش های خود ساخته، سرگرم سازند. در این رهگذر، برخی نحله های فکری بدون توجه به شرایط سیاسی اجتماعی جهان اسلام، به این جدال های فکری،شاخ و برگ دادند و بدین ترتیب، مبانی و اصول مشترک اسلامی در سایه ی دیدگاه های جدید علمی، کم رنگ شد. با کهنه و ماندگار شدن این زخم در پیکر جامعه ی اسلامی، استعمارگران توانستند با آسودگی در سرزمین های آباد و پهناور مسلمانان یکه تازی کنند، به گونه ای که کسی توان رویارویی با آنان را نداشته باشد. پس از مدتی، فعالیت های اصلاح گرانه ی سید جمال الدین اسد آبادی، روح تازه ای به کالبد جهان اسلام دمید و جنبشی برای بیداری امت اسلامی در سرزمین های گوناگون آغاز گردید. با این حال، این جنبش نو پا با فراز و نشیب ها و چالش های بی شماری از بیرون و درون رو به رو شد. سرانجام جنبش بیدارگر امت اسلامی با کاروان سالاری پیری بیدار دل، یعنی امام خمینی رحمه الله به پیروزی رسید و دوره ی عزت مندی دوباره ی جهان اسلام آغاز گشت. یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله پافشاری بر یگانگی نظر همه ی مذاهب اسلامی برای رویارویی با دشمنان مشترک بود. در این میان با توجه به پیشرفت فن آوری ارتباطات در جهان، رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما می توانند با شناسایی نیازهای فکری مشترک جهان اسلام، رسالت خویش را در جهت دهی افکار عمومی مسلمانان برای رسیدن به یگانگی فکری و عملی به انجام برسانند.

این نوشتار بر آن است تا به اندازه ی توان، با بر شمردن برخی ویژگی های مشترک میان مذاهب اربعه با مذهب امامیه، زمینه را برای ایجاد هم دلی و هم زبانی بیشتر میان مذاهب اسلام فراهم آورد.

ص:8

اشاره

بخش اوّل: ساختار مذهبی اهل سنت در ایران

زیر فصل ها

مذاهب اربعه در ایران

جمعیت مذاهب اربعه

مراکز دینی و حوزه های علمیه ی اهل سنت در ایران

سازمان دینی اهل سنت در ایران

مذاهب اربعه در ایران

مذاهب اربعه در ایران

به یقین، هر گاه صاحبان یک اندیشه، آزادی عمل بیشتری داشته و از پشتیبانی نظام های حاکم برخوردار باشند، قلمروی فعالیت خود را گسترش می دهند. مذاهب اربعه نیز از همان آغاز، با برخورداری از آزادی بیان، بهره برداری از امکانات مادی و مالیات اسلامی و پشتیبانی سیاسی و فکری حکومت عباسی، توانستند قلمروی فعالیت خویش را روز به روز گسترش دهند. البته باید دانست هنگام گسترش قلمروی مذاهب اربعه به مناطق گوناگون، گاهی کشمکش های فکری آنان به جدال های خشونت بار اجتماعی و سیاسی تبدیل می شد و بر تضادهای اجتماعی موجود در آن منطقه می افزود. با گسترش دامنه ی فعالیت مذاهب اسلامی به سرزمین ایران در حدود سال 500 ه . ق، درگیری های مذهبی بیش از هر زمان دیگر افزایش یافت، زیرا مذاهب اربعه درپی تحکیم جایگاه اجتماعی خویش در مناطق گوناگون ایران بودند و برای رسیدن به این هدف، از حذف طرف مقابل ابایی نداشتند. برای نمونه، «در اصفهان، میان شافعیه و حنفیه جنگ های مداوم پدید می آمد و هر دسته ای که بر محله ی دیگر مسلط می شد، آن جا را به آتش می کشید و غارت می کرد، به گونه ای که هیچ عهد و پیمانی بازدارنده ی آنان نبود».(1)

1- معجم البلدان، بلاذری، ج 1، ص 373، ماده ی اصفهان.

هم چنین «در سال 554 ه . ق در نیشابور میان احناف و شافعیه، درگیری شدیدی رخ داد که بازارها و مدارس در آتش سوخت و جمعیت زیادی از شافعیه کشته شدند... هم چنین میان شافعیه و حنابله، درگیری هایی وجود داشت».(1)

افزون بر آن، هر گاه مذهبی به قدرت سیاسی دست می یافت یا از پشتیبانی نظام سیاسی حاکم برخوردار می شد، به پاکسازی دیگر مذاهب می پرداخت.

در این میان، مذهب حنفی از نظر نفوذ معنوی، حضور در دستگاه های حکومت و قلمروی فیزیکی بر دیگر مذاهب پیشی گرفت، به گونه ای که تاریخ حضور عینی مذاهب اربعه به ویژه حنفی را در متن فعالیت های سیاسی جهان اسلام باید با حیات خلافت عباسی هم زمان دانست. در همین زمان اختلاف و درگیری های مذهبی به اوج خود رسیده بود.

«در آغاز دوره ی سلجوقی، ابومنصور بن محمد ملقب به عمیدالملک کندری (415 - 456 ه . ق) به وزارت طغرل بیک سلجوقی رسید. چون وی معتزلی و حنفی مذهب بود، به مخالفت با شافعیان و اشاعره پرداخت و تفتش عقاید را درباره ی اهل سنت و جماعت - خاصه شافعیان و اشاعره - از سر گرفت و دستور داد تا بزرگان آن مذهب را در منابر لعنت کنند و ایشان را سخت آزار دهند، هم چنین مذهب اعتزال را دیگر بار، رواج داد و اشعریان را از وعظ و تدریس منع کرد. عده ای از علمای اشعری را بازداشت و بعضی را چون «امام الحرمین» نفی بلد کرد. چون مذهب شافعی

1- البدایه و النهایه، ج 4، ص 76.

و اشعری در بلاد ایران و اسلام، پیروان بسیاری داشت، علمای آن مذهب از هر سو فتوا دادند و این عمل دولت سلجوقی را محکوم کردند. به گونه ای که نزدیک بود علیه سلاجقه شورش برپا شود. چون طغرل بیک درگذشت و «الب ارسلان» جانشین او شد در سال 455 ه . ق خواجه نظام الملک را - که شافعی و اشعری مذهب بود - به وزارت برگزید. به سعایت او عبدالملک کندری بازداشت شد و درسال 456 ه . ق به قتل رسید.(1)

پس از این زمان، فضای سیاسی - اجتماعی کشور به سود مذهب شافعی دگرگون شد و پیروان این مذهب به استحکام جایگاه خود پرداختند.

جمعیت مذاهب اربعه

جمعیت مذاهب اربعه

بر اساس آمارگیری جمعیتی که در مناطق سنی نشین ایران صورت گرفته است، جمعیت اهل سنت 6 میلیون نفر است که 10 درصد کل جمعیت ایران را تشکیل می دهند. گفتنی است شمار پیروان مذهب حنفی از دیگر مذاهب عامه بیش تر است.(2)

مراکز دینی و حوزه های علمیه ی اهل سنت در ایران

مراکز دینی و حوزه های علمیه ی اهل سنت در ایران

مراکز آموزش معارف اسلامی در همه ی مناطقی که اهل سنت و جماعت زندگی می کنند وجود دارد. آموزش جهت علوم اسلامی با تدریس قرآن مجید در خانه ها آغاز می شود که معلم های خانگی یعنی همان اعضای

1- سیر کلام در فرق اسلامی، محمد جواد مشکور، صص 39 - 40.
2- دوره ی آموزشی آشنایی با مبانی اهل سنت، دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت بلوچستان قم.

باسواد خانواده این کار را بر عهده دارند. در مرحله ی بعد، طلاب یا پیش نمازهای محل در مکتب خانه ها و مسجد به تدریس علوم دینی می پردازند. پس از پیمودن این مرحله، طلاب به مدرسه ی علوم دینی می روند و آموختن را پی می گیرند. مدرسه های علوم دینی در روستاهای کوچک و بزرگ، بخش ها و شهرهای بزرگ به چشم می خورد. در این مدارس، افزون بر تدریس قرآن، ادبیات عرب، تاریخ، سیره، تفسیر، عقاید فقه، منطق و در سطوح بالاتر، اصول آموزش داده می شود. طلاب در فقه، دیدگاه فقهی ائمه ی چهارگانه ی اهل سنت و در اصول، کتاب «المستصفی» از امام محمد غزالی را می خوانند.

هرمزگان

طلاب این منطقه برای فراگیری بیشتر معارف و علوم دینی از مناطق جاسک، بندرخمیر، بندرلنگه، قشم، میناب، و اطراف آن به مرکز استان هرمزگان - بندرعباس - می روند. «سطح مقدمات و سطح متوسط در ترتیبات آموزشی اهل سنت جنوب وجود دارد. در سطح مقدمات، بیشتر علوم قرآنی و ادبیات عرب و مقداری تاریخ، سیره و تفسیر می خوانند. در سطح متوسط نیز دروس فقه، اصول، تفسیر و عقاید را فرامی گیرند و برای آموختن سطوح بالاتر علمی به حوزه ی معارف دینی بندرعباس می روند.(1)

1- گزارش توسط حجه الاسلام والمسلمین احمد علی صادقی، محقق پژوهش کده ی، مذاهب اسلامیقم.

هم چنین طلاب این منطقه به دلیل وجود امکانات مادی و معنوی مناسب تر در زاهدان، ایرانشهر و چابهار به آن جا می روند. «اهل سنت میناب و بسیاری از شهرهای بندرعباس متأثر از اهل سنت بلوچستان اند، زیرا مولوی های بلوچ از مولوی های محلی با سوادتر هستند. گاهی جزوه، کتاب های مذهبی و قرآن های چاپ پاکستان با ترجمه ی مولوی های بلوچستان وجود دارد».(1)

کردستان

دوره های تدریس و مواد درسی علوم دینی در میان اهل سنت کردستان عبارت است از: «طبقه ی اول (قُتابی): قرآن، لغت عربی و کردی، کتاب احمدی شیخ معروف نودهی، لغت نامه ی فارسی - عربی، نصاب الصبیان ابونصر فراهی، کتاب های فارسی مانند: اسماعیل نامه، ناکهان، سنگ تراش، نان و حلوا و دیباچه ی گلستان سعدی.

طبقه ی دوم(سوخته): صرف و نحو و متون درسی مانند: صرف ابراهیم زنجانی، عوامل، النموذج، صمدیه ی بهایی و... .

طبقه ی سوم(مستعدین): الفیه ی ابن مالک، شرح سیوطی، علم منطق، فلسفه، حکمت، معانی بیان و...».(2)

1- گزارش توسط حجه الاسلام والمسلمین احمد علی صادقی، محقق پژوهش کده ی، مذاهب اسلامیقم.
2- آشنایی با متون درسی حوزه های علمیه ی ایران شیعه، حنفی، شافعی، محمد ملکی،ص 388.

خراسان

شهرستان خواف از مراکز بسیار مهم برای آموزش علوم دینی اهل سنت به شمار می رود. در این شهر و پیرامون آن، چندین مدرسه ی دینی وجود دارد که نسبت به دیگر شهرهای سنی نشین ایران از وضعیت ویژه ای برخوردار است. این مدارس عبارت است از: حوزه ی علمیه ی احناف، دارالتعلیم القرآن «نِشْتِفْتان»، دارالعلوم خلیل آباد، حوزه ی علمیه ی «سنگان» و حوزه ی علمیه ی خواهران.

شیوه ی تدریس متون دینی در این حوزه با دیگر حوزه های اهل سنت شباهت دارد. «روش آموزش در خواف به عنوان مرکز دینی - فرهنگی اهل سنت بدین شیوه است که ابتدا قرآن را حفظ می کنند سپس با ادبیات عرب، گلستان سعدی، صحیح بخاری، منطق، اصول و فقه اسلامی آشنا می شوند.»(1) مولوی های باسوادی در این منطقه زندگی می کنند که تحصیلات عالیه ی خود را در خارج از ایران مانند: پاکستان، عربستان و مصر به پایان رسانده اند.

تربت جام

تربت جام و تایباد از دیگر مراکز آموزشی اهل سنت به شمار می رود که حوزه های دینی فراوانی را در خود جای داده است. «در مناطق سنی نشین به ویژه مناطق اطراف خراسان که هم مرز با افغانستان هستند، حوزه های

1- مصاحبه با حجه الاسلام والمسلمین شیخ علی زنگویی: محقق نمایندگی ولی فقیه در بین اهل سنت.

علمی بزرگی وجود دارد و عده ای از شاگردان همین مدارس در خارج تحصیل کرده اند. این ها بیشتر از سوی پاکستان و عربستان، تغذیه ی فکری می شوند و منابع تأمین مالی آنها قسمتی بر عهده ی شورای برنامه ریزی و قسمت عمده ی آن بر عهده ی سرمایه داران منطقه است.»(1)

البته به جز منابع یاد شده از زکات و عُشر می توان نام برد که در فرهنگ اهل سنت جایگاه ویژه ای دارد، پرداخت عُشر از درآمدهای مورد تأیید فقه اهل سنت است که پیروان مذاهب اربعه به پرداخت آن بسیار مقید هستند.

در شرایط کنونی طلاب علوم دینی اهل سنت از راه دریافت زکات و عشر و کمک های خیرخواهانه ی سرمایه داران اهل سنت و جماعت، بهره مند می شوند. البته از سوی دفتر رهبری نیز میزان قابل توجهی کمک مالی برای تأمین هزینه ی حوزه های اهل سنت پرداخت می شود.

سازمان دینی اهل سنت در ایران

سازمان دینی اهل سنت در ایران

اهل سنت، علمای خود را بسیار تکریم می کنند و رهبران دینی و پیشوایان مذهبی خود را «امام» می نامند. البته گاهی برخی اندیشمندان دیگر را نیز «امام» خطاب می کنند، مانند: امام غزالی، امام مودودی و... .

سازمان دینی و ساختار رهبری در جامعه ی روحانیت اهل سنت ایران بر اساس پایگاه ویژه ی اجتماعی و مراتب علمی آنان شکل می گیرد. در این ساختار، رتبه های علمی زیر را می توان دید:

1- مصاحبه با حجه الاسلام والمسلمین طقانی: مسؤول بسیج فیضیه: از روحانیون شرق خراسان.

1_ طالب: به کسانی که وارد حوزه ی علوم دینی می شوند، طالب می گویند. طلاب در گام نخست، خواندن و حفظ آیات قرآن را آغاز می کنند. سپس به ادبیات عرب (کتاب تصریف زنجانی) تاریخ، سیره، تفسیر و... می پردازند که این روند 10 تا 12 سال به درازا می انجامد.

2_ مولوی: طالب پس از سپری کردن این دوره ی 12 سال، در جلسه ی ختم «صحیح بخاری»(1) شرکت می کند. آن گاه با گذراندن این آموزش، ملبس می شود و از آن پس به وی «مولوی» می گویند.

3_ مفتی: مفتی کسی است که به اقتضای نیازهای علمی و عملی جامعه، توانایی پاسخ گویی به مسایل فقهی را بر اساس شریعت دینی دارد.این مقام، بالاترین درجه ی علمی در فرهنگ اهل سنت است. البته در برخی از کشورهای اسلامی مانند: عربستان و مصر، «مفتی اعظم»، بالاترین مرتبه ی علمی را داراست.

4_ آخوند (ملا): اخوند یا ملا به کسی گفته می شود که با دارا بودن سواد معمولی به تدریس قرآن، بیان احکام ضروری مذهب، برپایی نماز جماعت، دعانویسی و اجرای عقد و طلاق می پردازد. برای دریافت عنوان «آخوند» یا «ملا»، معیار و شرایط علمی یا دوره ی آموزشی ویژه ای وجود ندارد و به کسی که بتواند کارهای یاد شده را انجام دهد، آخوند گفته می شود. این سلسله مراتب علمی در سیستان و بلوچستان، بوشهر و بندرعباس، رواج دارد. در گیلان و گنبد، به بالاترین مقام دینی «آخوند»

1- صحیح بخاری که مجموعه ی احادیث نبوی است و اهل سنت بر این باورند که پس از کتاب خدا، کتابی درست تر از صحیح بخاری و مسلم نیست.

می گویند و مردمان ترکمن از این عنوان، همان مفهوم «مجتهد» را در نظر دارند.

هم چنین سلسله مراتب علمی حوزه های دینی در کردستان به قرار زیر است:

1_ قُتابی: به طالبی که به آموزش قرآن و ادبیات عربی و فارسی می پردازد، قتابی می گویند.

2_ سوخته: طالبی است که آموزش ادبیات یا علوم هم سُو را آغاز کرده است.

3_ مُستَعد: طالبی است که دوران قُتابی و سُوختگی راپشت سر گذاشته است.

4_ مامُوساد: بالاترین مقام علمی و هم پایه ی آیت اللّه ، مولوی یا آخوند (در ترکمن صحرا) است.(1)

1- آشنایی با متون درسی حوزه های علمیه ی ایرانشیعه، حنفی و شافعی،ص 378.

ص:17

اشاره

بخش دوم: تمایز و اشتراک مذاهب اربعه با یکدیگر

زیر فصل ها

تمایزهای مذاهب اربعه با یکدیگر

اشتراک های مذاهب اربعه با یکدیگر

تمایزهای مذاهب اربعه با یکدیگر

اشاره

تمایزهای مذاهب اربعه با یکدیگر

زیر فصل ها

1_ بنیانگذاران فکری

2 _ باورهای فکری درباره ی قیاس و استحسان

3 _ قدمت قرآن

4_ عبادت ها

5 _ محرمات

6 _ عملکردهای سیاسی

1_ بنیانگذاران فکری

1_ بنیانگذاران فکری

حنفی

نعمان بن ثابت بن فردوس مشهور به ابوحنفیه بنیانگذار فقه حنفی است. وی در سال 80 ه.ق در کابل به دنیا آمد، در سال 151 ه.ق در زندان

منصور عباسی درگذشت و در «گورستان خیزرانیه»ی بغداد _ اعظمیه ی کنونی _ به خاک سپرده شد. ابوحنیفه در محضر امام صادق (ع) دانش آموخته است.

مالکی

مالک بن انس در سال 95 ه.ق به دنیا آمد. وی در سال 179 ه.ق در مدینه، چشم از جهان فرو بست و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. مالک نیز از شاگردان امام صادق (ع) به شمار می رود.

شافعی

محمد بن ادریس شافعی در سال روز درگذشت ابوحنیفه درسال 151 ه . ق دیده به جهان گشود. شافعی در روز آخر رجب سال 204 ه.ق و در 53 سالگی در مصر درگذشت و در «قرافه» به خاک سپرده شد.

وی از شاگردان محمد بن حسن شیبانی است که خود در محضر ابوحنیفه و مالکی دانش آموخته است. شافعی از قریحه ی شعری برخوردار بود و محبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از امتیازات وی به شمار می آید و در فضایل خاندان رسول اللّه اشعار فراوانی سروده است.

حنبلی

احمد بن حنبل بن بلال شیبانی اهل خراسان بود. و در سال 164 ه . ق به دنیا آمد. او در سال 241 ه . ق درگذشت و در آرامگاه «دارالحرب» بغداد _ که اکنون هیچ اثری از آن نیست _ به خاک سپرده شد.

2 _ باورهای فکری درباره ی قیاس و استحسان

2 _ باورهای فکری درباره ی قیاس و استحسان

حنفی

ابوحنیفه بر این باور بود که قیاس و استحسان می تواند وسیله و راهی برای رسیدن به حکم الهی باشد. دور بودن کوفه از مدینه _ شهر حدیث _ را می توان یکی از عوامل پیدایش چنین اندیشه ای برشمرد. هواداران این اندیشه نسبت به اعتبار بسیاری از احادیث نبوی با دیده ی تردید می نگریستند و حتی بسیاری از آنها را مردود می شمردند. در مقابل، آنان به قیاس و استحسان اهتمام می ورزیدند. ابو حنیفه را باید بنیان گذار مکتب «عمل به رأی» دانست.

مالکی

مالک بر کاربرد حدیث پافشاری می کرد و از قیاس و استحسان در استنباط احکام پرهیز داشت. وی جز در موارد نادر، به قیاس، رأی و استحسان عمل نمی کرد به همین دلیل در پایان عمر از برخی فتواهایش که برگرفته از قیاس بود، سخت پشیمان شد. در این باره آورده اند: «مالک به

هنگام مرگش گریست و آرزو کرد که کاش در مقابل هر مسأله ای که در آن به رأیش فتوا داده است، یک تازیانه می خورد.»(1)

مالک را باید پیرو مکتب «حدیث» دانست. به این دسته از اهل سنت «ظاهریون» نیز می گویند؛ زیرا عمل به ظاهر کتاب و سنّت نبوی را راه کشف و استنباط احکام دینی می دانستند آنان، قیاس را بطور کلی در استنباط احکام رو می کردند.

شافعی

در نظر پیشوای مذهب شافعی، قیاس تنها راه استنباط معارف دینی و ارایه ی راه درست به مسلمانان برای رسیدن به احکام و تکالیف شرعی است. وی بر خلاف نگرش ابو حنیفه از استحسان دوری می کرد. به همین دلیل گفته اند: «هر چند امام شافعی به قیاس عمل می کرد، ولی استحسان را به کلی مردود می شمرد».(2) بنابراین مذهب شافعی را نیز در شمار مکتب «رأی» می آوریم.

حنبلی

در نگرش احمد بن حنبل، احادیث نبوی در تعیین و معرفی برنامه ها و تکالیف دینی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. احمد حنبل از قیاس و استحسان پرهیز می کرد و این مذهب را می توان پیرو «مکتب حدیث» دانست.

1- تاریخ ابن خلکان ج 4، ص 137.
2- تاریخ التشریع الاسلامی، ص 148.

3 _ قدمت قرآن

دانشمندان اهل سنت به ویژه پیشوایان مذاهب اربعه درباره ی قرآن (قدیم بودن و یا حادث بودن آن) دیدگاه های متفاوتی دارند که نگاهی هر چند گذرا به آنها، مناسب به نظر می آید:

حنفی

ابوحنیفه درباره ی قدیم یا حادث بودن قرآن کریم می گوید: «چون پروردگار قدیم است، آیاتی که او ارسال داشته است نیز رنگ قدمت به خود می گیرد.» البته وی گاهی اظهار می داشت که قرآن، حادث و مخلوق است.(1)

مالکی

معتزله قدیم بودن قرآن را نمی پذیرفتند و آن را مخلوق می دانستند.(2) در مقابل، اشاعره بر این باور بودند که کلام خدا یکی از صفت های اوست و چون خدا قدیم است، ممکن نیست به صفتی حادث متّصف شود. مالک که هیچ گونه معیار عقلی را در باره ی دین و خدا قبول نداشت، اندیشه ی اشاعره را پسندید و قدیم بودن قرآن را پذیرفت.

شافعی

محمد بن ادریس شافعی که شاگرد امام مالک بود، دو شیوه ی، فقهی (مکتب رأی و حدیث) را در هم آمیخت و روشی میانه را برگزید. بنابراین، در کتاب های تاریخی، روش او را میانه ی مذهب مالکی و حنفی دانسته اند

1- علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی، سید رضا خسرو شاهی، ص 23.
2- روند نهضت های ملی _ اسلامی در ایران غلام رضا انصاف پور، صص 87 _ 88.

او بحث در اصول دین را مردود می دانست و قرآن را موجودی طاهر و ماوراء مادی می شمرد.

حنبلی

حنبلی ها می گویند چون کلمات خداوند از منبأ قدرت ازلی سرچشمه گرفته است، پس از قدیم وجود داشته است. «هر چند احمد حنبل، کلام خدا را اصوات و حروف می دانست ولی هم چنان بر این باور بود که این ترکیب حروف و اصوات به همین شکل فعلی در عالم ازل ثابت و به ذات خداوندی قائم بوده است. بنابراین، صوتی که امروز از قاریان قرآن استماع می شود، با رؤیتی که از سطور آن مشاهده می گردد، همان کلام قدیم یزدانی است.

و حتی شماری از پیروانش، هر یک از نسخه های قرآن و جلد و غلاف آن را ازلی می دانستند... احمدبن حنبل با اعتقاد به این باور حتی با مأمون خلیفه ی عباسی که قرآن را مخلوق و حادث می پنداشت، به مخالفت برخاست(1).

4_ عبادت ها

اشاره

4_ عبادت ها

زیر فصل ها

الف _ «نماز جمعه»

ب _ «نماز جماعت»

الف _ «نماز جمعه»

الف _ «نماز جمعه»

حنفی

همه ی مسلمانان بر وجوب نماز جمعه اجماع دارند. از آن جمله در نظر «ابو حنیفه، شرط وجوب آن، وجود سلطان یا نایب او است که در غیر این صورت وجوب آن ساقط می شود. ابو حنیفه، صرف وجود حاکم را شرط

1- قصص العُلمأ، ص 193.

کافی می پندارد و عدالت او را شرط نمی داند.»(1) باید دانست نماز جمعه، در مذهب حنفی واجب عینی است.(2)

مالکی

نماز جمعه در نظر این مذهب نیز به عنوان برنامه ای عبادی، واجب است. مالکیه، حضور حاکم و عدالت وی را شرط نمی دانند و انجام دادن این تکلیف الهی را در نبود حاکم عادل نیز واجب عینی می شمارند.(3)

شافعی

این مذهب نیز همانند مذاهب مالکی و حنبلی نماز جمعه را واجب می شمارد. البته بر خلاف مذهب حنفی که می گوید در صورت نبودن حاکم یا نایب وی، وجوب آن ساقط می گردد، بر این باور است که در هر صورت (چه حاکم باشد و چه نباشد در صورت حضور، خواه عادل باشد یا نباشد) نماز جمعه واجب است.(4)

حنبلی

از دیدگاه مذهب حنبلی، نماز جمعه واجب عینی است، ولی حضور حاکم و عدالت وی شرط نیست، بنابراین، در صورت بودن یا نبودن حاکم یا نایب وی اقامه ی نماز جمعه واجب است.(5)

1- الفقه علی مذاهب الخمسه، محمد جواد مُغنیه، ص 120.
2- فقه السنه، السید السابق، ج 1 ص 301.
3- فقه السنه، السید السابق، ج 1 ص 301 با الفقه علی مذاهب الخمسه، ص 120.
4- فقه السنه، ص 301 با الفقه علی مذاهب الخمسه، ص 120.
5- فقه السنه، ص 301 با الفقه علی مذاهب الخمسه، ص 120.

ب _ «نماز جماعت»

نماز جماعت به دلیل ارزش اجتماعی و نیز جنبه های عبادی و سیاسی آن، در فرهنگ اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. پیشوایان مذاهب اربعه نیز همانند مذهب امامیه به اقامه ی این عبادت دسته جمعی بسیار سفارش کرده اند.

حنفی

از نظر مذهب حنفی، «نماز جماعت، سنّت موکدی است، که احادیث فراوانی درباره ی فضیلت آن وارد شده است. ابن عمر روایت می کند که رسول خدا فرمود: «فضیلت نماز جماعت 28 برابر نماز فرادا است.»(1)

مالکی

مذهب حنفی نماز جماعت را سنّت مؤکد می داند و جایگاه ویژه ای برای آن قایل است و مذهب مالکی درباره ی نماز جماعت می گوید: «نماز جماعت، واجب عینی یا کفایی نیست، بلکه مستحب مؤکد است».(2)

شافعی

شافعی، نماز جماعت را از شعایر اسلام می داند و می گوید: «همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلفا و ائمه بر انجام آن مداومت داشتند، ولی انجام آن، واجب عینی و کفایی نیست، بلکه مستحب مؤکد است».(3)

1- فقه السنه، السید السابق، ج 1، ص 228.
2- الفقه علی مذاهب الخمسه، ص 133.
3- الفقه علی مذاهب الخمسه، ص 134.

حنبلی

از دیدگاه مذهب حنبلی، «نماز جماعت بر همه ی کسانی که توان انجام دادن آن را دارند واجب عینی است. پس اگر آن را ترک کنند و فرادا بخوانند، گناه کرده اند ولی نمازشان درست است».(1)

5 _ محرمات

اشاره

5 _ محرمات

مذاهب اهل سنت در زمینه ی برخی محرمات، نظرهای مخالفی دارند که به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

الف _ غنا

الف _ غنا

حنفی

«ابوحنیفه، سماع را ناخوش دانسته و شنیدن غنا را در شمار گناهان قرار داده است.»(2) البته او برخی موارد را استثنا می کند و می گوید: «آوازی که برای توصیف گل و ریاحین یا آب چشمه سارها و کوه ها باشد و برای بیان فصاحت و بلاغت و شناساندن خود به دیگران سروده شود، مانعی ندارد و مباح است».(3)

مالکی

مالک، غنا را تحریم کرده و آن را سرچشمه ی فساد دانسته است. با این حال بر حرمت آلات نوازندگی تأکید نکرده است. «وی می گوید: اگر کسی، کنیزی خرید و آن را مُغنیه یافت، باید رد کند هم چنین نقل شده که مالک

1- الفقه علی مذاهب الخمسه، ص 134.
2- تلبیس ابلیس، ابن جوزی، ص 229.
3- راهنمای مذهب شافعی، شیخ الاسلام کردستانی، ص 333.

گفته است: غنا مخصوص اهل فسق و معاصی است. او در باره ی آلات نوازندگی نیز گفته است: آلات لهوی که برای اشتهار نکاح به کار برده شود مانند: دَف و طبل و تار و مزمار، مباح است».(1)

شافعی

«امام شافعی در کتاب «آداب القضاء» گفته است: غنا لهوی ناپسندیده و شبیه باطل است و کسی که در آن زیاده روی کند، سفیه است و شهادتش پذیرفته نمی شود. شنیدن غنا حتی از زنی که بر شخص حرام نیست خواه آن زن آزاد باشد یا بنده، مشخص باشد یا نامعلوم روانیست.

امام غزالی می گوید: شافعی گفته است از علمای حجاز کسی را نمی شناسم که آواز و سماع را مکروه دانسته باشد، مگر اشعاری که در مدایح و اوصاف مردم انشاء شده باشد. البته آوازی که برای رهواری شتر و سرعت سیر آن نواخته شود یا در وصف منازل، باغ ها و کوه و دشت ها بسرایند و آن را با صدا و لحن های گوناگون، مُزّین و مطلوب سازند، اشکال شرعی ندارد. امام غزالی می افزاید: به نظر امام شافعی آن گونه غنا حرام است که مایه ی برانگیختن فتنه و شهوات گردد».(2)

حنبلی

بعضی درباره ی عقیده ی امام احمد حنبل در موضوع غنا می گویند:

1- تلبیس ابلیس، ص 229؛ راهنمای مذهب شافعی، ص 334.
2- سماع در مذاهب اربعه اهل سنت، ص 40؛ راهنمای مذهب شافعی، ص 332.

گفتن قصاید زُهدیه در زمان او، رایج و مباح بوده و در این بابت، روایت های مختلفی نقل گردیده است. البته این غنایی که در زمان ما مرسوم و متداول است، مطلقا در نزد امام احمد، محظور و ممنوع بوده است».(1)

ب _ تراشیدن ریش

ب _ تراشیدن ریش

اهل سنت در حرمت تراشیدن ریش، اختلاف نظر دارند که آن را بر می شماریم.

حنفی

فقه حنفی، تراشیدن ریش را یکی از محرمات می داند، و درباره ی اصلاح سبیل با شافعی، و مالکی و حنبلی موافقت دارد.

مالکی

«این مذهب تراشیدن ریش را حرام می داند و میان فقهای آنان در ازاله ی موی سبیل اختلاف مهمی وجود ندارد».(2)

شافعی

نظر شافعی در این فرضیه با نظر دیگر مذاهب اربعه تفاوت دارد. در این مذهب، تراش و کوتاه کردن بیش از معمول یا گذاشتن بیش از یک قبضه ی ریش مکروه است. شافعی چنین گفته است: «کوتاه کردن موی سبیل تا جایی که سرخی لب ظاهر شود، از سنن مطلوب است، ولی زایل کردن کلی آن با مقراض یا ماشین یا تراشیدن با تیغ، مکروه است. تراشیدن ریش و ماشین کردن آن یا گذاشتن آن بیش از میزان یک قبضه تیز مکروه است».(3)

1- تلبیس ابلیس، ص 228؛ سماع در مذاهب اربعه اهل سنت، اسماعیل حاکمی، ص 42.
2- راهنمای مذهب شافعی، صص 337 _ 338.

3- راهنمای مذهب شافعی، ص 336.

حنبلی

این مذهب «نیز تراشیدن ریش را حرام می داند و میان فقهای آنان در کیفیت اصلاح سبیل، اختلاف مهمی وجود ندارد».(1)

6 _ عملکردهای سیاسی

اشاره

6 _ عملکردهای سیاسی

زیر فصل ها

حنفی

مالکی

شافعی

حنبلی

حنفی

حنفی

ابو حنیفه هیچ گاه با دستگاه بنی امیه و بنی عباس همکاری نکرد. و به دلیل نپذیرفتن مقام قضاوت مغضوب هر دو حکومت بود.(2)

مالکی

مالکی

امام مالک به دلیل فتوایش درباره ی بیعت در مدینه به دست کارگزاران حکومت عباسی شلاق خورد، به گونه ای که کتفش شکسته شد.(3)

شافعی

حاکم یمن شافعی را به بهانه ی گرایش به علویان دستگیر کرد و به پایتخت خلافت فرستاد. گفتنی است پس از سپری شدن دوره ی ائمه ی چهارگانه اهل سنت، دیدگاه منفی پیروان آنان درباره ی دستگاه حاکمیت دگرگون شد و بسیاری از دانشمندان و فقهای آنان به دامان قدرت های سیاسی افتادند. برای نمونه مدرسه ی «مستنصریه»ی بغداد در دگرگونی این دیدگاه، نقش ویژه ای داشت.

این مدرسه در سال 625 ه . ق به دست المستنصر باللّه بنیان نهاده شد. وی مدرسه را به چهار بخش تقسیم و هر یک از این چهار بخش رابه چهار

1- راهنمای مذهب شافعی، صص 337 _ 338.
2- المبادی العام للفقه الجعفری هاشم معروف الحسنی، ص 347.
3- المبادی العام للفقه الجعفری هاشم معروف الحسنی، ص 340.

فرقه ی فقهی (شافعی، حنفی حنبلی و مالکی) واگذار کرد. از هر مذهب نیز 62 نفر دانشجو پذیرفت (در مجموع 247 دانشجو از چهار مذهب) و برای هر یک، 2 استاد (حنفی و شافعی) برگزید. هم چنین دو نفر نایب مدرس (حنبلی و مالکی) تعیین کرد. ساختار مدرسه تا سال 645 ه . ق همین گونه ادامه یافت. در این سال مؤید الدین بن محمد بن علقمی؛ وزیر و متولی مدرسه، مدرسان چهار مذهب را فرا خواند و از آنان خواست که از عقاید و تصانیف خود برای طلاب، چیزی نقل نکنند و تنها به بیان سخنان قُدما بپردازند. محیی الدین یوسف بن جوزی _ محتسب بغداد _ و سراج الدین عبداللّه الشر _ ماحی، این دستور را پذیرفتند. شهاب الدین زنجانی؛ مدرس فقه شافعی و عبد الرحمن لمفانی؛ مدرس فقه حنفی نیز آن را نپذیرفتند و گفتند که ما هم چون قُدما صاحب نظر هستیم.

هنگامی که صورت جلسه ی این نشست را به آگاهی معتصم عباسی رساندند، وی دستور داد همه ی مدرسان باید برای حفظ احترام قُدما، از اظهار نظر و صدور فتوا خودداری کنند که این بار همه پذیرفتند.(1) بدین ترتیب، نگرش اندیشمندان مذاهب چهار گانه نسبت به قدرت های سیاسی دگرگون گردید و از روحیه ی آزادی خواهی آنان در برابر دستگاه های سیاسی کاسته شد. با آغاز دوره ی مبارزه در سرزمین های استعمار شده و گسترش مبارزه ی شخصیت های نو اندیش اهل سنت، فقه مذاهب اربعه، زندگی دوباره ای یافت و با نیروی تازه ای در برابر استبداد داخلی و استعمار

1- الحوادث الجامعه، ابن الفوطی، ص 216؛ تاریخ حصر اجتهاد، آقا بزرگ تهرانی، صص 105 _ 107.

خارجی، قد علم کرد. اندیشمندانی هم چون: محمد عبده، شیخ شلتوت، امام المودودی و علامه محمد اقبال، نگرش مذاهب اربعه را در برابر جریان های جدید جهان دگرگون ساختند و بدان پویایی بخشیدند. این دگرگونی در همراهی اهل سنت با اهل تشیع در جریان انقلاب اسلامی ایران و دوران جنگ تحمیلی مشهود بود، به گونه ای که بر خلاف پندار فرصت طلبان داخلی و دشمنان خارجی، روحانیت دین دوست اهل سنت در کنار برادران شیعه بر محور مشترک هویت ملّی و دینی خویش گرد آمدند و به پشتیبانی از اسلام پرداختند.

حنبلی

حنبلی

امام احمد حنبل به دلیل نپذیرفتن باور مخلوق بودن قرآن، با غضب دستگاه بنی عباسی رو به رو شد و شلاق خورد. البته وی در ظاهر از این باور برگشت و پس از مرگ معتصم و در دوران متوکل عباسی، مقرب دستگاه خلافت گردید و یارانش در گسترش عقایدش کوشیدند.(1)

1- المبادی العامه للفقه الجعفری، ص 347.

اشتراک های مذاهب اربعه با یکدیگر

اشاره

اشتراک های مذاهب اربعه با یکدیگر

در میان پیروان مذاهب اربعه بیش از تمایزها اشتراک فراوانی وجود دارد که در این بحث، به برخی از آن ها اشاره می شود.

1 _ توحید

1 _ توحید

توحید از جمله محورهایی است که همه ی علمای اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند. مولوی حسین پور می گوید: «معنای توحید در عبادت این است که پرستش و عبادت، مختص ذات ربوبی است و هیچ چیز جز او سزاوار پرستش نیست».(1)

خواجه شمس الدین مطهری نیز می گوید: «خدا عزت دهنده، خوار کننده و خالق تمام کاینات است. کسی او را پیدا نکرده، بلکه پیدا کننده ی تمام جهانیان است. آمرزنده ی گناهان و روزی دهنده ی مخلوقات است. عادل و با انصاف، بسیار حلیم، بردبار و اجابت کننده ی دعاها است. در جهان هر چه واقع می شود، به فرمان اوست و بی فرمان او برگی از درخت ها نمی ریزد...».(2)

هم چنین مولوی کاشانی می گوید: «اگر کسی معتقد باشد که غیر از خداوند بزرگ هیچ موجودی در جهان هستی اثر استقلالی ندارد، بلکه تأثر

1- کنفرانس علمی _ تحقیقی نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت، مولوی حسین پور.
2- خلاصه المسائل عقیده و فقه حنفی، ج 1، ص 84. به دستور خواجه شمس الدین مطهری، «سرپرست حوزه ی علمیه ی خواف».

آن به خاطر نیرویی است که پدید آورنده ی آن ها در نهاد هر یک قرار داده، این عقیدی او توحیدی است و خلاف آن، شرک است».(1)

2 _ قرآن

2 _ قرآن

قرآن از دیدگاه شخصیت های علمی، فقها و دیگر پیروان اهل سنت از قداست ویژه ای بر خوردار است. آنان، واژگان و ترکیب های قرآن را پدیده ی ماوراء الطبیعی می دانند که از ازل وجود داشته است. به نظر آنان، چون خداوند از ازل وجود داشته است، واژگانی را نیز که به او نسبت می دهیم، باید قدیمی باشد، نه حادث. آنان بر اساس همین برداشت از قرآن می کوشند قداست آن را حفظ کنند. در کتاب های اهل سنت آمده است که: «ابو حنیفه، خدا را در ازل، خالق و رازق می دانست و می گفت این دین من و دین پدر و جدم است.»(2) هم چنین نقل است که هرگاه مالک می خواست حدیث بگوید، وضو می گرفت و درباره ی تفسیر قرآن نیز چنین می کرد. ابوحنیفه درباره ی لمس کردن ظاهر قرآن گفته است: «مُحْدِثْ نباید به اصل و درون قرآن دست بکشد، ولی به غلاف و جلد و مانند آن ها می تواند دست بزند. البته سخن شافعی این است که حتی بر پشت جلد قرآن نیز نباید دست زد مگر آن که ضرورتی همانند مسافرت پیش بیاید و آب و خاکی نباشد که در این صورت معذور است.»(3)

1- همایش علمی تحقیقی وحدت زاهدان، مولوی کاشانی، ص 91.
2- علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی، ص 23.
3- روضه الفریقینی ابورجاء «مأمون الشاشی العمرکی المروی» فصل 17، ص 94.

3 _ معاد

3 _ معاد

یکی دیگر از ویژگی های مشترک همه ی ادیان و مذاهب، باور داشتن سه روز بازپسین و جهان دیگر پس از این جهان مادی است. در اصل اعتقادات، همه ی فقها اتفاق نظر دارند که جهان دیگری وجود دارد که بازتاب کردار انسان در این دنیا است. برای مثال فقه حنفی می گوید: «وقتی انسان بمیرد، همه ی کردار او قطع می گردد و پرونده ی آن بسته می شود، مگر از سه چیز که ثواب آن تا قیامت به شخص می رسد: اول، صدقه ی جاریه که وقف نیز در شمار آن قرار دارد. دوم، کاری که مسلمانان از آن بهره برند. سوم، فرزندی نیکوکار که پس از مرگ پدر و مادر، ثواب کردار نیک او به پدر و مادر می رسد».(1)

4 _ پیامبر صلی الله علیه و آله و تدوین فکر دینی

4 _ پیامبر صلی الله علیه و آله و تدوین فکر دینی

همه ی دانشمندان و تاریخ نگاران اهل سنت در باره ی تولد، شرایط زندگی اجتماعی _ سیاسی، اهداف، پیش گویی ها و مبارزه های فرهنگی و نظامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند و همه ی اقدامات ایشان را درست و به دور از اشتباه می دانند. آنان بر این باورند «هر کسی که خداوند به طور جزم، دستور پیروی و فرمان برداری از او را داده است، حتما باید معصوم باشد.»(2) بر اساس این نگرش هم آهنگ، اهل سنت همه ی گفتار و کردار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می پذیرند و آن را تفسیر کننده و پاسدار قرآن می دانند.

1- خلاصه المسائل الفقه الحنفی، ج 2، ص 147.
2- تفسیر فخر رازی، ج 10، ص 144.

5 _ خلافت

5 _ خلافت

مسأله ی خلافت و رهبری جامعه اسلامی پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، از مواردی است که اهل سنت درباره ی آن یکسان می اندیشند. آنان بر این باورند که جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله از راه شورا و نظر خواهی امت پدید آمد و شرایط حساس پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله ، اقتضای این امر را داشت. به همین دلیل به آسانی از کنار حادثه تاریخی _ دینی «غدیر» می گذرند. هر چند برخی علما و تاریخ نگاران اهل سنت بر حادثه ی «غدیر» مُهر تأیید زده اند، ولی جهت فکری بیشتر اهل سنت همان قانونی دانستن تعیین خلیفه در شورای سقیفه است. بر این اساس، آنان ابوبکر، عمر، عثمان، علی (ع) و برخی حتی معاویه را خلیفه می دانند. هم چنین هر کس را که در شمار صحابه باشد، بی اشتباه دانسته و گفتار و کردارش را حق می دانند و به عنوان اولوالامر پیروی از وی را واجب می شمارند. سوگ مندانه همین نگرش در بستر تاریخ اسلام آسیب های جبران ناپذیری را متوجه امت اسلامی ساخته و برای نمونه، در پرتو همین دیدگاه، کردار بسیاری از دستگاه های ستم کار مانند امویان و عباسیان، توجیه شده است.

6 _ پیشینه ی تاریخی

6 _ پیشینه ی تاریخی

اهل سنت از نظر گذشته تاریخی و پیدایش فرهنگ اسلامی اشتراک نظر دارند. آنان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مبدأ گسترش معارف دین توحیدی اسلام و تاریخ هجرت پیامبر اسلام را سرچشمه ی تمدن و حکومت اسلامی و گسترش پایه های فکری _ سیاسی اسلام می دانند. هم چنین پیشینه ی حرکت

مذهبی خود را از هنگام پدید آمدن تشکل های سیاسی _ فکری پس از رسول خدا و به ویژه مسأله ی تعیین خلافت قلمداد می کنند. پیدایش جریان تدوین اندیشه ی مذهبی از سوی ائمه ی چهارگانه ی اهل سنت در پایان دوره ی بنی امیه و آغاز حکومت عباسی، یکی دیگر از پیشینه های تاریخی مشترک مذاهب اربعه است. در محدوده ی جغرافیایی ایران نیز دوره ی آغاز و گسترش پایه های فکری مذاهب اربعه به شمار می رود.

7 _ واجبات و محرمات

7 _ واجبات و محرمات

مذاهب اربعه، ویژگی های مشترک فراوانی دارندکه بیان همه ی آنها در این فرصت نمی گنجد. در این بخش، به بحث «دفاع» از نظر مذاهب اربعه می پردازیم. از دیدگاه اهل سنت، دفاع از نفس، مال و جان واجب است. در فقه مذاهب اربعه در این باره چنین آمده است: «اگر برای دفاع از خود، کسی را به قتل برساند یا برای مال و عرض خود و دیگران به دفاع از خود بپردازد، هیچ چیزی بر او مترتب نیست؛ زیرا دفاع از خود در برابر ضرر رساندن دیگران، واجب است».(1) هم چنین دفاع از وطن را در برابر تهاجم و تهدید بیگانگان واجب می دانند: «هر گاه دشمن در مکان و محل زندگی مسلمانان حاضر شود، بر همه ی مسلمانان ساکن آن شهر واجب است که با دشمن به مبارزه برخیزند».(2)

1- فقه السنه، ج 2، صص 577 _ 578.
2- فقه السنه، ج 2، ص 623.

8 _ اجتهاد در دین

8 _ اجتهاد در دین

فقهای اهل سنت پس از دوره ی پیشوایان مذاهب اربعه، تفقه در دین را واجب دانسته اند و در این باره توافق نظر دارند. در منابع اهل سنت چنین آمده است: «فرض کفایی است که تا رسیدن به درجه ی اجتهاد و فتوا دادن و قضاوت دانش بجوید. و از شمار مقلدان خارج شود. در این صورت، پیروی از او بر همه ی مردم واجب است».(1)

تلاش برای کشف تازه های علمی در نگاه همه ی علمای اهل سنت، واجب کفایی است. شوکانی یکی از دانشمندان اهل سنت می گوید: کسی که فضل و لطف الهی را محدود به بعضی از مخلوقاتش بداند و فهم شریعت را بر پیشینیان محدود کند، بر خداوند گستاخی کرده است».(2)

9 _ عبادت

9 _ عبادت

انجام فرایض دینی همانند: روزه و نماز از نظر همه ی مذاهب اربعه، واجب است و انکار یا رد آن به عنوان یک ضرورت دین، به ارتداد از دین می انجامد. بی توجهی به انجام آن نیز گناهی بزرگ به شمار می آید. نظر اهل سنت درباره ی وجوب نماز چنین است: «معنای واجب آن است که مخاطب به انجام آن مکلف بوده و انجام ندادن آن عقوبت داشته باشد و امتثال آن ثواب دربردارد».(3)

1- الرد علی من اخَلَدُ الی الارض، سیوطی، ص 4.
2- ارشاد الفهول، شوکانی، ص 324.
3- روضه الفریقینه، فصل 27، ص 37.

هم چنین درباره ی ارزش و جایگاه نماز در حوزه ی عبادت اسلامی چنین گفته اند: «نماز در اسلام از منزلتی برخوردار است که هیچ عبادتی چنین جایگاهی ندارد. نماز ستون دین است و قوام آن ممکن نیست مگر در پرتوی نماز. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: الصلاه رأس الامر اسلام».(1) گفتنی است نماز جماعت در میان همه ی پیروان مذاهب اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و ثواب فراوانی بر آن مترتب می دانند.

هم چنین در باره ی کسی که نماز را واجب می داند، ولی به دلیل تنبلی ترک می کند، می گویند که: «عذری از وی پذیرفته نیست و احادیث بر کفر او و وجوب قتلش صراحت دارند».(2)

10_ ازدواج و طلاق

10_ ازدواج و طلاق

مذاهب اربعه در خواندن صیغه ی عقد و ایجاد پیوند زناشویی، حکم مشترکی دارند. در مذهب اهل سنت، طلاق یکی از کارهای بسیار ناشایست به شمار می رود. در فقه آنان آمده است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مبغوضترین و بدترین حلال ها نزد خداوند، طلاق است. عرش خدا هنگام طلاق دادن می لرزد و زنی که بدون عذر، طلاق بگیرد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد».(3) بر اساس فقه عامه، طلاق در حالت خواب و مستی پذیرفته نیست هم چنین طلاق به حضور شاهد نیاز ندارد.

1- فقه السنه، ص 93.
2- فقه السنه، ص 93.
3- خلاصه المسائل فقه حنفی، ص 29.

انواع طلاق در فقه عامه از این قرار است «رجعی، بائن، طلاق حسن (سه طلاقه)، طلاق احسن (یک طلاقه که از عادت پاک شده باشد) طلاق بلاعی (سه طلاق با یک کلمه یا سه طلاق در یک طُهْر).(1)

در نظر اهل سنت عده ی وفات زن، 4 ماه و 10 روز است و زن پس از آن می تواند ازدواج کند. و عده ی زن باردار نیز تا هنگام وضع حمل است، خواه این زن کنیز باشد یا آزاد. البته بر صغیره ای که کم تر از نه سال دارد، عده واجب نیست.

شرایط طلاق دهنده عبارت است از:

1 _ عقل: دیوانه حق طلاق دادن ندارد.

2 _ بلوغ: طلاق صغیر نیز پذیرفته نیست البته حنبلی ها می گویند که اگر صغیر معنای طلاق را بداند، درست است.

3 _ اختیار: طلاق مُکْرَه جز در مذهب حنفی واقع نمی شود.(2)

اهل سنت در شیوه ی اجرای صیغه ی طلاق، اختلافی ندارند. باور همه ی آنان این است که لفظ باید صریح باشد و کنایه هنگامی درست است که به صورت لفظ باشد و مقصود را بفهماند. بنابراین اگر کسی به زنش گفت: «تو باکره هستی» و زبان او به لفظ «تو مطلقه هستی» چرخید چون قصد بیان آن را ندارد، طلاق واقع نمی شود. آنان اجرای طلاق از راه کتابت و اشاره را نیز عملی می دانند.

1- خلاصه المسائل فقه حنفی، صص 30 _ 31.
2- راهنمای مذهب شافعی، صص 8 _ 48.

اشاره

بخش سوم: تمایز و اشتراک مذاهب اربعه با مذهب امامیه

زیر فصل ها

تمایز و اشتراک مذاهب اربعه با مذهب امامیه

تمایزهای مذاهب اربعه با مذهب امامیه

اشتراک های پیروان مذاهب اربعه با مذهب امامیه

تمایز و اشتراک مذاهب اربعه با مذهب امامیه

تمایز و اشتراک مذاهب اربعه با مذهب امامیه

هر چند مذاهب اربعه در برخی امور فرعی با یکدیگر اختلاف نظر دارند، ولی این عناصر نتوانسته است شیرازه ی هم گرایی دینی آنان را در دوره های حساس تاریخ جهان اسلام بپراکند. به همین ترتیب، اگر چه میان مذهب امامیه و مذاهب اربعه در امور فرعی، نگرش های متفاوتی وجود دارد، ولی با کشف ویژگی های مشترک می توان بر همسویی دینی و ملّی این مذاهب در محدوده ی سرزمین های اسلامی افزود. مبحث حاضر بر آن است تا به اشتراک های مذاهب پنج گانه ی اسلامی بپردازد. البته پیش از پرداختن به اصل موضوع، به برخی از تمایزها اشاره می گردد.

تمایزهای مذاهب اربعه با مذهب امامیه

اشاره

تمایزهای مذاهب اربعه با مذهب امامیه

زیر فصل ها

1 _ ولایت و رهبری

2_ تأسیس مذهب

3_ اجتهاد

4 _ جبر و اختیار

1 _ ولایت و رهبری

1 _ ولایت و رهبری

تشیع

در دیدگاه شیعه، ولایت و رهبری دینی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر عهده ی کسی است که آگاه به دین، پرهیزگار، عادل و بری از گناه باشد. از نظر تشیع، جانشین رسول اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خداوند تفویض شده است و با انتخاب مردم صورت نمی گیرد. در این مذهب، امام علی (ع) نخستین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده که از اشتباه بری است و صحابه ی دیگر این

امتیاز را ندارند. در این جایگاه، جانشین و امام افزون بر آن که باید از گناه مصون باشد نباید در هیچ دوره ای از زندگی خود مشرک و کافر بوده باشد.

هم چنین امام باید از آینده و مسایلی که از او پرسش می شود، آگاهی داشته باشد.

تسنن

در دیدگاه اهل سنت ولایت و رهبری شرعی بر عهده ی کسی است که آگاه و عامل به دین بوده و از سوی مردم برگزیده شده باشد. مصونیت از گناه در چنین فردی شرط نیست و پیروی از وی واجب است. «اگر حاکم حکم کند و این حکم با واقع، همسان باشد خداوند به او دو اجر می دهد و اگر بر خلاف واقع باشد یک اجر بیش ندارد».(1) بدین ترتیب مصونیت رهبر از گناه موردی ندارد. برخی علمای سنت و جماعت به صراحت گفته اند: «باید در امام صفاتی باشد از جمله این که قریش باشد و در علم و دانش در حد یک قاضی باشد. البته شرط نیست که معصوم یا عالم به غیب باشد.»(2) دانشمند دیگری درباره ی همین مطلب چنین گفته است: «شرط نیست که امام هاشمی یا معصوم و یا برتر ازدیگران باشد، بلکه پیروی از امام در صورتی که مخالف با شرع نباشد واجب است خواه آن امام عادل باشد خواه ظالم».(3)

1- 1-دومین همایش علمی _ تحقیقی، مولوی کاشانی، ص 187؛ شرح صحیح مسلم، امام نُووی، ج 8، ص 22.
2- الغدیر قاضی باقلانی، ج 7، صص 136 _ 137.
3- شرح مقاصد، تفتازانی، ج 2، ص 71.

2_ تأسیس مذهب

تشیع

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله واژه ی شیعه ی علی (ع) بارها از زبان مبارک ایشان شنیده شده است. مثلاً «در تفسیر درالمنثور، ابن مردویه از علی روایت می کند که پیامبر فرمود: یاعلی (ع) تو و شیعیانت مرا در کنار حوض کوثر دیدار خواهید کرد».(1) افزون بر شیعیان، علمای اهل سنت نیز وجود شیعه را به عنوان گروهی که در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام حضور داشته است، می پذیرند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی (ع) فرمود: آیا دوست نداری و خشنود نیستی که تو و حسن و حسین در بهشت همراه من هستید و ذریه ی ما پشت سرمان و زن های ما پشت سر ذریه ی ما و شیعیان مان در دو سوی راست و چپ ما قرار دارند؟»(2) در برخی منابع، حتی نام هواداران این خط فکری نیز به میان آمده است و مدارک فراوانی از طریق «عامه و خاصه» در این باره وجود دارد که در این مجال کوتاه نمی گنجد. شیعه به عنوان یک جریان فکری در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از رحلت ایشان وجود داشته ولی در عصر امام صادق (ع) قلمروی فرهنگ تشیع در چهار چوب ویژه ای از تکالیف دینی و امور معنوی و عبادی تدوین گردیده است، زیرا در آن دوره، امت اسلامی در انجام تکالیف، دچار سردرگمی شده بود و اندیشه های وارداتی بیگانگان، قلمروی اندیشه ی امت اسلامی را تهدید

1- تاریخ شیعه، علامه محمد حسین مظفر، ص 34.
2- صواعق المحرقه، ابن حجر، ص 161.

می کرد. در این هنگام بود که امام صادق (ع) فقه جعفری را به صورت سلسله دستورهای دینی تدوین فرمود.

تسنن

درباره ی پیدایش مذهب اهل سنت، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد. «بر اساس گفته ی اهل حدیث و اشاعره، پیشینه ی این اصطلاح به عصر صحابه می رسد... قول دوم این است که این اصطلاح به زمان بنی عباس می رسد. ابوحاتم رازی در کتاب «الزینه» گفته است: در عصر معاویه، جماعتی از مسلمانان بودند که از عثمان جانبداری می کردند و از علی (ع) بیزاری می جستند. اینان را «عثمانیه» می نامیدند و به کسانی که علی (ع) را دوست داشتند، «علوی» می گفتند. در عصر حاکمیت بنی عباس، اصطلاح «علوی» و «عثمانیه» لغو شد و از آن پس مسلمانان را شیعه و سنی نامیدند.»(1) تدوین اندیشه ی مذهبی اهل سنت هم زمان با پایان حاکمیت سیاسی _ فکری امویان و در عصر حاکمیت عباسیان آغاز گردید. بنی عباس بر اساس مصالح ویژه ای، پیدایش اندیشه ی جدید را از سوی پیشوایان مذاهب چهارگانه، تشویق می کردند که به طور فشرده به آن اشاره می گردد. «این مذهب را فقیهی به نام ابوحنیفه در میانه ی سال های 80 _ 150 ه . ق در عراق بنا نهاد و شاگردان ابوحنیفه، تقریرات وی را می نوشتند... . امام مالک نیز که عربی الاصل و متولد مدینه بود،درسال های 95 _ 179 ه . ق

1- اعیان الشیعه، ج 1، ص 18.

فقه، خود را بر اساس حدیث نبوی بنا گذاشت... هم چنین محمد بن ادریس شافعی فقه خود را در سال های 150 _ 204 ه . ق تدوین کرد. وی در درس امام مالک حاضر می شد. مذهب حنبلی را ابوعبداللّه احمد بن حنبل در سال های 164 _ 241 ه . ق بنیان نهاد و اصول فکری وی راه را بر پیشروی معتزله در بغداد بست.»(1) از دیدگاه اهل سنت، تاریخ پیدایش مادی و معنوی آنان به دو دوره باز می گردد. نخست، شورای سقیفه و خلافت و دوم، عصر ائمه ی چهارگانه و بنی عباس.

3_ اجتهاد

3_ اجتهاد

تشیع

از دیدگاه تشیع راه اجتهاد و تفقد در دین برای کشف ناشناخته ها و ارایه ی حکم برای موضوع های جدیدی که پیش می آید. همواره گشوده است. همه روزه بر نیازهای بشری افزوده می گردد و علوم و فنون بشری گسترش می یابد. در این میان مسؤولیت پاسخ به مشکل ها و تعیین تکالیف عبادی و دینی بر عهده ی کسانی است که توانایی ابراز نظر علمی را دارند. در این دیدگاه، منابع اجتهاد عبارت است از:

کتاب، سنت، اجماع و عقل.

باید دانست پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، گرایش سیاسی جدیدی پدیدار گشت. که مکتب «سنت و خلافت» نام گرفت. زمامداران وقت برای مشروعیت بخشیدن به حاکمیت خویش در این زمان شیوه ی فقهی ویژه ای

1- روند نهضت های ملی _ اسلامی در ایران، صص 95 _ 99.

را برای استخراج احکام دینی بنیان نهادند که عبارت بود از قرآن و آرای شخصی خلفا و صحابه، بدین ترتیب برداشت های شخصی هم پای کلام خدا اعتبار پیدا کرد و کم کم این مسأله عنوان «اجتهاد» به خود گرفت.

دلیل گرایش به این شیوه راباید در دو عامل جست و جو کرد:

1_ نبود احادیث مدون رسول خدا صلی الله علیه و آله .

2_ به حاشیه رانده شدن صحابه ای که توانایی تأویل و تفسیر واقعی قرآن را داشتند. بدین صورت قلمروی این گونه اجتهاد تا جایی گسترش یافت که قیاس، استحسان و مصالح را در برگرفت.

بدین گونه اجتهاد در حوزه های دینی مکتب تشیع هیچ گاه از پویایی باز نایستاده و فقه جعفری همواره پویایی خود را حفظ کرده است.

تسنن

اجتهاد در حوزه ی فکری اهل سنت فراز و نشیب های فراوانی داشته است. صحابه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در بسیاری از مسایل اگر در سنت پیامبر به حکمی دست نمی یافتند به رأی و نظر خود عمل می کردند. این روند تا زمان ائمه مذاهب چهارگانه ادامه داشت و به پیدایش دیدگاه های متفاوتی درباره ی مسایل اسلامی انجامید. در نظر علمای اهل سنت منابع اجتهاد عبارت است از: کتاب، سنت، اجماع، قیاس، استحسان و مصالح مرسله، سدّ و فتح ذرایع.

حرکت فقه در راه کشف ناشناخته های علمی «تا دوره ی امام صادق (ع) و ائمه ی چهارگانه اهل سنت با نشاط ادامه داشته و اجتهاد نیز معمول بوده است. فقهای صاحب مکتب و مذهب نیز به آن چهار نفر منحصر نبوده

است. بلکه یک یا چند فقیه در شهر و منطقه ای، مردم رادرمسایل فقهی و احکام شرعی راهنمایی می کردند و فتوا می دادند.»(1) البته این آزادی در فتوا و اجتهاد پس از پیشوایان مذاهب اربعه، دیری نپایید. «در اواخر قرن چهارم، فتواهای گوناگون به گونه ای گسترش یافت که مسلمانان در یک موضوع، میان چندین فتوا سرگردان بودند. به همین دلیل علما از القادر باللّه عباسی زمامدار وقت خواستند که از این اختلاف ها جلوگیری کند. در آن زمان پیروان چهار مذهب حنفی مالکی، شافعی و حنبلی بیشتر بودند. آنان با دادن چهارهزار مثقال طلا به القادر باللّه مذاهب دیگر را لغو کردند و به مذاهب خود رسمیت بخشیدند. بدین طریق باب اجتهاد به روی دانشمندان اهل سنت بسته شد.»(2) افزون برآن المستنصر باللّه در سال 625 ه . ق مدرسه ی علمیه ای بنا نهاد و کرسی های تدریس آن را به پیروان چهار مذهب یاد شده اختصاص داد. وی استادان این مدرسه را وادار ساخت که از جانب خود فتوا ندهند و تنها به بیان دیدگاه های ائمه ی چهارگانه ی اهل سنت بپردازند.

1- فقه سیاسی، ابوالفضل شکوری،ج 1، ص 13 _ 15.
2- شیعه چه می گوید؟ مهدی سراج انصاری، ص 450؛ الحوادث الجامعه، ابن الغوتی، ص 216؛ تاریخ حصر اجتهاد، آقابزرگ تهرانی، صص 105 _ 107.

4 _ جبر و اختیار

تشیع

قضا و قدر در نگاه تشیع آن نیست که دست تقدیر و قدرت پروردگار در قالب یک عنصر نامرئی از آغاز تولد تا واپسین لحظه ی زندگی، گریبان هر انسانی را گرفته باشد و انسان ناگزیر است همان جهتی را بپیماید که نیروهای درونی اش بر آن اساس، پدید آمده اند.

در کلام، شیعه، شماری از تقدیرها از قلمروی خواست انسان بیرون است و در قلمروی علم الهی و مفاسد و مصالح فردی و اجتماعی انسان قرار دارد. در این نگاه، اراده و اختیار انسان در طول اراده ی خداوند است و آزادی وی در قلمروی خویش مسلم می گردد.

تسنن

اهل سنت درباره ی آزادی یا اختیارانسان در رفتار خویش، دیدگاه ویژه ای دارند. ابوحنیفه می گوید: «اعمال انسان و معرفتش مخلوق خداست؛ زیرا هنگامی که فاعل آن مخلوق باشد، به طریق اولی، افعال او نیز مخلوق خواهد بود».(1) اهل سنت درباره ی این اندیشه که همه ی کردارهای «خوب و بد» بندگان به طور جبری در محدوده ی قدرت خداوند قرار دارد، می گویند: «خداوند قضا و حکم قطعی بر بندگان خود کرده است و کسی را توان مخالفت با قضای الهی نیست». همه ی انسان ها بایستی همان راهی را بپیمایند که برای آنان مقدر شده است. شراب خواری، دزدی، آدم کشی، زنا،

1- شرح الوصیه، ابوحنیفه، ص 84.

حرام خواری و دیگر گناهان به قدرت الهی است و کسی حق مخالفت ندارد...».(1)

هم چنین درباره ی کردار بندگان که مخلوق پروردگار است، بر این باورند که: «انسان، قدرت آفرینش در کارها را ندارد و همه ی افعال را خدا خلق کرده است؛ از کار بد، ناراضی و از کار خوب خشنود می شود».(2)

اشتراک های پیروان مذاهب اربعه با مذهب امامیه

اشاره

اشتراک های پیروان مذاهب اربعه با مذهب امامیه

در این بحث به ویژگی های مشترک مذاهب اربعه با تشیع می پردازیم.

الف _ اشتراک سیاسی

اشاره

الف _ اشتراک سیاسی

زیر فصل ها

1_ همراهی با نظام

2_ پیروی از ولی امر و رهبری

3_ آسیب شناسی اشتراک سیاسی

1_ همراهی با نظام

1_ همراهی با نظام

تشیع

انقلاب اسلامی در ایران ره آورد تلاش های مردم اسلام گرای ایران به رهبری مرجع شجاع، موقعیت شناس و دشمن ستیزی چون امام خمینی رحمه الله بود. ازین رو، حضور مردم در پیروزی انقلاب، نشانه ی پایداری فرهنگ اسلامی شیعی ایرانیان بوده و همراهی آنان با انقلاب اسلامی و دست آوردهای آن، انکارناپذیر است. شرکت مردم در راه پیمایی ها و مناسبت های سیاسی _ ملی، احترام به خون شهدا و مقام امام خمینی رحمه الله و

1- السنه، احمد بن حنبل، صص 44 _ 45.
2- خلاصه المسائل عقیده فقه حنفی، ج 1، ص 2.

جایگاه اسلام است و این هم آهنگی بر اساس باور آنان از نظام اسلامی شکل گرفته است.

تسنن

تاریخ گذشته ی اهل سنت نشان می دهد که آنان در دوره هایی از سلسله های حکومتی در ایران، از سوی زمام داران وقت در فشار بوده اند. با این که اقلیت های دینی در ایران در این میان از جایگاه مهمتری برخوردار بودند. در مقابل، پیروان مذاهب اهل سنت و علمای آنان همانند شیعیان زیر فشارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گوناگون قرار داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این وضعیت دگرگون گردید.

برای نمونه، اهل سنت به ویژه در شهرهای هم مرز با کشور عراق (به جز اقلیت وابسته) در کنار برادران شیعه ی خود به دفاع از میهن اسلامی می پرداختند. حضور چشم گیر ملی و صاحب نظران دینی و سیاسی اهل سنت در همایش های علمی _ تاریخی و عرصه ی رقابت های انتخاباتی نیز درستی این موضوع را به اثبات می رساند. اما در مناطقی همراهی و هم کاری اهل سنت با حکومت بسیار کم رنگ می نماید که بر برادران اهل سنت به ویژه فرهیختگان آنان است که برای توده ی مسلمان و مؤمن اهل سنت روشنگری کرده و آنان را به یاری سایر برادران خود در حفظ و پاسداری از نظام و ارزش های اسلامی دعوت نمایند.

در این میان، حضور اهل سنت در راستای تبیین اهداف انقلاب اسلامی، اصلی ضروری به شمار می آید؛ زیرا با توجه به نزدیکی جغرافیایی مناطق سنی نشین ایران با کشورهایی که اهل سنت در آن اکثریت دارند، ممکن

است نیروهای تندرو مذهبی و تشکل های سیاسی ضداسلامی آن کشورها، زمینه ی مخالفت های اجتماعی _ مذهبی برخی افرادداخلی را با نظام اسلامی فراهم آورند. ازین رو، رسانه های گروهی _ تبلیغی برای هم آهنگ ساختن اهل سنت با اهداف نظام اسلامی و کاهش اثرپذیری آنان از گروه های مذهبی و ملی کشورهای همسایه به ویژه نیروهای مخالف حکومت اسلامی، باید در همه ی مناسبت های مذهبی، ملی و سیاسی _ اجتماعی از نظر شخصیت های با نفوذ مذهبی _ سیاسی آنان در برنامه های خود بهره گیرند.

حضور علما و صاحب نظران اهل سنت در همایش های مذهبی، سیاسی و علمی، زمینه های هم گرایی سیاسی با نظام را فراهم می سازد. هم چنین گسترش بحث های علمی و اجتماعی در زمینه ی ایدئولوژی مشترک، منافع ملی و تأمین امنیت ملی _ مذهبی در سایه ی حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، یکی از راه کارهای مؤثر در این بخش خواهد بود.

2_ پیروی از ولی امر و رهبری

2_ پیروی از ولی امر و رهبری

تشیع

در دیدگاه تشیع، پیروی از ولایت فقیه و ولی امر مسلمانان، واجب و فتوای وی در مناسبت ها و موضوع های پیش آمده در قلمروی نیازهای شرعی، نافذ است.

در این دیدگاه، حاکم اسلامی باید فقیهی عادل، آگاه به زمان، مدیر و مدبّر بوده و توانایی استنباط احکام شرعی را داشته باشد.

در قلمروی ارزشهای تشیع، چون ولی امر، شرایط جامعه ی اسلامی را درک می کند و با ژرف بینی به نیازهای سیاسی _ اجتماعی و حقوق افراد می نگرد حکمش در برخی موارد از همان نفوذ معنوی ولایت معصومین (ع) برخوردار می گردد. این سخن بدان دلیل است که در مکتب تشیع، راه تفقه و اجتهاد در دین هم چنان گشوده است و پژوهش گران اندیشه های مکتبی، بر اساس جنبه ی جهان شمولی فرهنگ دینی، و با توجه به موضوع های جدید احکام جدیدی را برای مکلفین ارایه می دهند. افزون برآن، باید دانست که نقش واحد اهل بیت (ع) و علما در بستر پر شتاب تاریخی آن ادامه دارد؛ یعنی اکنون علما همان نقش هدایت گری را بر عهده دارند که اهل بیت (ع)، در گذشته داشتند.

تسنن

اهل سنت، پیروی از رهبر را واجب می دانند. بنابراین می گویند: «هر کس با امامی بیعت کرد ودست خود و میوه ی دلش را به او داد، باید از او فرمانبردار باشد. در این حال، اگر کس دیگری آمد و با او به ستیزبرخاست، گردن دومی را بزنید».(1)

در فرهنگ عامه درباره ی اهمیت پیروی از رهبری چنین آمده است: «اهل سنت عقیده دارند هرگاه قاطبه ی مسلمانان به اتفاق و اجماع، کسی را به مقام امامت اختیار کردند، وی امام شناخته می شود».(2)

1- سنن ابن ماجه، ج 3، ص 958.
2- علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی، ص 16.

در مذهب حنفی، مبارزه با ستمگران و ائمه ی جور، شهرت بسزایی دارد و پیروان وی، امر به معروف و نهی از منکر را جدی می گیرند. برای نمونه، در قیام نفس زکیّه از فرزندان امام حسن (س) ، که در سال 145 ه . ق رخ داد، ابوحنیفه نقش فعالی داشت و به این قیام کمک های شایانی کرد. (1)

3_ آسیب شناسی اشتراک سیاسی

برقراری حاکمیت سیاسی کنونی در ایران، پی آمد خشم پرشور توده های مسلمان ایران برضد حکومت طاغوت بوده است. این عصیان سیاسی و فکری که ره آورد هم گرایی دینی ملت دین دوست ایران بود، به حاکمیت ستم شاهی پایان بخشید و قشرهای گوناگون جامعه ی ایران را در مسیری یگانه جهت داد.

توده های شیعه و سنی، این انقلاب را از آن خود می دانستند و دست آوردهای ارزشمندش را پی آمد حرکت خالصانه ی خود می پنداشتند. همان گونه که روحانیت شیعه از حکومت پهلوی، خشنود نبود، مراکز دینی اهل سنت نیز به برنامه های این رژیم خوش بین نبودند. بنابراین، پس از انقلاب، در پرتو حاکمیت نظام اسلامی و رهبری خردمندانه ی آن، احساس آرامش می کردند و از آزادی و استقلال سیاسی _ فرهنگی مناسبی برخوردار شدند. همین مسأله برخی عوامل معلوم الحال را بر آن داشت تابرای تفرقه افکنی میان برادران اهل سنت و شیعه، درخواست هایی را به نام اهل سنت به حکومت ارایه دهند.

1- مروج الذهب، مسعودی، ج 2، ص 328.

باید گفت همه ی شیعیان و اهل سنت برای تداوم حیات سیاسی و برخورداری از امنیت فرهنگی و اقتصادی به وجود یک نظام سیاسی نیازمندند. در استقرار حاکمیت سیاسی با ثبات، منافع مشترک فراوانی نهفته است که همه باید بدان باور داشته باشند تا بتوانند با پدید آوردن آن به توانمندی های لازم دست یابند. اگر آنان محورهای هم گرایی اجتماعی _ سیاسی را کشف کنند، راه نفوذ را بر هرگونه توطئه ی داخلی و خارجی خواهند بست. کشف و ارایه ی محورهای تفاهم ملی _ اسلامی یکی از وظیفه هایی است که صدا و سیما باید در راه تحقق آن بکوشد. محورهای هم سویی میان مذاهب اسلامی در ایران را می توان چنین برشمرد:

1_ دین؛

2_ مقدسات دینی (مانند: مسجد، قرآن، سنت و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله)؛

3_ تهدیدها و تهاجم فرهنگی؛

4_ مشروعیت حکومت.

اندیشه ی ضرورت پیدایش حکومت بر پایه ی فکر دینی که در قالب جمهوری اسلامی ایران به بار نشست، به احیای دوباره ی ارزش های مکتبی در عرصه ی بین المللی انجامیده است. این تجربه ی ارزش مند، مسلمانان به ویژه مردم ایران را در جهان امروزی سربلند ساخت و کارآمدی مکتب اسلام را در پاسخ گویی به نیازهای نوین انسانی در برابر نارسایی اندیشه ی حاکم بر کلیساها به اثبات رسانید.

ب _ اشتراک اجتماعی

اشاره

ب _ اشتراک اجتماعی

از دیگر اشتراک های تشیع با مذاهب سنت، مسایل اجتماعی است، که برای آشکار شدن مطلب، به برخی از آن ها می پردازیم.

1_ میهن دوستی

1_ میهن دوستی

تشیع

وطن دوستی یکی از ویژگی های ذاتی انسان درطول تاریخ بوده است؛ زیرا وطن و خانه ی هر انسانی، محل آرامش روحی و روانی و جسمی او به شمار می رود. در وطن می توان به رفاه مادی و معنوی دست یافت واز ارزش های مقدس خویش پاسداری کرد.

در دیدگاه تشیع، احساسات و حرکت های خشک ملی گرایانه ای که به «عصبیت شدید، خود بزرگ بینی، احساس برتری بر دیگری و خود محوری» تبدیل شود، وطن دوستی نام نمی گیرد؛ زیرا این گونه رفتارها، زمینه ساز تجاوزها و رقابت های همیشگی میان گروه ها و مذاهب گوناگون و یکی از حربه های استعمار فرهنگی بیگانگان بوده است».(1) از نظر شیعه، ملی گرایی محض بدون توجه به مبانی اعتقادی همان تعصب کور و پیش داوری در سنجش شایستگی ها و نادیده گرفتن برتری های دیگران است. با چنین روحیه ای، فرد در خویشتن غرق می شود و از واقعیت های جامعه و جهان هم عقیده ی خود غافل می ماند. البته در دین اسلام و مذهب تشیع،

1- اسلام و ملی گرایایی یا ناسیونالیزم از دیدگاه اسلام، دکتر علی محمد نقوی، ص 93.

دفاع از واقعیت های جغرافیایی به عنوان مرکز مشخصی برای گسترش اندیشه های دینی، یک اصل واجب به شمار می آید.

در روایت های اسلامی که از پیشوایان تشیع نقل شده، وطن دوستی را معیار ایمان گرایی دانسته اند. در این دیدگاه، وطن بدان دلیل مورد احترام است که انسان در پرتو آرامشی که از سکونت در آن به دست می آورد، بتواند به خدمات اجتماعی و اعمال عبادی خود بپردازد و دینش را حفظ کند، نه آن که به احساسات بی پایه ی زبانی و نژادی دامن بزنند.

تسنن

وطن دوستی در میان اهل سنت نیز همانند تشیع از اهمیت ویژه ای برخوردار است ودفاع از تمامیت ارضی، واجب کفایی به شمار می آید. و از سعدبن زید نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که برای دفاع از مال، خون، دین و اهلش قیام کند، شهید است...». (1)

اهل سنت آن چنان برای «وطن» اهمیت قایل اند که می گویند اگر خطری، وطن اسلامی یا فرهنگ دینی را تهدید کند، همکاری با دشمن و معاملات تجاری با آنان جایز نیست. حنفی ها براین باورند که «پیش از کمک خواستن باید مطمئن بود که کفار نسبت به مسلمانان، نیّت سویی ندارند. مالکی ها این کار را حرام می دانند و می گویند کمک نظامی از سوی دشمن هنگامی پذیرفتنی است که با طیب خاطر آن را پیشنهاد کند. ولی درخواست

1- فقه السنه، ج 2، صص 613 _ 623 .

کمک های غیر نظامی از کفار مانند: خدمات دریانوردان، حفاران، دوزندگان و... مانع ندارد».(1)

هم چنین اهل سنت «دفاع از مرز و روزنه ای راکه ممکن است، دشمن از آن جا بر سرزمین مسلمانان هجوم آورد، از واجبات» می دانند.(2)

2_ فرهنگ شهادت

2_ فرهنگ شهادت

تشیع

در حوزه ی فرهنگ تشیع، مبارزه در راه هدفی که نتیجه و سرانجام سودمندی برای جامعه دارد، از قداست ویژه ای برخوردار است.

شرکت در عرصه ی دفاع از وطن، قرآن و شعایر اسلامی، جهاد و کوشش در راه خداوند به شمار می آید و پی آمدهای معنوی بی شماری در دنیا و آخرت به همراه دارد. اگر کسی در راه انجام این هدف، جان خود را از دست بدهد، در حکم شهید است که در راه خدا و در جبهه ی حق علیه باطل به مبارزه برخاسته است.

آدمی در مراحل گوناگون زندگی با مصالح(3) و منافع فراوانی روبه رو می شود که برای رسیدن به آن ها باید کوششی در خور انجام دهد. گاهی

1- اسلام و استعمار، رادولف پیترز، ص 41.
2- فقه السنه، ج 2، ص 637.
3- گفتنی است: «مصالح بر دو گونه اند. نخست، مصالحی، که منافع آن به یک فرد باز می گردد و وی نیز برای به دست آوردن آن می کوشد. دوم، مصالحی است که نتیجه ی آن به سود جامعه است و شاید در ظاهر برای فرد، سودی نداشته باشد. هر کاری که برای رسیدن به هدفی بالاتر از وجود عامل آن انجام شود، در شمار نوع دوم قرار می گیرد و کوشش در راه آن، مقدس است».کلیات پیرامون عبادات اسلامی، شهید صدر، محمدباقر، ص 20.

برای رسیدن به این مطلوب، وی باید حتی از جان شیرینش نیز بگذرد و آن را در راه تحقق زندگی بهتر برای هم کیشان خود فدا سازد.

در فرهنگ تشیع، شهادت در راه خدا یکی از نمودهای واقعی بندگی به شمار می آید که فرزندان ایران اسلامی در طول هشت سال دفاع مقدس، این حقیقت را به اثبات رساندند و با از جان گذشتن، راه شهدای صدر اسلام را ادامه دادند.

تسنن

از دیدگاه اهل سنت دفاع از عرض، ناموس و حقوق اجتماعی _ سیاسی و کشته شدن در این راه همان کشته شدن در راه خدا است و قربانی این راه، «شهید» نام می گیرد، در نگاه آنان، جهاد با کفار و یاغیانی که بر ضد حکومت اسلامی شوریده اند، دفاع از ارزش های اخلاقی _ دینی و ایستادن در برابر کسانی که به عرض، مال و ناموس آدمی تعرض کرده اند، واجب است و کشته ی این راه شهید به شمار می آید.

شهادت تنها در عرصه ی پیکار نظامی محقق نمی شود، بلکه در هر حالتی به حقوق آدمی تجاوز شود و وی در دفاع از آن به قتل برسد، حکم شهید را دارد.

«مسلم از ابوهُریره روایت کرده است که گفت: شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: اگر دیدم شخصی اراده ی گرفتن مال مرا دارد، چه کنم؟ _ فرمود: مالت را نده. وی پرسید: _ اگر دیدم قصد کشتن مرا دارد، چه

کنم؟ فرمود: او را به قتل برسان. او باز پرسید: اگر مرا به قتل رسانید، چه می شود؟ فرمود: تو شهید هستی».(1)

پس در نگاه اهل سنت، شهادت حقیقتی انکارناپذیر است که در تاریخ اسلام و در صحنه های گوناگون جهادی... به ظهور می رسد.

3_ آداب و رسوم

اشاره

3_ آداب و رسوم

در مکتب اسلام، آداب و رسوم فراوانی وجود دارد که در قلمروی فرهنگ شیعه و اهل سنت هر یک از جایگاه ویژه ای برخوردارند. در همه ی این مراسم و سنت ها مانند: اعیاد مذهبی، جشن های عروسی، تولد فرزند، عقیقه، اعتکاف، صله ی رحم و...، سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان مذهبی جلوه گر است.

در این مجال، به برخی آداب و رسوم مشترک میان تشیع و تسنن اشاره می شود.

3_1_ معاشرت

3_1_ معاشرت

تشیع

شیوه ی پیوند و چگونگی معاشرت با هم نوعان و هم کیشان، ساختار شخصیت درونی افراد را آشکار می سازد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی مستحکم ساختن پیوند برادری و پاداش اخروی آن، چنین فرموده است: «اگر دو مسلمان از یکدیگر دوری

گزینند و پس از گذشت سه روز با هم آشتی نکنند، از مسلمانی بیرون رفته اند و دیگر میان آنان دوستی نیست. پس هر

1- الفقه السنه، ج 2، ص 575.

یک که در سخن گفتن با برادر خویش پیش گیرد، در روز قیامت پیش تر به بهشت خواهد رفت».(1)

امام سجاد (ع) درباره ی خوش برخوردی با برادران دینی فرموده است: «کسی که به برادر خود خوش باش بگوید خداوند درباره ی او خواهد نوشت: خوش باش تا روز قیامت».(2)

حضرت علی (ع) درباره ی انفاق به برادران دینی چنین می فرماید: «خوشا به حال کسی که خُلقش را نیکو گرداند و فزونی اموال خود را به دیگران انفاق کند».(3) اهل تشیع در فروتنی، اظهار محبت نسبت به برادر دینی و گذشت نیز به عنوان اخلاق معاشرتی پافشاری ویژه ای دارند.

تسنن

در نظر مذاهب اربعه، معاشرت با برادر دینی، پاداش دنیوی و اخروی فراوانی در بر دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی دست دادن و احوال پرسی مسلمانان با یکدیگر فرموده اند: «با یکدیگر مصافحه کنید ؛ زیرا مصافحه کینه و حسد را از بین می برد و انسان را از گناه پاک می کند. پروردگار از کسی که زودتر چنین کند، خشنود است و دست خدا با دست آن دوستی است که با یکدیگر مصافحه می کنند».(4)

1- مصادقه الاخوان، شیخ صدوقره، ص 63.
2- مصادقه الاخوان، شیخ صدوقره، ص 19.
3- به نقل از اتحاد و دوستی، سید حسن ابطحی، ص 297.
4- وسایل، کتاب عشرت، ص 121.

فروتنی، گذشت، تعاون و همکاری، راستگویی، مهربانی و خوش خلقی، عیادت از بیمار، مهمان نوازی و سلام کردن از سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در نظر شیعه و اهل سنت، جایگاه ویژه ای دارد.

درباره ی دوستی با دیگران بر این باورند که: «آدمی باید با رفیق خود با نهایت لطف و اخلاق رفتار کند. اگر هم ازدوستانش، آزار ببیند، بردبار باشد...».

2_3_ سرگرمی ها

2_3_ سرگرمی ها

سرگرمی در میان همه ی اقوام بشر وجود دارد. البته در فرهنگ دینی، سرگرمی ها باید مشروعیت داشته باشند و رهبران مذاهب اسلامی، آن را تجویز کنند. در این فرصت، به سرگرمی هایی می پردازیم که در نظر تشیع و مذاهب اربعه، مشروعیت مذهبی دارند.

تشیع

در فرهنگ تشیع، بازی ها و سرگرمی هایی مشروعیت دارند که پی آمدهای مثبت جسمی و روحی دربرداشته باشند. به همین دلیل، مسلمانان از پرداختن به قماربازی، رقص و آواز و استفاده از آلات موسیقی غنایی که سبب مفسده ی اخلاقی و اجتماعی می گردد، باز داشته شده اند.

در مقابل، مسابقه های قهرمانی، اسب دوانی، تیراندازی، شنا و کوه نوردی که به ورزیدگی روحی و جسمی و رشد استعداد افراد می انجامد، جایز شمرده شده است.

گفتنی است آن دسته از سرگرمی ها و تفریح های ناسالم اجتماعی نیز که مایه ی اذیت و آزار دیگران باشد، ممنوع است.

تسنن

در نگاه اهل سنت، سرگرمی هایی مشروعیت مذهبی و عرفی دارند که در اخلاق و رفتار انسان ها، اثر منفی نداشته باشد، و به هدر رفتن وقت و سرمایه های مادی نیانجامد.

غنا و استفاده از آلات موسیقی در مراسم عروسی و جشن ها اگر حالت طرب آور داشته باشد، منع گردیده است. نظر پیشوایان اهل سنت درباره ی آواز و استفاده از آلات لهو، چنین است: «بازی با تار و تنبور، زدن و نواختن چنگ و مزمار و غیره در عموم مذاهب (اربعه) محکوم به حرمت است. مالکیه گفته اند: آلات لهوی که برای اشتهار نکاح به کار برده شود مانند: دف، طبل و تار و مزمار مباح است. حنابله نیز چنگ، رباب، مزمار، طبل و سایر آلات لهو را حرام می دانند».(1)

از نظر مذاهب اربعه، شرکت در مسابقه های رزمی برای آمادگی در مبارزه با دشمن از اهمیت بسیار برخوردار است. «آنان در حالی که از قمار نهی کرده و آن را از بزرگ ترین گناهان به شمار آورده اند، رهان را اجازه داده اند؛ یعنی کسی که مسابقه را می برد می تواند آن چه را حریفش برای برنده قرار داده است، دریافت کند.»(2)

1- راهنمای مذهب شافعی، ص 335.
2- راهنمای مذهب شافعی، صص 339 _ 340.

4_ دیگر دوستی

تشیع

در حوزه ی مذهب تشیع، محبت و عشق ورزیدن به دیگران به عنوان یک تمایل ژرف درونی و رفتار مطمئن بیرونی، زمینه ساز هم گرایی اجتماعی است.

اگر فرد نتواند این احساس درونی را برآورده سازد، نمی تواند ارتباطش را با دیگران سامان دهد. روابط اجتماعی و احساس پیوند با دیگران در شکل های گوناگون آن، در کنار رابطه ی عبادی بنده با خداوند نمود پیدا می کند. به یقین، جنبه های سیاسی و اجتماعی عبادت آن گاه نقش حقیقی شان رابه دست می آورند که در رهبری روابط اجتماعی با هم نوعان و هم کیشان خود، نیرویی سازنده پدید آورد در این صورت آن چه را برای خود می خواهد، برای دیگران نیز می جوید و در این صورت، اعضای جامعه ی دینی را عضوی واحد می داند که درد مشترک دارند و درمان آن نیز یکی است.

در فرهنگ تشیع، هدیه دادن، سوغاتی آوردن، قرض دادن، به عیادت رفتن، به اصلاح ذات البین پرداختن، دست دادن، رازداری، فروتنی و گذشت از نشانه های دیگر دوستی به شمار می آید. که دوستی ها را در جامعه افزایش می دهد و به اصلاح رفتارهای اجتماعی می انجامد. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی هدیه دادن به هم دیگر فرموده است: «ای مسلمانان! برای یکدیگر تحفه و هدیه بفرستید و با این کار، ریشه ی مودت و دوستی تان را محکم سازید؛ زیرا هدیه، حقد و کینه را از بین می برد.(1)

1- اتحاد و دوستی، ص 257.

تسنن

اهل سنت، پیوندهای فکری و اعتقادی را از پیوندهای خانوادگی و نژادی، بالاتر و برتر می دانند. اکنون نیز همه ی مسلمانان به چنین پیوند فکری که از مقدس ترین و پایدارترین پیوندها در گذشته بوده است، نیازمندند، هرگاه دو انسان، احساس، باور، اندیشه و نیازهایی همانند یکدیگر داشته باشند، به هم پیوند می خورند و همین پیوند می تواند در مقیاس بزرگ تر؛ یعنی در سطح جامعه گسترش یابد. جامعه ی متشکل و واحد، جامعه ای است در برگیرنده ی افراد انسانی هم فکر و هم باور که یگانه رفتار می کنند.

اهل سنت نیز برای آن که موجودیت اعتقادی و سیاسی خود را در متن واقعیت جامعه ی ایران حفظ کنند، باید یگانه بیاندیشند و یگانه رفتار کنند.

«اهل سنت ایران از انسجام، هم گرایی و هم دلی بالایی برخوردارند. روح اُخوت، تعاون و همکاری میان آنان وجود دارد و در برخوردها و رفتارهای ظاهری شان نیز صفا و محبت ویژه ای به چشم می خورد».(1)

5_ فرهنگ تعاون

5_ فرهنگ تعاون

تشیع

تعاون در مذهب تشیع بر پایه ی رعایت حقوق متقابل افراد مسلمان شکل می گیرد که انواع آن عبارت است از:

1- گزارش کار: حجه الاسلام احمدعلی صادقی نمایندگی ولی فقیه در بین اهل سنت.

ص:63

1_ تعاون اخلاقی که انصاف، گذشت، انفاق، سخاوت، مهمان نوازی را دربرمی گیرد. و حقوق اخلاقی متقابل را در نظر دارد.

2_ تعاون ارزشی: اتحاد و همکاری متقابل اعتقادی و سیاسی را در برمی گیرد که در پرتو باورهای مشترک می توان بدان دست یافت.

3_ تعاون عاطفی: عاطفه استعداد و هیجانی نسبتا ثابت و درونی است که احساسات و رفتار انسان ها را نسبت به یک پدیده تعیین می کند. بنابراین، با زنده شدن فرهنگ تعاون در جامعه ی دین دار، وجدان ها بیدار و احساس نوع دوستی، پویا می گردد و افراد ازانجام خدمت سودمند به دیگران، احساس نشاط می کنندو اعتماد متقابل میان اعضای جامعه به وجود می آید و در سایه ی احترام و اعتماد متقابل زمینه ی رشد و گسترش پایه های اقتصادی استحکام می یابد».

4_ تعاون اقتصادی: زکات، خمس، موقوفات، نذورات، هدیه، سوغات و صدقات در این شمار هستند که در گشودن گره های اقتصادی جامعه ی اسلامی نقش بسزایی دارند.

تسنن

تعاون به صورت گسترده ای زندگی پیروان مذاهب اربعه را زیر پوشش قرار می دهد؛ زیرا تعاون زیربنای اندیشه ی اجتماعی همه ی ادیان الهی و مذاهب اسلامی است.

در فرهنگ اهل سنت برای گشودن معضل های اقتصادی، راه کارهایی پیش بینی شده است تا میزان همکاری و پیوند اجتماعی مردم افزایش یابد.

پرداخت زکات، صدقات، موقوفات، نذورات عشر و تشویق به انجام خدمات عام المنفعه و دیگر اقدامات ثواب آفرین از جمله برنامه های اهل سنت برای گسترش فرهنگ تعاون در جامعه است.

6_ نظام خانوادگی

اشاره

6_ نظام خانوادگی

زیر فصل ها

6_1_ حقوق زن و مرد در نظام خانواده

6_2_ مشروعیت ازدواج با مذاهب دیگر

6_1_ حقوق زن و مرد در نظام خانواده

6_1_ حقوق زن و مرد در نظام خانواده

تشیع

اسلام سلسله وظایفی را به طور مشترک برای زنان و مردان مطرح کرده است.

برای نمونه، نماز جمعه، جماعت، حج، مبارزه با حاکمیت طاغوت و کج روی های اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر، و دیگر دستورهای فراگیری است، که همه ی مردان و زنان باید در اجرای آن بکوشند. قرآن دراین باره می فرماید: «مؤمنان راستین کسانی هستند که از نظر اعتقادی، خدا و پیامبر را باور دارند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند بی اجازه ی او جایی نمی روند».(1) و لذا آن ها، مسایل اجتماعی و هوش جمعی جامعه را خوب می شناسند و در مسایل جمعی همواره حضور دارند و منزوی نیستند.

در این مورد، خطاب خداوند در قرآن، همه ی زنان و مردان خداپرست را دربرمی گیرد. بدین ترتیب، جایگاه زن در نظام خانواده و عرصه ی اجتماع و سیاست برای مبارزه با مفاسد اجتماعی پدیدار می گردد.

1- سوره ی نور، آیه ی 61.

از دید پیشوایان مکتب تشیع، زن و مرد به عنوان دو بال حرکت به سوی کمال انسانی می توانند نقش مثبت خود را در قلمروی وظایف ویژه ی خویش به انجام رسانند و موانع اجتماعی را از سر راه بردارند.

زنان در همه ی عرصه های زندگی از حقوق برابر با مردان برخوردارند و در پرتو رعایت احکام اسلامی می توانند در امور گوناگون فرهنگی _ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش به سزایی داشته باشند.

تسنن

در فرهنگ عامه، زنان از جایگاه ارزش مندی برخوردارند. تاریخ اسلام گواهی می دهد که زنان در پذیرش اسلام هم پای مردان گام برداشته و گاه بر آنان پیشی گرفته اند، به گونه ای که بسیاری از زنان در پرتو هوشیاری و عزم استوار خویش پیش از همسران شان، حقانیت اسلام را می پذیرفتند. «گروهی از زنان هنگامی ایمان آوردند که شوهران شان کافر بودند مانند: دختر ولید بن مغیره که همسر صفوان بن امیه بود و ام حکیم، دختر حارث بن هشام و همسر عکرمه بن ابی جهل.»(1)

در فرهنگ اهل سنت، زن با حفظ شؤون اخلاقی و حجاب اسلامی می تواند در سرنوشت اجتماع نقشی بسیار اساسی داشته باشد. با توجه به آن که نقش تربیتی زن در محیط خانه سنگین تر است، وی می تواند با سلاح ایمان و بردباری، وظیفه ی خویش را به انجام برساند. افزون بر آن می تواند در صحنه های اجتماع همانند: نماز جماعت، نماز جمعه، مراسم حج، و

1- الموطأ، مالک بن انس، صص 370 _ 371.

اعیاد اسلامی شرکت کند. اینک نظر چند تن از علمای اهل سنت را درباره ی جایگاه زن و مرد در نظام خانواده، می آوریم.

شیخ الاسلام کردستانی می گوید: شریعت غرّا، مردان را مکلف ساخته است که به زنان و اولاد و دیگر افراد عائله ی خویش، انفاق کنند. افزون بر آن، تکیف های دیگری مانند: پرداخت مهر و حق حضانت و مزد شیر دادن اولادی که از آن زن دارد را نیز در زمان زوجیت و پس از آن به عهده ی او نهاده است.

با این وضعیت، عدل و انصاف ایجاب می کند طلاق زن در دست کسی باشد که متحمل این هزینه ها می شود. هر چند زن، دانشمند و متین باشد به اقتضای غریزه ی ذاتی که در فطرت او قرار دارد، تأثیرپذیر است پس هر گاه با وضع ناگواری روبه رو گردد، از حالت تعادل خارج می شود و برای رهایی از آن، از زیر بار تربیت اولاد و حفظ خانواده شانه خالی می کند. در این حالت، وی به طلاق خود راضی می شود، در حالی که این کار به زیان شوهر و فرزندان و نظام خانواده است، به همین دلیل، شریعت مقدس اسلام استقلال زن را در طلاق به صلاح ندانسته است. البته گاهی ضرورت پیش می آید که زن با تفویض یا توکیل از سوی مرد، این وظیفه را انجام دهد».(1)

محمود شاکر می گوید: «در این نظام، زنان به کارهایی مانند: تربیت نسل آینده، رسیدگی به کارهای خانه و ماندن در آن و بیرون آمدن در حد تهیه ی نیازهای خانه مکلف اند. البته در برابر کارهای بیرون از خانه مردان برای

1- راهنمای مذهب شافعی، ص 92.

کسب روزی و آبادی کشور و کوشش برای درخشان نگاه داشتن نام کشور نیز مسؤولند».(1)

2_6_ مشروعیت ازدواج با مذاهب دیگر

2_6_ مشروعیت ازدواج با مذاهب دیگر

تشیع

از نظر فرهنگ تشیع، مرد شیعه می تواند با زنانی که اهل کتاب هستند، ازدواج کند. برقراری پیوند زناشویی با پیروان مذاهب اربعه نیز در فقه شیعه به طور مطلق جایز است. «در گذشته به ویژه پیش از انقلاب اسلامی، رابطه ی شیعه و سنی تا حدود زیادی، طبیعی و به دور از تنش بود. به دلیل همین روابط عادی و مسالمت آمیز خانوادگی، خانواده های شیعه و سنی به هم گره خورده اند و ازدواج شیعه و سنی، امری رایج و عادی بوده است. اکنون نیز گاهی این گونه پیوندهای خانوادگی ایجاد می شود، به گونه ای که برخی اعضای یک خانواده ی شیعه و برخی دیگر، سنی هستند».(2)

گفتنی است پیوندهای خانوادگی میان پیروان تشیع و اهل سنت، احساس های مشترک را افزایش می دهد و با تبادل و انتقال فرهنگی، از تعصب های غیرمنطقی می کاهد.

تسنن

1- جهان اسلام، صص 48 _ 49.
2- گزارش حجت الاسلام احمدعلی صادقی؛ محقق دفتر نمایندگی ولایت در اهل سنت بلوچستان.

اهل سنت، ازدواج با پیروان همدیگر را جایز می دانند. ازدواج پیروان مذاهب اربعه با یکدیگر در جامعه های اسلامی به ویژه ایران به چشم می خورد. حتی در شهرهایی که یک مذهب در اکثریت هستند، بر سر راه ازدواج دو زوج با مذاهب متفاوت، مانعی وجود ندارد.

هم چنین ازدواج پیروان مذاهب اربعه با پیروان تشیع در شهرها و روستاهای دو زیستی «متشکل از سنی و شیعه» به صورت عادی رواج دارد.

ج _ اشتراک فرهنگی

اشاره

ج _ اشتراک فرهنگی

زیر فصل ها

1_ حجاب و غیرت ناموسی

2_ فعالیت های سیاسی _ اجتماعی زنان

1_ حجاب و غیرت ناموسی

1_ حجاب و غیرت ناموسی

تشیع

دشمنان اسلام و تشیع می دانند که برای تهی ساختن جامعه از هویت فرهنگی آن باید مردم را از ارزش های فکری شان دور کنند؛ زیرا انسان بی فرهنگ فردی خوار و از خود بیگانه است که می توان او را به مسیر دلخواه، جهت داد.

یکی از شیوه های نفوذ فرهنگی بیگانگان برای به نتیجه رساندن طرح بی هویتی فرهنگی، بی ارزش ساختن مسأله ی حجاب در میان زنان مسلمان است تا باگسترش بی حجابی و بدحجابی، وابستگی آنان به ارزش های

اخلاقی کاهش یابد. از نظر مذهب تشیع، پوشش شرعی عبارت است از: «پوشاندن همه جای بدن از نگاه نامحرم به جز صورت و دست ها تا مُچ دست».

زن با حجاب، به شخصیتی ثابت و استوار بر پایه ی فرهنگ و اخلاق اسلامی دست یافته است، به گونه ای که دگرگون ساختن چنین زنی ناممکن خواهد بود. در روایات شیعه با پافشاری بر رعایت حجاب شرعی، پی آمدهای زیان بار دنیایی و اخروی بی حجابی در این دیدگاه گوشزد شده است.

نگاه از تیرهای شیطانی است که زمینه را برای تخریب روح و روان مردم به ویژه قشر جوان فراهم می سازد. «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه (س) چنین فرمود: «چه چیز زینت زنان است؛ فاطمه (س) عرض کرد: این که او، مردی رانبیند و مردی هم او را نبیند». (1)

امام صادق (ع) درباره ی غیرت ناموسی در اسلام فرموده است: «نماز زنی که خود را برای غیر شوهر، خوش بو و معطر کند، پذیرفته نیست تا این که خود را بشوید، مانند کسی که خود را از جنابت پاک می کند».(2)

باید دانست استعمار با بهره گیری از ابزارهای گوناگون می کوشد این حصار را بشکند و به مقصود خود برسد. پس بر همه ی مسلمانان واجب است در این جدال فراگیر که همه ی ابزارهای پیشرفته ی دنیای غرب در آن بسیج شده اند، به تقویت بنیان های خانوادگی و پرورش خود توجه بیشتری داشته باشند. تنها در این صورت است که به سالم ماندن روابط خانوادگی می توان امیدوار بود.

تسنن

1- وسایل الشیعه، ج 3، ص 9.
2- فروع کافی، ص 113.

در فرهنگ اهل سنت نیز همانند تشیع «نپوشاندن کف، مچ و صورت مجاز است و اگر جز این باشد، حجاب محقق نمی شود. حتی درباره ی پیراهن گفته اند باید به گونه ای بلند باشد که بر زمین کشیده شود. هم چنین در نماز واجب است زن ها تمام بدن خود را بپوشانند جز صورت و کفین».(1) حجاب و پوشش زنان، دستوری شرعی است که درهیچ زمان و مکانی، تعطیل نمی شود. نگاه کردن به اندام زن از نظر شیعه و سنی، تیری از تیرهای شیطان است. که زمینه ی تحریک شهوت را فراهم می سازد. به همین دلیل، پوشاندن اندام زنان واجب اعلام شده است.

بیشتر زنان اهل سنت ایران به رسوم اجتماعی و مذهبی خویش پای بندند و «حجاب بسیار خوبی دارند. زنان به صورت بدحجاب یا با پوشش نامناسب بسیار کم ظاهر می شوند.

آنان، حجاب شان را به شیوه ی سنتی رعایت می کنند؛ یعنی بیشتر خانم ها نقاب به رخ دارند یا با پوشش محلی ظاهر می شوند».(2)

2_ فعالیت های سیاسی _ اجتماعی زنان

2_ فعالیت های سیاسی _ اجتماعی زنان

تشیع

در قملروی مذهب تشیع، زن با حفظ حجاب و شؤون اخلاقی خویش می تواند به مقام های بالای اجتماعی و سیاسی دست یابد.(3) بر این اساس زن

1- مغنی ابن قدامه، ج 7، ص 465؛ سنن نسایی، ج 3، باب 3؛ سنن بیهقی، ج 7، ص 90.
2- گزارش تحقیقی: توسط حجه الاسلام احمدعلی صادقی.
3- گفتنی است فقه شیعه مسؤولیت قضاوت و رهبری دینی و سیاسی را از دوش زن برداشته است، زیرا این مسؤولیت ها با ویژگی های زنانه تناسب ندارند.

به عنوان عضو جامعه می تواند موجودیت خود را در عرصه های گوناگون اجتماع به اثبات برساند.

اسلام با حفظ قلمروی مسؤولیت پرورش زن به وی اجازه می دهد که در ساختن جامعه ی اسلامی سهم داشته باشد بر خلاف این نگرش دنیای پیشرفته ی غرب به دید مادی به زن می نگرد و ارزش او راتا سطح یک کالا پایین می آورد. در این نگرش، زن به آشفتگی روحی و سردرگمی اجتماعی دچار می شود و به موجودی بی مسؤولیت و بی هویت تبدیل می گردد.

همین روش برخورد با این موجود لطیف و عاطفی است که تراژدی کنونی بشری و تمدن جدید صنعتی را رقم زده و به افزایش ناهنجاری های اخلاقی _ اجتماعی و فروپاشی نهاد خانوادگی در غرب انجامیده است. باری، در این جامعه ها، رسالت اصلی زن که همان پرورش انسان ها برای پر کشیدن به معراج است، فراموش گردیده است. البته در نقطه ی مقابل این وضع، اگر زن در محیطی بسته و بدون زمینه های رشد و پیشرفت محدود شود استعدادهای طبیعی اش نابود می گردد و وی از هویت اصیل خویش تهی می شود.

با توجه به شرایط حساس جهان اسلام و ایران و جمعیت قابل توجه زنان ضرورت گسترش آموزه های اسلامی در میان زنان و به زبان آنان احساس می شود. یکی از فعالیت های ارزشمندی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده، ایجاد و گسترش حوزه ی فعالیت های «جامعه الزهرا» بوده است. بر اساس این طرح، زنان مبلغه ی حوزه های علوم دینی به ویژه حوزه ی علمیه ی قم وظیفه ی تبلیغ معارف اسلامی را در سراسر کشور بر عهده دارند. افزون بر آن با حضور دانش آموختگان این مراکز در پست های

تخصصی مراکز آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، جامعه ی اسلامی از تلاش های این قشر در عرصه های گوناگون بهره می برد. در نگرش شیعی آموختن دانش به عنوان پیش زمینه ی خدمت های انسان دوستانه، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. و تفقه در دین و هدایت دیگران برای کشف معارف اسلامی و تقوای عملی واجب کفایی به شمار می آید. زنان هم چون مردان وظیفه و نقشی یکسان بر عهده دارند.

تسنن

زن در حوزه ی معارف اهل سنت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. البته آنان برای فعالیت های آموزشی، اجتماعی و سیاسی زنان شرایط ویژه ای را در نظر می گیرند.

نماز جمعه و جماعت یکی از مظاهر سیاسی ـ عبادی احکام اسلامی است. اهل سنت درباره ی شرکت زنان در این گونه مراسم می گویند: «به استناد احادیث فراوان حضور زنان برای اقامه ی نماز جماعت در مساجد جایز است، به شرط آن که خود رامعطر نسازند و حضور آنان در مسجد مفسده ای ایجاد نکند... حکم به افضلیت نماز گزاردن زنان در منزل زمانی است که در مسجد فوایدی همانند سخنرانی، درس و... نباشد.»(1)

گفتنی است «تا 4 دهه قبل، زنان اهل سنت همدوش مردان در جامعه حضور داشتند و در حماسه های گوناگون حتی از مردان پیش تر بودند. ولی از حدود بیست و سه سال پیش وضع دگرگون شد. از آن زمان، مردم زیر

1- الفتاوی الاسلامیه، شیخ عبدالمجید سلیم، ج 1، ص 74.

نفوذ هسته های اولیه ی مذهبی اهل تسنن قرار گرفتند و کم کم با تسلط یافتن مذهب بر عرف جامعه زنان کنار رفتند. مولوی ها در این کار سهم به سزایی داشتند و گونه ای مرد سالاری متدینانه را در این منطقه ها حاکم کردند. البته مدتی است این وضع رو به بهبود گذاشته است. بیشتر مولوی ها تحصیلات عالی دارند و تنها در دانشکده ی ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان، دست کم 250 دختر سنی مشغول تحصیلند. مولوی ها نه تنها به این کار قانع شده اند بلکه مشوق آن نیز بوده اند. یکی از مولوی های زاهدان می گوید: «در حال حاضر حدود 300 _ 400 خانم سنی در سطوح بالای حوزه ی علمیه ی اهل تسنن در زاهدان درس مذهبی می خوانند.»(1) هم چنین در شهرستان خواف، یک حوزه ی علمیه برای خواهران، بنا نهاده شده است که برنامه های دیگری مانند قرآن و جلسه های خانگی را نیز برای زنان دایر می کند.»(2)

از دیدگاه مذاهب اربعه زنان در باب تفقه و کشف باورهای دینی و فقهی و تکالیف عملی آن می توانند تا مدارج بالای علمی پیشرفت کنند. نواندیشی علمای اهل سنت در گسترش رشته های علوم اسلامی برای زنان و بنیان نهادن مراکز تربیتی اسلامی و حوزه های علوم دینی برای آنان این حقیقت را به خوبی نشان می دهد.

1- جایگاه زنان و دختران در جامعه ی اهل سنت، رحمت اللّه صدیقی. «یونسف» دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
2- مصاحبه با حجه الاسلام شیخ علی زنگویی: کارشناس اهل سنت محقق: نمایندگی ولی فقیه در بین اهل سنت.

اشاره

د _ اشتراک اعتقادی

زیر فصل ها

1_ توحید و شرک

2_ حدود و ارتداد

3_ اهلبیت و مهدویت

4_ تقیه و جواز آن

5_ اولی الامر

1_ توحید و شرک

اشاره

1_ توحید و شرک

تشیع

در فرهنگ اهل بیت (ع)، توحید زیربنای وحدت دینی همه ی ادیان الهی و مذاهب اسلامی است. توحید گرایی یکی از نمادهای برجسته ی جهان بینی و هستی شناسی گسترده ای است که می گوید نظام هستی رایک خالق، آفریده است و نیرویی ماوراءالطبیعی، جهان هستی را نگه می دارد. پس باوری جز این، شرک و دوگانه پرستی به شمار می آید. این نگرش همه ی دگرگونی های طبیعی را که پی آمد پیشرفت علوم و فنون جدید است، به علتی بیرونی و حاکم که مافوق ماده است نسبت می دهد.

الف _ توحید

اشاره

در تشیع مراحلی دارد که عبارت است از:

1_ الف _ توحید ذاتی:

شناخت ذات حق به وحدت و یگانگی. نخستین شناختی که هرکس از ذات حق دارد، بی نیازی اوست.

2_ الف _ توحید صفاتی:

شناسایی ذات حق به یگانگی عینی با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر. توحید ذاتی به معنای نفی مثل و مانند داشتن است و توحید صفاتی به معنای نفی هر گونه کثرت و ترکیب از خود ذات به کار می رود.

3_ الف _ توحید افعالی:

آگاهی از این که جهان با همه ی نظام ها، سنت ها و علل و معلول های پیچیده اش، از فعل و اراده ی حق ریشه گرفته است.

4_ الف _ توحید عبادی:

توحیدهای سه گانه ی یاد شده، فطری و ازنوع شناختن بود، ولی توحید در عبادت، توحید عملی و از نوع «بودن» و «شدن» راستین است.(1) در این گونه توحید گرایی، جهان هستی یک قطبی و در حقیقت تک محوری است که همه ی موجودات برگرد آن محور می چرخند.

ب _ شرک

اشاره

نیز مراحلی دارد که همه ی آن ها ضد توحید و یکتاپرستی است.

1_ ب _ شرک ذاتی:

جهان راچند قطبی و چند کانونی می داند.

2_ ب _ شرک در خالقیت:

برخی آفریده های خداوند را در آفرینش با او شریک می شمارند و می گویند خداوند، مسؤول خلقت «شرور» نیست، زیرا شرور آفریده ی بعضی مخلوقات است این شرک در نقطه ی مقابل توحید افعالی قرار دارد.

3_ ب _ شرک در پرستش:

چوب، سنگ، فلز، حیوان، ستاره یا خورشید را می پرستند.این نوع شرک نقطه ی مقابل توحید در عبادت قرار دارد.(2)

تسنن

توحید در مذهب اهل سنت همانند مکتب تشیع است. لازمه ی توحید ذاتی آن است که همه ی پدیده ها از یک ریشه، سرچشمه گیرد و سرانجام، به سوی او باز گردد. در این دیدگاه، نقش تأثیر و تأثّر و علت و معلول در نظام هستی، انکارناپذیر است. و هرگونه نگرش مخالف در این باره، شرک است. از دید اهل سنّت، شرک اگر از روی آگاهی، عقل، بلوغ و اختیار

1- جهان بینی اسلامی، شهید مطهری، صص 86 _ 90.
2- جهان بینی اسلامی، شهید مطهری، صص 105 _ 110.

باشد، کفر است و مجازات اعدام در پی دارد. برای روشن شدن مطلب به برخی منابع اهل سنّت اشاره می شود. گفتنی است در این زمینه، تشیع با مذاهب اربعه اشتراک نظر دارد.

اهل سنت می گویند: «اگر کسی بر این باور باشد که جز خداوند بزرگ، هیچ موجودی در جهان هستی اثر استقلالی ندارد، بلکه تأثر آن بر اثر نیرویی است که پدید آورنده ی آن ها در نهاد هر یک قرار داده، موحد است و خلاف آن را باید شرک دانست. بحث توسل، تبرک، طلب شفاعت، استغاثه و کمک گرفتن از قُبور و ضریح پیامبران، صالحان و شهیدان، نیز این گونه است؛ زیرا بزرگان بر این عقیده بوده اند که پیامبران و شهدا و صالحان با اجازه ی خداوند و با نیرویی که خدا در وجودشان نهاده است می توانند مؤثر باشند، بی آن که برای آنان استقلال ذاتی در نظر بگیریم. این سخن، سیره ی همه ی بزرگان پیشین بود تا آن که ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، با گفتار و شیوه ی خود میان مسلمانان تفرقه افکندند».(1)

یکی ازدانشمندان معروف اهل سنت درباره ی جایگاه توحید در جهان بینی اسلامی و برتری آن بر دیگر مکتب های فلسفی _ اعتقادی جهان چنین گفته است: «اولین پایه ی جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی، یکتاپرستی (توحید) است. توحید در اسلام یک حقیقت و در عین حال، یکی از ویژگی های آن است که با همین ویژگی در میان دیگر عقیده ها و مکتب های فلسفی زنده ی جهان، ممتاز مانده است».(2)

1- دومین همایش علمی _ تحقیقی وحدت، مقاله ی مولوی کاشانی، ص 91.
2- ویژگی های ایدئولوژی اسلامی سیدقطب، ص 364.

از دیدگاه اهل سنّت «به کسی کافر گفته می شود که یکی از ضروریات دین اسلام را انکار کند و مشرک کسی است که برای خداوند بزرگ، شریک قرار دهد. از این رو، دایره ی کفر از شرک گسترده تر است».(1)

قرطبی _ دانشمند اهل سنت _ انواع شرک را چنین برمی شمارد:

1_ شرک در الوهیت: بزرگ ترین مرتبه ی شرک است.

2_ شرک در افعال: یعنی غیر خدا را به صورت مستقل در افعال و اعمال مؤثر بداند.

3_ شرک در عبادت: شرک در عبادت مرادف با ریاست.(2)

2_ حدود و ارتداد

2_ حدود و ارتداد

تشیع

در یک نگاه، اسلام؛ یعنی گردن نهادن بی چون و چرا به دستورهای پروردگار.

مسأله ی ایمان آوردن و بازگشت از آن، یکی از کهن ترین مسایل فکری، کلامی و اعتقادی در تاریخ ادیان بوده و در تاریخ اسلام نیز سابقه داشته است. گاهی برخی افراد به دلیل قرار گرفتن در شرایط ویژه ای از دین خود دست می کشیدند که این حرکت در سوءاستفاده از دین، سست باوری فرد یا ترس از جان و تطمیع از سوی زورمندان ریشه داشته است. از نظر مکتب تشیع، موارد ارتداد چندگونه است:

1- دومین همایش علمی _ تحقیقی وحدت، مولوی کاشانی، ص 90.
2- دومین همایش علمی _ تحقیقی وحدت، مولوی کاشانی، ص 90.

اگر مسلمانی با صراحت وجود خدا و توحید یا نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند. این انکار موجب ارتداد است، خواه با گرایش به مذهبی دیگر همراه باشد، خواه انکار کننده، لامذهبی را در پیش گیرد.

اگر مسلمانی به چیزی معتقد شود که اعتقاد به آن مرادف انکار توحید و رسالت باشد، (برای مثال، یکی از احکام قطعی اسلام را که در قرآن یا سنت، به طور متواتر ثابت شده است انکار کند) چنین شخصی اجماعا مرتد است. هرچند به دیگر احکام اسلام پای بند باشد؛ زیرا ارتداد نقطه ای مقابل ایمان است. ایمان عبارت است از اعتقاد به تمام اسلام و اطاعت کامل از رسول گرامی اسلام.(1)

اگر مسلمان یکی از ضروریات اسلام را انکار کند، مرتد می شود حتی اگر دیگر احکام اسلامی را به درستی انجام بدهد. ارتداد ممکن است به شکل های زیر روی دهد:

1_ با کردار: شخصی به کاری دست می زندکه از نظر اسلام، ممنوع و حرام است و او با عناد، عمد یا استهزاء، آن را حلال و مباح و بلامانع می شمارد و بدان تظاهر می کند...

2_ با خودداری از انجام کار: فرد از انجام کاری که اسلام آن را وظیفه و واجب شمرده است، سرباز می زند یا آن را انکار می کند و چنین کاری را حلال می داند.

1- مجموعه مقالات دومین همایش علمی _ وحدت، ربانی گلپایگانی، ص 32.

3_ با گفتار: شخص، اسلام را آیین ناقص، نارسا و تطبیق ناپذیر با شرایط زمانی و مکانی معرفی می کند و پاره ای از قوانین آن را مورد انتقاد قرار می دهد.(1)

تسنن

ارتداد یکی از جلوه های کفر و همان بازگشت و روی گرداندن از دین و پشت کردن به احکام اسلامی است. «ارتداد با ترک واجب و ارتکاب حرام محقق نمی شود، بلکه تنها انکار احکام اسلامی موجب ارتداد می شود. بر این اساس، اگر کسی مرتکب محرمات شود و واجبات را نیز ترک کند ولی هیچ یک از احکام دین را انکار نکند مرتد نیست بلکه مسلمانی است فاسق و گناه کار. پس اگر یکی از احکام دین را انکار کند مرتد است هر چند به انجام واجبات وترک محرمات نیز پای بند باشد.

گفتنی است انکار در صورتی موجب ارتداد می شود که مورد انکار از نظر دلالت، آشکار و غیر قابل تأویل و از نظر سند، ضروری یا قطعی باشد». (2) اجرای حدود اسلامی درباره ی مرتد و کافر تفاوت دارد. «هر گاه مرتد دوباره به اسلام گروید، نماز، روزه، قصاص، دیه، حدود و هر آن چه به دین مربوط است بر عهده اش می باشد. البته قضای آن چه از کافر اصلی فوت شده است، بر عهده ی او نیست. هم چنین از کافر می توان امان و جزیه گرفت ولی از مرتد، امان پذیرفته نمی شود.»(3) در مذهب اهل سنت

1- بنیادهای ملیت در جامعه ی ایده آل اسلامی، صص 118 _ 119.
2- مجموعه ی مقالات دومین همایش وحدت، مولوی محمد عمر سربازی، ص 33.
3- روضه الفریقین، ص 179.

ارتداد از نظر جنسیت نیز حکم جداگانه ای دارد. «مرتد به معنای برگشته از اسلام است. وقتی مسلمانی از اسلام برگشت باید دوباره اسلام بر او عرضه گردد تا اگر شبهه ای برایش پیش آمده است با دلیل و برهان رفع شود. چنین فردی را باید به مدت سه روز زندانی کرد. اگر اسلام را پذیرفت و توبه کرد، مشکلی نیست اگر نه پس از سه روز کشته می شود. اگر زن مسلمه از اسلام برگشت، کشته نمی شود، بلکه زندانی می شود تا بمیرد یا توبه کند. هنگامی که شخصی مسلمان، کلمه ی کفر را بر زبان جاری کرد. ایمان وی نابود می شود و همه ی نیکی ها و عبادت های او از بین می رود و نکاح او با عیالش باطل می شود»(1)

در مذهب اهل سنت، عوامل ارتداد و برگشتن از دین عبارتند از: «انکار خداوند، انکار صفات او، اعتقاد به خدایان چندگانه انکار فرشتگان، انکار یکی از کتاب های آسمانی، نبوت، تقدیر، قیامت یا یکی از احکام قطعی خداوند و دروغ پنداشتن سخنان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله . (2)

3_ اهلبیت و مهدویت

3_ اهلبیت و مهدویت

تشیع

در فرهنگ تشیع مهدویت و حکومت جهانی که به دست حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف پدید می آید از جایگاه ویژه ای برخوردار است. «مهدویت» را از جنبه های گوناگون اعتقادی، فلسفی، تاریخی تربیتی و اجتماعی می توان

1- خلاصه المسائل فقه حنفی، ج 2، ص 132.
2- تعلیم اسلام، کفایت اللّه ، مفتی اعظم هند، ص 204.

مورد بررسی قرار داد. البته پرداختن به هر جنبه از این موضوع و تعیین حوزه و زاویه ی بحث برای تطبیق دادن آن با شرایط زمانه و پیش بینی دست آوردهای آن فرصتی مناسب می طلبد. آن چه در این جا ارایه می شود، بررسی پدیده ی «مهدویت» در بستر ضرورت حاکمیت دینی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که تشیع و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند. اعتقاد به امام زمان زنده ی غایب، در باورهای دینی تشیع ریشه دارد. امام صادق (ع) درباره ی ضرورت تشکیل حکومت مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف فرموده است: «آیا می پندارید اوصیای ما هر که را بخواهند وصی می کنند؟ نه واللّه ! این عهد و گفته ای به جامانده از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی امامی پس از امامی دیگر است تا به وی (مهدی موعود (ع)) پایان پذیرد»(1) درباره ی قیام امام قائم عج الله تعالی فرجه الشریف روایت های فراوانی از اهل بیت (ع) به ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «اگر یک روز از دنیا باقی نمانده باشد خداوند مردی از اهل بیتم را بر می انگیزد تا زمین را پر از عدل و داد کند هم چنان که از ستم پر شده است.» هم چنین در برخی روایت آمده است که مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از عترت و از فرزندان فاطمه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی امام مهدی می فرماید: «به زودی خداوند عزوجل خلیفه ای را در میان این امت بر می انگیزد که مال را بی آن که بشمارد به دیگران می بخشد.»(2)

همه ی شخصیت های اسلامی به حضور وجود مقدس امام مهدی در متن واقعیت جامعه ی اسلامی باور دارند که در این میان، به سخنان امام خمینی رحمه الله در این زمینه بسنده می کنیم: «والعصر ان الانسان لفی خسر، عصر، انسان کامل است، امام زمان است یعنی عصاره ی همه موجودات. قسم به عصاره ی

1- کافی، ج 1، ص 277؛ بصائر الدرجات، صفار، ص 470.
2- معجم احادیث الامام المهدی، ج 1، ص 240.

همه ی موجودات یعنی قسم به انسان کامل... عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی باشد یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی هدی و در عصر، ما حضرت مهدی است.

قسم به عصاره ی موجودات عصر، فشرده ی موجودات آن که فشرده ی همه عالم است، یک نسخه است. نسخه ی تمامی عالم، همه ی عالم در این موجود و در این انسان کامل عصاره شده است و خدا به این عصاره قسم می خورد».(1)

تسنن

رهبران مذاهب اربعه مستقیم یا غیرمستقیم از مکتب علمی و فقهی امام صادق (ع) بهره برده اند. پیشوایان مذاهب اربعه برای اهل بیت (ع) احترام قایل اند و بسیاری از علمای آنان، امام مهدی قائم را آل محمد (ع) می دانند و در تأیید آن احادیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عنوان سند می آورند. «حاکم ابن ماجه و ابو نعیم از انس بن مالک روایت کرده اند که وی گفت: من از رسول خدا شنیدم که می فرمود: ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم، من، حمزه، علی (ع)، جعفر (ع)، حسن (ع)، حسین (ع)، مهدی»(2). ترمذی _ از دانشمندان مورد وثوق اهل سنت _ از ابوهریره نقل

1- صحیفه ی نور، ج 12، صص 170 _ 171.
2- البرهان فی علامت مهدی آخر الزّمان، علی بن حسام الدین، المدینی الهندی، ص 89، باب 2، حدیث 12.

کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در پی آید».(1)

هم چنین ابوداود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم از «ام سلمه» روایت کرده اند که؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از سلاله ی من و فرزندان فاطمه است».

در روایت های فراوانی که از طریق اهل سنت نقل شده آمده است که امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه (س) ظهور خواهد کرد و این ضرورت راهمه ی آنان پذیرفته اند. «در منابع عامه درباره ی اهمیت و جایگاه اهل بیت (ع) پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله مطالبی آمده است مانند این حدیث که پیامبر فرمود: من در میان شما دو امانت گذاشتم که اگر به آن دو ایمان داشته باشید هرگز گمراه نشوید، زیرا هر یک از آن ها از دیگری بزرگ تر است. نخستین آن ها، کتاب خدا است که از آسمان تا زمین کشیده شده است و دیگری اهل بیت (ع)من. این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا این که در کنار حوض کوثر به هم برسند».(2) هم چنین پیامبر درباره ی مقام شیعیان و خانواده ی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «یا علی! خشنود نیستی که تو، حسن و حسین در بهشت همراه من هستید و ذریه ی ما پشت سرمان و زنهامان پشت سر ذریه ی ما و شیعیان مان در دو سوی راست و چپ ما قرار دارند؟»(3) رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت را کشتی نجات می داند که هر کس در آن کشتی نشیند، نجات می یابد و گرنه غرق خواهد شد. «اهل بیت من در

1- البرهان فی علامت مهدی آخر الزّمان، علی بن حسام الدین، المدینی الهندی، صص 89 _ 94 و مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 377.
2- سنن ترمذی، ج 2، ص 308، صحیح بخاری ج 7، ص 122.
3- صواعق المحرقه، ابن حجر، ص 161.

میان شما همانند کشتی نوح در میان قوم او است که هر کس بر آن سوار شود، نجات یابد و هر کس از آن روی برتابد غرق گردد».(1)

پس در دیدگاه اهل سنت، باور به اهل بیت و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی جایگاه آنان بسیار محترم است و امر مهدویت را که در گذشته و پیشینه ی تاریخی اسلام ریشه دارد، ادامه دهنده ی امر رسالت می دانند.

4_ تقیه و جواز آن

تشیع

اهل بیت (ع) در دوران فرمانروایی حاکمیت های استبدادی بر جامعه ی اسلامی وجود آنان را برای خود و دوستان خویش خطری جدی می دیدند.

از این رو «تقیه» را به عنوان یکی از روش های گسترش اندیشه ی دینی و وسیله ی حفظ وحدت دینی مطرح کردند و آن را عبادت و پیروی از امام دانستند.

بدون رعایت تقیه، برنامه های اهل بیت (ع) از کارآیی لازم برخوردار نمی شد و جان تلاش گران راه پاسداری از دین نیز با خطر رو به رو می گردید. به همین دلیل، برای حفظ یکپارچگی جامعه ی اسلامی «بر پنهان ساختن فعالیت های خود پافشاری می کردند و آشکار کردن فعالیت ها را گاهی خروج از دین و گاهی مساوی با کشتن امام (ع) به عمد و زمانی دچار

1- المستدرک علی الصحیحین، حاکم، ج 3، ص 151؛ بُحوث فی الملل و النحل، ج 1، ص 32.

شدن به مصیبت و گرفتار آمدن به داغی آهن و محبوس گشتن در زندان ها... اعلام می داشتند.»(1)

اهل بیت (ع) تقیه را نه تنها در برابر دشمنان اسلام واجب می دانستند بلکه برای حفظ وحدت اسلامی در میان خود مسلمانان نیز لازم می دیدند. امام صادق (ع) درباره ی رعایت تقیه چنین فرموده اند: «هان ای معلی! تقیه، دین من و دین نیاکان من است. آن را که تقیه نیست، دین نیست». (2) همچنین قرآن درباره ی تقیه چنین گفته است: افراد با ایمان «نباید اهل ایمان مؤمنان را واگذارند و از کافران دوست بگیرند. هر که چنین کند، رابطه ی او با خدا گسسته است مگر برای در امان ماندن از شر آنان».(3) تقیه از منظر مکتب تشیع آن است که خواسته های خود را پنهان داری، تا خطری تو را تهدید نکند و از گزند دشمنان دین در امان مانی. «تقیه از نظر شیعه آن است که چیزی را به زبان آری یا عملی را انجام دهی که به آن معتقد نیستی و با این کار ضرری را از خود و اموالت دفع و عزت خود را حفظ کنی. مثلاً اگر در میان افرادی هستی که به دین تو ایمان ندارند و بسیار متعصب اند و اگر در قول و فعل خود از آنان پیروی نکنی، به تو آسیب می رسانند به اندازه ای که خود را از آسیب آنان دور نگاه داری باید مماشات کنی، فقهای شیعه اعلام داشته اند اگر یکی از شیعیان در محیط متعصب اهل سنت واقع شد، باید به عنوان تقیه دست بسته نماز بگزارد و هنگام وضو باید به جای مسح پاهایش را بشوید،

1- زندگانی سیاسی امام جواد علیه السلام، جعفر الحرالعاملی، صص 11 _ 12.
2- وافی، ج 1، جزء 3، ص 124.
3- آل عمران، 28.

تا ضرری متوجه او نگردد».(1) پس می توان به این نتیجه رسید که پافشاری مکتب تشیع بر تقیّه با هدف دفع ضرر احتمالی از جان، مال و عرض شیعیان و گسترش وحدت دینی میان مذاهب گوناگون اسلامی، صورت گرفته است.

تسنن

در حوزه ی نگرش اهل سنت، دوستی با مخالفان دین اسلام کمک گرفتن از آنان یا همکاری با ایشان بر خلاف شریعت است. البته این مسأله نیز وجود دارد که زیان رسیدن به مال، عرض و ایمان مسلمان حرام و دفع ضرر واجب است. پس اگر از سوی دشمنان متعصب ضد دین زیانی متوجه فرد مسلمان باشد باید برای دفع آن خطر، طرح خویش را پنهان کرد. «در منابع اهل سنت حدیث «لا ضرر و لا ضرار» و «رفع عن امتی تسعه اشیاء». نیز به چشم می خورد. بر اساس حدیث دوم در نُه مورد تکلیف از دوش فرد مسلمان برداشته شده است که عبارت اند از: خطا، نسیان، آن چه از آن کراهت دارد، آن چه از آن آگاه نیست، مواردی که توانایی انجام دادن آن را ندارد و نیز هنگامه ی اضطرار. دو حدیث در کتاب «صحاح اهل سنت» روایت شده است و حدیث «ماضطر و الیه» به صراحت بر این معنا دلالت دارد که ضرورت ها و محظورات رامباح می کنند.

1- تقیه از نظر اهل سنت و شیعه، شیخ محمدجواد مغنیه، صص 98 _ 99.

غزالی در بخش سوم «احیاء العلوم» در باب موارد و جواز دروغ می گوید: پاسداری از خون مسلمان واجب است. پس هرگاه ظالمی قصد خون مسلمانی را کرد. و آن مسلمان پنهان گردید، دروغ واجب است.(1)

دیگر علمای بزرگ اهل سنت مانند جلال الدین سیوطی، نیز تقیه را لازم دانسته اند و آن رابرای رفع خطر از خویش جایز می شمارند. برای آشکار شدن بحث به دیدگاه چند تن از صاحب نظران اهل سنت اشاره می شود. یکی از بزرگان اهل سنت می نویسد: «خوردن گوشت مرده و فروکردن لقمه در شراب و بر زبان آوردن، کلمه ی کفر هنگام ناچاری جایز است. اگر حرام در جایی گسترش یابد به گونه ای که حلال بسیار کمیاب گردد استعمال هر آن چه مورد احتیاج است جایز می شود.»(2) درباره ی تقیه برای رهایی از هلاکت نیز چنین گفته اند: «آیه ی شریفه ی «الاّ اَنْ تَتَّقُوا منهُم تُقاه» می گوید: اگر ترسیدی که همه یا برخی اعضای بدنشان آسیب ببیند با اظهار دوستی و نزدیکی به آن چه باور نداری، اعضای بدن خود رااز آسیب در امان دارید. این مفهوم چیزی است که از ظاهر لفظ آیه ی قرآن بر می آید و همه ی علما بر آن اتفاق نظر دارند».(3) پس یک مسلمان برای دفع خطر جانی و مالی می تواند کاری کند که از آن زیان در امان ماند. بنابراین، همه ی مذاهب اسلامی در زمینه ی تقیه اتفاق نظر دارند؛ زیرا قرآن که یکی از محورهای هم گرایی دینی در جامعه ی اسلامی است بر «تقیه» پافشاری می کند.

1- تقیه از نظر اهل سنت، ص 101.
2- الاشباه و النظائر، ص 76.
3- احکام قرآن، ابوبکر رازی الجصاص، ص 10.

5_ اولی الامر

تشیع

از دید مکتب تشیع رهبری جامعه ی اسلامی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر عهده ی امامان، معصوم (ع) گذاشته شده که نخستین پیشوای مذهبی، امام علی (ع)و واپسین آنان، امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف است. البته در عصر حاضر نیز این خطر هدایت و پاسداری از ارزش ها گسسته نشده، بلکه این مسؤولیت خطیر بر عهده ی علما و اسلام شناسان قرار گرفته است. هر یک از اهل بیت (ع) بر اساس شرایط سیاسی و فرهنگی زمان خویش، به پاسداری از کیان دین می پرداختند و برای حفظ وحدت جامعه ی اسلامی و دست آوردهای رسالت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله تلاش می ورزیدند. اینک وظیفه ی ولایت و رهبری دینی جامعه ی اسلامی بر دوش کسی است که از شایستگی علمی، تقوا، عدالت و آگاهی، به امور سیاسی جهان برخوردار باشد.

هر گاه دین شناسان جامعه ی اسلامی چنین فردی را یافتند و او را به عنوان رهبر سیاسی، فکری برگزیدند، پیروی از او واجب شمرده می شود. در این حالت، سرپیچی از دستورهای ولی امر بر خلاف مصالح عمومی بوده و بر عکس پیروی از وی همانند پیروی از امامان و رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و در طول پیروی از آنان قرار می گیرد. از نظر فرهنگ تشیع، ضرورت وجود رهبری دینی در رأس ساختار سیاسی جامعه ی اسلامی امری انکارناپذیر است. به همین دلیل، طغیان و گردن کشی در برابر دستورهای وی «بغی» به شمار می رود و به اجرای حدود و تعزیرات اسلامی درباره ی باغیان خواهد انجامید.

تسنن

اهل سنت بر این باورند که مخالفت با کسی که از سوی مردم یا شورای حل و عقد به عنوان پیشوای دینی برگزیده می شود، خلاف شرع مبین اسلام است. آنان پیروی اولی الامر را واجب و صحابه را بدون اشتباه می پندارند. از این رو بیشتر زمامداران اموی و عباسی را صاحب رأی و کارشان را اجتهاد می دانند.

«اهل جماعت عقیده دارند هر گاه قاطبه ی مسلمانان کسی را به اتفاق و اجتماع به مقام امامت اختیار کردند، وی امام شناخته می شود. به همین دلیل اینان را «اهل اجماع» می خوانند. بر اساس همین نظر بود که آنان پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله با ابوبکر و دیگر خلفا بیعت کردند. حتی آنان افزون بر امامت خلفای راشدین، امامت معاویه مروان بن حکم و اولاد او را نیز جایز می شمارند.»(1) از دید اهل سنت، حکم حاکم سیاسی و اجتماعی مشروعیت دارد. و تخلف ناپذیر است. «بخاری، مسلم، ابوداود، نسایی و ابن ماجه، از عمر و بن عاص حدیثی بدین مضمون نقل کرده اند: اگر حاکم حکم کند و حکمش بر اساس اجتهاد و کوشش باشد چنان که این حکم با واقع، یکی باشد خداوند به او دو اجر می دهد. اگرهم بر خلاف واقع بود، یک اجر بر او مترتب می شود.»(2)

اهل سنت درباره ی رهبر سیاسی یا دینی بر این باورند که حکم وی نافذ و پشتیبانی از او واجب است. پس اگر کسی با او به مخالفت بر خاست او

1- علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی، ص 16.
2- دومین همایش علمی _ تحقیقی، مولوی کاشانی، ص 187.

را دفع کنید. «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس با امامی بیعت کرد و دست خود را به او داد باید فرمانبردار باشد و اگر کس دیگری آمد و با او به ستیز برخاست، گردن دومی را بزنید»(1) بر همین اساس آنان پیروی از حاکم اسلامی را واجب می دانند هر چند ستم کار باشد و عدالت را به طور کامل رعایت نکند.

ه _ اشتراک عبادی

اشاره

ه _ اشتراک عبادی

زیر فصل ها

1_ پیروی از احکام مذهبی

2_ اهمیت واجبات و مستحبات

3_ حساسیت های عبادی

4_ ضرورت نماز جماعت

5_ جایگاه و پی آمدهای دعا

6_ قداست اماکن مقدسه

1_ پیروی از احکام مذهبی

1_ پیروی از احکام مذهبی

تشیع

تعبد به ارزش های مذهبی مانند: نماز جماعت و جمعه، حضور در صحنه های عبادی مانند: حج و زیارت ها و احیای شعایر اسلامی از ویژگی های مکتب تشیع به شمار می آید. تشیع به اجرای رهنمودهای پیشوایان مذهبی

و اهل بیت (ع)توجه ویژه ای دارد و در زمینه ی ادای واجبات شرعی و پرداخت وجوه اسلامی، انجام آن ها را از انجام دیگر دستورهای تکلیف آور مذهبی، جدایی ناپذیر می داند.

در این فرهنگ، خواندن قرآن و حضور در مراسم مذهبی _ عبادی و مراکز آموزش معارف اسلامی از شرایط پیشرفت معنوی به شمار می رود و افزون بر آن برای گسترش همبستگی اجتماعی نیز راه کارهای سودمندی ارایه شده است.

تسنن

1- سنن ابن ماجه، ج 3، ص 958؛ فتح الباری، ابن حجر، ج 8، ص 58.

اهل سنت به اجرای احکام مذهبی خود حتی در سخت ترین شرایط پای بندند. در منابع اهل سنت بر اهمیت نماز جماعت و جمعه بسیار سفارش شده است. از این رو پیروان مذاهب اربعه می کوشند آن را حتی در صورت نبود شرایط مکانی و زمانی مناسب انجام دهند. البته درباره ی پیش نماز و ویژگی های اخلاقی و عدالت وی حساسیت ندارند. و تنها برای بر پایی نماز جماعت به عنوان یک سنت اسلامی اهمیت قایل هستند. اهل سنت به انجام مراسم حج و پرداخت وجوه شرعی مانند: عشر و زکات... پای بندی ویژه ای دارند.

2_ اهمیت واجبات و مستحبات

2_ اهمیت واجبات و مستحبات

تشیع

از دید تشیع انجام واجبات افزون بر بهره های معنوی آخرتی در دنیا نیز پی آمدهایی به همراه دارد. برای مثال اگر کسی روزه بگیرد افزون بر پاداش معنوی از برخی آثار فیزیکی نیز بهره مند می گردد.

به باور شیعه، انجام فرایض دینی مانند: نماز، روزه، خمس، و زکات بهره مندی آدمی از حیات طیبه را در جهان آخرت در پی دارد.بر عکس ترک آن ها نیز پی آمدهای منفی اجتماعی در دنیا و عذاب شدید در آخرت را به همراه می آورد.

بر این اساس، آن کس که باور دینی دارد، نه تنها به واجبات پای بند است بلکه می کوشد مستحبات مانند: نمازهای نافله، اعتکاف، احیا، مراسم عزاداری اهل بیت (ع) صدقات و نذورات و اعیاد مذهبی را نیز انجام دهد. به

همین ترتیب، ترک واجب، گناه محسوب می شود. گفتنی است واجب دو گونه است برخی واجبات در ردیف حقوق خدایی است که با قضا یا توبه جبران پذیر خواهد بود. دسته ای از آن ها نیز در شمار حقوق مردم قرار دارد که بدون پرداخت آن یا به دست آوردن رضایت طرف مقابل جبران پذیر نیست.

تسنن

اهل سنت افزون بر واجباتی مانند: نماز، روزه، و پرداخت وجوه شرعی برای مستحباتی هم چون: نمازهای نافله، نافله ی شب، نمازهای تراویح و... نیز اهمیت ویژه ای در نظر می گیرند. گفتنی است قلمروی واجبات و مستحبات در اسلام به نماز و روزه و موارد یاد شده محدود نمی شود.

هر کاری که به افزایش شکوهمندی دین بیانجامد، واجب است مانند: آمادگی رزمی برای دفاع از دین و وطن. پس تهیه ی اسلحه و ابزار دفاعی نیز از مقدمات واجب به شمار می آید و واجب است. در منابع فقهی اهل سنت از مستحباتی مانند: اعتکاف، نمازهای نافله و صدقه، وقف و نذورات به عنوان سنت یاد می گردد و بر انجام آن تأکید شده است. البته کوتاهی در انجام مستحبات عقوبت به همراه ندارد، ولی ترک واجب با عقوبت همراه است.

3_ حساسیت های عبادی

تشیع

درباره ی برگزاری نمازهای دسته جمعی، از نظر کمی و کیفی نیز شرایط ویژه ای در نظر گرفته شده است مانند: جمعیت بیشتر، ثواب افزون تر، رعایت نظم عمومی و ترتیب صف ها در نماز و هم آهنگی در انجام اعمال و حرکات.

در حوزه ی فرهنگ عبادی تشیع نسبت به عبادت ها و مکان های مقدس حساسیت ویژه ای وجود دارد که در بسیاری از عبادت ها و شیوه ی برگزاری مراسم های عبادی نیز میان تشیع و اهل سنت اشتراک هایی به چشم می خورد. برخی از این آداب عبادی عبارت است از: رعایت احترام اماکن مقدسه، پاک نگه داشتن این مکان ها نخوابیدن در آن جا گفت وگو نکردن درباره ی امور دنیایی، انجام ندادن کارهای غیر شرعی، قرآن خواندن و گوش دادن به آن و سکوت هنگام خواندن خطبه های نماز جمعه. درباره ی برگزاری نمازهای دسته جمعی از نظر کمی و کیفی نیز شرایط ویژه ای در نظر گرفته شده است مانند: جمعیّت بیشتر، ثواب افزون تر، رعایت نظم عمومی و ترتیب صف ها در نماز و هم آهنگی در انجام اعمال و حرکت ها. در فرهنگ تشیع، زنان با حفظ پوشش و حجاب شرعی می توانند در نمازهای جمعه و جماعت شرکت کنند و حتی با رعایت حقوق همسر و در چهار چوب احکام اسلامی به مسافرت های سیاسی _ عبادی مانند حج بروند.

تسنن

اهل سنت در انجام همه ی عبادت ها به ویژه نمازهای جمعه و جماعت _ از نظر کیفیت و کمیت _ حساسیت های ویژه ای دارند. برای نمونه به ساختار ظاهری نماز، صف بندی منظم و هماهنگی رکوع و سجود توجه بسیار دارند.

آنان درباره ی فاصله افتادن میان افرادی که به نماز ایستاده اند چنین می گویند: «امیرالمومنین عمر رضی اللّه عنه هرگاه می خواست نماز بگزارد دستور می داد صف ها را راست کنند. سپس تکبیر نماز را می گفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: صف ها را راست کنید، تا شیطان خود را در میان شما نیافکند.» اگر هنگام نمازخواندن کسی پیش روی نمازگزاران راه برود آن را بی اعتنایی به دستورهای پروردگار می دانند.

هم چنین درباره ی زمان خواندن قرآن و خطبه های نماز جمعه و نماز عیدین می گویند: «وقتی خطبه شروع شد شنیدن آن برهمه ی حاضرین واجب است خواه به امام نزدیک باشد خواه دور باشد و کار دیگری جایز نیست»(1)

1- خلاصه المسائل فقه و عقیده حنفی، ج 1، ص 67.

4_ ضرورت نماز جماعت

تشیع

در فرهنگ تشیع، خواندن نماز جماعت از ارزش بالایی برخوردار است، به گونه ای که ثواب یک رکعت نماز جماعت، صد و پنجاه برابر نماز فرادا در نظر گرفته شده است. گفتنی است این پاداش برای ذات نماز نیست بلکه برای پی آمدهای مثبتی است که با انجام آن در عرصه های اجتماعی و سیاسی جامعه ی دین محور پدید می آید. از پی آمدهای مثبت این کار به موارد زیر می توان اشاره کرد: افزایش همگرایی دینی، بستر سازی شالوده ی وحدت فکری، اعتقادی، عبادی و سیاسی و تضمین اقتدار فکری و عملی جامعه ی اسلامی . چون در مذهب تشیع به جمع گرایی دینی بسیار سفارش شده است، برخی علمای اهل تشیع بر واجب تعینی بودن نماز جمعه فتوا داده اند. و هم چنین تأکید بر اقامه ی نماز جماعت را در مسجد، با رعایت حقوق مسجد، به عنوان مرکز دینی، در حضور و شکوه بخشیدن به آن و انجام مراسم دعا و اقامه ی نماز جمعه و جماعت در آن دانسته اند و در این نگاه، بی اعتنایی به نماز جماعت و شرکت نکردن در آن، گناه به شمار می رود.

تسنن

در حوزه ی فرهنگ اهل سنت «نماز جماعت سنتی مؤکد است که در فضیلت آن احادیث فراوانی وارد شده است. ابن عمر نقل کرده است که

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فضیلت نماز جماعت 28 برابر نماز فرادا است. مستحب است نماز خواندن در مساجدی که جمعیت بیشتری در آن حضور دارند هر چند دورتر باشد.»(1)

«پیغمبر اکرم فرموده است: هر کس روز جمعه غسل کند خود را خوش بو سازد و به سوی مسجد جامع برود و نماز نافله بخواند و هنگام خطبه سکوت کند از آن جمعه تا جمعه ی دیگر همه ی گناهانش بخشوده می شود»(2)

هم چنین گفته اند: «اگر کسی نماز را فرادا خوانده است و بعد به جماعت برگزار کرد ثواب هر دو را دارد.»(3)

پیشوایان اهل سنت در شیوه ی برگزاری نماز جماعت اتفاق نظر دارند و در سخت ترین شرایط نیز به انجام آن اهتمام می ورزند.

5_ جایگاه و پی آمدهای دعا

5_ جایگاه و پی آمدهای دعا

تشیع

درحوزه ی معارف تشیع دعا بدان دلیل که خود ابزاری از ابزارهای پاسداری از مرزهای ایدئولوژیک به شمار می آید از نقش و جایگاه ویژه ای برخودار است. اهل بیت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله با بهره گیری از شیوه های گوناگون برای پاسداری از دین تلاش ورزیدند که یکی از این راه کارهای سودمند، پویا سازی فرهنگ دعا و نیایش بود. این حقیقت در دوره ی پر بار

1- فقه السنه، ج 1، صص 229 _ 231.
2- خلاصه المسایل عقیده و فقه، ج 1، ص 66.
3- روضه الفریقین، ص 202.

حیات معنوی امام سجاد (ع) بیشتر تبلور یافت در این دوره ی تاریخی، مبارزه ی آن حضرت به وسیله ی دعا در بیداری جامعه ی اسلامی بسیار کارگر افتاد.

تسنن

اهل سنت چون به سنت نبوی پای بندی ویژه ای دارند از رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان شخصی یاد می کنند که با رازها و نیازهای ملکوتی اش توانست بسیاری از مردم عادی عرب را به سوی دین خود جلب کند. از این رو دعا و نیایش در پیشگاه ذات پروردگار را یکی از راه های رسیدن به وصال الهی و رشد جنبه های روحی و معنوی آدمی می دانند.

دعا در نمازهای واجب یا نافله، وسیله ی قرب به خداوند و برآوردن نیازهای درونی است. دعا در طلب سلامتی، شفا و آمرزش از خداوند برای خود یا دیگران اعم از زندگان و مردگان صورت می گیرد. به همین دلیل گفته شده است: دعا کردن و صدقه دادن برای اموات و بخشیدن ثواب آن صدقه به روح آنان درست و سودمند است.»(1) درباره ی شیوه ی دعا کردن در منابع اهل سنت چنین آمده است: «عکرمه از ابن عباس نقل می کند که از پیامبر پرسیدند: چگونه دعا شود؟ پیامبر اکرم فرمودند: دو دست خود را برابر محل اتصال بازو به شانه بلند کن. استغفار این است که با یک انکشت اشاره کنی و یا دست ها را دراز کنی».(2)

1- خلاصه المسائل عقیده و فقه، ج 1، ص 5.
2- کنفرانس علمی _ تحقیقی نمایندگی رهبری در اهل سنت، بخش 2، ص 14.

6_ قداست اماکن مقدسه

تشیع

اسلام همانند دیگر ادیان، برای مکان های برگزاری مراسم دینی امتیاز ویژه ای قایل است. مسجد و زیارت گاه های اسلامی مورد احترام کسانی قرار می گیرد که به مذهب، عبادت و نیایش ایمان دارند و به روح همگرایی دینی علاقه مندند. هم چنین بدان دلیل به زیارت آرام گاه ائمه ی اطهار و امام زادگان سفارش می شود که آنان به عنوان پاسداران ارزش های دینی از هیچ کوششی فرو گذار نکردند.

و اینک نیز با توسل جستن به آن ها زمینه ی ارتباط بنده با خداوند فراهم می گردد. مسجد یکی دیگر از مراکز عبادی است که در فرهنگ شیعه، ارزش و احکام ویژه ای دارد. افراد نامسلمان _ چون نجس هستند _ و افرادی که پاک نیستند نمی توانند وارد مسجد شوند. اگر جایی از فرش، زمین یا اطراف مسجد نجس شد واجب کفایی است که آن را پاک کنند. حتی اگر در حال نماز باشند. باید نماز را رها کنند و به طهارت مسجد بپردازند.

تسنن

اهل سنت هنگام ورود به صحن مسجد، کفش ها را در بیرون صحن از پای در می آورند و با پای برهنه وارد صحن می شوند و با آرامش و نظم به عبادت می پردازند. راه رفتن در میان و پیش صف های جماعت را گناه می دانند. برای ساختن مسجد نیز ثواب فراوانی قایل اند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کسی برای رضای خدا مسجدی بسازد خداوند متعال برای او در بهشت

خانه ای بنا می کند. مسجد ساختن جزو صدقات جاریه است. هر کسی هر اندازه برای ساختمان مسجد کمک کند، خداوند ثوابی برای کمک کننده در نظر می گیرد. هیچ کس نمی تواند وسایل مسجد یا مدرسه ی دینی را برای خود به فروش برساند یا از آن استفاده کند.»(1) همه ی علمای اهل سنت در این مسأله توافق نظر دارند که نامسلمانان نباید وارد مسجد شوند زیرا نجاست ظاهری و باطنی دارند. «جایز است کافر با امان و عهد و ذمه وارد بلاد اسلامی شود ولی جایز نیست داخل مساجد شود»(2) این ممنوعیت محیط خانه ی خدا «کعبه» و همه ی مساجد سرزمین های اسلامی را در بر می گیرد.

1- خلاصه المسایل فقه، ج 2، صص 150 _ 151.
2- 2-فقه السنه، ج 2، صص 670 _ 672.

ص:100

اشاره

بخش چهارم نقش استعمار در چندگانگی مذاهب اسلامی

زیر فصل ها

نقش استعمار در چندگانگی مذاهب اسلامی

زیان های اختلاف پیروان مذاهب اسلامی در برابر تهدید استعمار

بزرگ نمایی اختلاف ها ابزار سلطه ی فرهنگی استعمار

گسترش بحران هویت مذهبی _ فرهنگی در جامعه ی اسلامی (آسیب شناسی مشترک)

نقش استعمار در چندگانگی مذاهب اسلامی

حضور مذاهب گوناگون با پیشینه ی تاریخی و دیدگاه های متفاوت در یک کشور، زمینه را برای بهره برداری نظام های استعماری از جنبه های ناچیز اختلافی فراهم می سازد. استعمارگران با دامن زدن به این اختلاف های کوچک، زمینه های اشتراک فکری مذاهب را کاهش می دهند. آن گاه این اختلاف فکری را به سوی خشونت های فیزیکی جهت می دهند. «گاهی مسلمانان با پیروان مذاهب ادیان دیگر درگیر می شوند که این امر، کم و بیش توجیه پذیر است، ولی مشکل امروز ما این است که دشمن با مهارت بسیار، اسلام را علیه اسلام برانگیخته است.

از گروهی از مسلمانان به نام سنی، دسته ای می سازد که با شیعه بجنگد و بر عکس، از شیعه دسته ای می سازد تا با سنی مبارزه کند. آنان نیز بی خبر از همه جا همه ی عقده های زندگی را در سایه ی درهم کوبیدن همدیگر خالی می کنند.»(1)

1- تفرقه، مسأله ی روز ما، علی قائمی، ص 53.

باید گفت اگر مذاهب موجود در یک کشور، به هویت مشترک دینی دست یابند خواهند توانست با درک منافع مشترک، کشور خویش را از پراکندگی که عامل تهدیدکننده ی شیرازه ی وحدت ملی است، در امان نگاه دارند. بدین ترتیب استعمارگران فرهنگی و نظام های استکباری نیز نخواهند توانست از اختلاف نظر مذاهب، سود جویند و به یغماگری سیاسی _ فرهنگی و نظامی خود ادامه دهند. اینک برای آشکار شدن بیشتر بحث به زیان های چند گانگی مذاهب می پردازیم.

زیان های اختلاف پیروان مذاهب اسلامی در برابر تهدید استعمار

1_ کاهش جایگاه ارزش های مذهبی

ارزش های مذهبی در جامعه های اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردارند و مایه ی همبستگی توده ها در برابر تهدیدهای خارجی به شمار می روند. نظام های استکباری نیز با آگاهی از این مسأله، در پی سست کردن ارزش های معنوی در جامعه های اسلامی هستند و می کوشند با گسترش اندیشه های مخالف با این ارزش ها، خود فراموشی دینی و تاریخی را در ذهن مردم به ویژه نسل جوان نهادینه کنند.

در این میان اگر مذاهب گوناگونی در جامعه باشند، باورها و اندیشه های گوناگونی نیز درباره ی ارزش ها مطرح می شود. در نتیجه، مردم و نسل جوان به تضاد فکری دچار می شوند. بدین ترتیب، جایگاه مذهب به عنوان راهنمای زندگی سعادت آفرین، در نظر مردم کاهش می یابد. «زورمندان و قدرت طلبان تاریخ هماره می خواهند با ایجاد شک و تردید، از همبستگی خلق جلوگیری کنند و با تهمت و افترا، شعاع حقیقت رااندک جلوه دهند و

از نفوذ روشنایی وحدت بخش آن جلوگیری کنند. پس در این راه ناچار به تهمت زنی و گزافه گویی خواهند پرداخت. تا جماعت مومنین را از یکدیگر جدا کنند و به گروه خویشتن نزدیک سازند. اگر هم در این راه موفق نشوند، می کوشند ارتباط مردم را با دین به میزان بسیار اندکی کاهش دهند، تا همبستگی و پایداری در راه عقیده از میان رخت بربندد».(1)

یکی از راه های تجربه شده ی استعمار در این زمینه که پی آمدهای زیان باری برای مسلمانان داشته، تحریف ارزش های معنوی و مذهبی جامعه های اسلام از سوی خود شرق شناسان است. «یک خاورشناس سالیان دراز زحمت می کشد و کتاب بزرگ و پرقیمتی را با انبوه از تحقیقات نوین عرضه می کند، ولی با مهارت ویژه ای در لابه لای صفحات آن چند اصل مسلم دینی و تاریخی ما را بر باد می دهد. وی طرح خود را چنان اجرا می کند که در انبوه تعریف ها و بدگویی ها از تحریف گریهایش غافل می مانیم و چون او را به عنوان دوست خود شناخته ایم، تردیدها و خراب کردن هایش رانیز می پذیریم. بدین ترتیب خاورشناسان با تزویر و حیله و ریا به درون حصار باورهای مذهبی و ملی ما می تازند و داشته های ما را به غارت می برند..»(2) برای نمونه، جرج زیدان، نویسنده ی «تاریخ تمدن اسلام» در کنار بیان پیشرفت های چشمگیر علمی و پیروزی های نظامی، سیاسی و فرهنگی تمدن اسلامی، مسأله ی کتاب سوزی یا آتش زدن کتاب خانه ها به دست مسلمانان را مطرح می کند و این رفتار را با فرهنگ دینی اسلام هم سو

1- جهان اسلام، محمود شاکر، صص 176 _ 177.
2- در تحلیل استعمار فرهنگی، محمد علی جاویدان، صص 27 _ 28.

می داند. بدین ترتیب، دانش دوستی و جایگاه دانش در قلمروی معارف اسلامی را زیر سؤال می برد و ارزش مادی و معنوی تمدن اسلام رادر نظر مسلمانان پایین می آورد.

2_ رکود جنبش های فکری و سیاسی:

همه ی مذاهب، پدید آوردن فضای مناسب برای زندگی مادی و معنوی بهتر را رسالت خویش در برابر مردم و جامعه می دانند، ولی در شیوه ی تحقق آن با یکدیگر اختلاف دارند. در صورت وجود مذاهب چندگانه با برداشت های گوناگون و متضاد با یکدیگر نه تنها نیازهای زندگی اجتماعی به صورت کامل و متناسب با نیازها و شرایط جامعه تحقق نخواهد یافت، بلکه اهداف اصیل دینی مانند: برپایی عدالت اجتماعی، مبارزه با مفاسد اخلاقی _ سیاسی، مقابله با هجوم فرهنگی دشمنان، زمینه سازی برای دگرگونی های بنیادین در عرصه ی فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اجتماع و... به فراموشی سپرده می شود. در این صورت، راه بر نفوذ استعمار خارجی نیز گشوده خواهد شد و اقتدار ملی کشور در خطر قرار خواهد گرفت.

رهبران مذاهب اسلامی در رویارویی با طاغوتیان، هیچ گاه به سازش تن در ندادند و به پیروان خود آموختند که باید در برابر حکومت هایی که با معیارهای مذهبی هم آهنگی ندارند، به پاخیزند. مبارزه با سلطه ی بیگانگان برای زنده نگاه داشتن ارزشهای دینی نیز از دیگر آموزه ی پیشوایان مذاهب اربعه به شمار می رود. بر همین اساس، استعمارگران می کوشند با سست کردن روحیه ی تلاش و نوآوری های فکری و سیاسی از پیدایش جنبش های انقلابی در جامعه های اسلامی پیشگیری کنند. اندیشه ای که آنان تبلیغ

می کنند این است که دین باید قلمروی فعالیت خود را بشناسد. دین داران نیز باید به جنبه های عبادی و اخلاقی دین خویش بپردازند و از دست یازیدن به امور سیاسی بپرهیزند تا به دنیامحوری دچار نگردند. استعمارگران با گسترش اندیشه ی جدایی دین و سیاست، حتی در برخی موارد دین را مخالف پیشرفت های علمی قلمداد کردند. آنان برای عملی شدن هدف های پنهانی خویش کوشیدند از چندگانگی مذاهب برای درهم شکستن محور مشترک آن ها یعنی اسلام سود جویند. موضع گیری منفی برخی مذهب گرایان در برابر جنبش های نوین فکری و سیاسی یا سازش کاری آنان با زمام داران مستبد هماره به عنوان حربه ی اصلی استعمار برای کوبیدن دیگر مذهب ها و نحله های فکری موجود در یک جامعه بوده است تا از پیدایش جنبش های رهایی بخش پیشگیری کند.

«جنبش های ایدئولوژیکی اسلام تحت الشعاع اندیشه های دیگران، ماهیت خود را از دست دادند. دینی که سراسر آن سیاست بود به مرحله ای رسید که آن را با سیاست مباین دانستند و حتی گفتند دین و سیاست دو مسأله ی جداگانه هستند. در نتیجه اندیشه ها عوض شدند و به کج راهه رفتند و جوشش انقلابی مردم به خاموشی گرایید.»(1)

3_ در تنگنا قرار گرفتن دولت مرکزی:

شیوه ی دیرینه ی قدرت های سلطه گر، این است که در هر منطقه ای سرزمینی را به عنوان مسأله ی اختلافی میان دو یا چند کشور دیگر پدید

1- تفرقه؛ مسأله ی روز ما، ص 45.

می آورند تا دو ملت را در طول سالیان دراز رو در روی هم دیگر قرار دهند. دراین صورت، همه ی تلاش و توجه دولت های مرکزی و مردم آن کشورها به همان منطقه ی مورد اختلاف معطوف می گردد و از فعالیت های توطئه گرانه ی استعمار باز می مانند. مشکل سرزمین تبت (هند _ چین)، کشمیر(پاکستان _ هند) دیورند (پاکستان _ افغانستان) جزیره ی ابوموسی (ایران _ امارات متحده ی عربی) و قره باغ (ارمنستان _ آذربایجان) نمونه هایی از این نقشه ی حساب شده است. با این حال، اگر مسأله ی چهره ی مذهبی به خود بگیرد، اختلاف مذاهب یا نیروی فشار مذهب و وجود مشروعیت ناشی از آن به پدیده ای خطرناک برای سیاست های دولت مرکزی تبدیل خواهد شد. قدرت های سلطه جو همیشه می کوشند نحله های نژادی و مذهبیِ مخالف با سیاست های کلی نظام حاکم بر جامعه را بیابند و آن را بر ضد منافع و مصالح عمومی تحریک کنند تا مشروعیت نظام موجود در قلمروی فکری صاحبان اندیشه ها و مذاهب دیگر کاهش یابد. بدین ترتیب سیاست گذاران نظام در برابر چالش های نژادی مذهبی جدیدی قرار می گیرند. اگر مذاهب موجود با کشورهای همسایه، اشتراک زبانی، فرهنگی و نژادی داشته و در درون نیز با کمبودهای اقتصادی و فرهنگی رو به رو باشند، روحیه ی بیگانگی و جدا ماندن از مشارکت ملی در آنان رشد می کند. در نتیجه گرایش به پذیرش اندیشه های کشورهای بیگانه در آنان افزایش می یابد. برنامه ریزان کلان جامعه که به اقتدار و وحدت ملی می اندیشند، برای جهت دادن اندیشه ی چنین مردمی به سوی مصالح ملی باید بکوشند با در نظر گرفتن واقعیت های موجود در کشور و جهان پیرامون خود، همگرایی ملی و مذهبی را به جامعه بازگردانند.

هرگاه مردم شهری از نظر جنبه های اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی و بهره مندی از امکانات مادی زندگی خود را پایین تر از مرکز ببینند، به این باور خواهند رسید که همه ی امکانات در اختیار یک قشر یا بخشی از افراد جامعه است و دولت نیز به عنوان صاحب اصلی قدرت در این کار نقش دارد. بدین ترتیب میان آن منطقه و دولت مرکزی جو بی اعتمادی به وجود می آید و قوانین حاکم بر جامعه، اثر بخشی خود را از دست می دهد. در این حالت، سنت های قومی و مذهبی، جای گزین قانون می گردد و دیگر دولت مرکزی نمی تواند بر آن منطقه حاکمیت داشته باشد. دراین حالت یکی از راه کارهای دولت مرکزی، کاستن از تفاوت فرهنگی و اجتماعی مرکز با شهرهایی است که پیروان مذاهب دیگری در آن شهرها زندگی می کنند. این راه کار باید همه ی جنبه های فرهنگی، رفاهی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را دربر گیرد و گرنه نتیجه بخش نخواهد بود و حتی ممکن است پی آمدهای زیان بار دیگری داشته باشد. برخی از این راه کارها را می توان چنین برشمرد: ایجاد امکانات رفاهی، گسترش فرهنگ مشارکت اجتماعی و سیاسی، شکل گیری و تقویت نهادهای مدنی، تقویت رسانه های همگانی ملی و محلی، به رسمیت شناختن آداب و رسوم محلی، تشکیل مراکز فرهنگی و مذهبی، خدمات رسانی آموزشی و بهداشتی، فراهم آوردن زمینه ی اشتغال مولد، تأمین امنیت شهروندی و نهادینه ساختن قانون.

در این صورت، تفاهم مذهبی در چنین مناطقی در بستر وحدت ملی شکل خواهد گرفت و اقتدار ملی دولت مرکزی نیز فراهم خواهد شد.

4_ تحریک تعصب های بی جا:

قدرت های بیگانه از تعصب های بی جا و غیرمنطقی پیروان مذاهب گوناگون به عنوان حربه ای بر ضد همبستگی پیروان این مذاهب بهره می برند. از دیدگاه بسیاری از مذاهب، قرار گرفتن در اختیار نیت های زمام داران استبدادگر و یاری رساندن به دشمنان دین و نیروهای «ظلمه» نکوهش شده، و بی توجهی بدان در ردیف گناهان بزرگ به شمار آمده است. استعمارگران با دامن زدن به اختلاف های مذهبی مانند مسأله ی خلافت، می کوشند تعصب پیروان مذاهب اسلامی را علیه یکدیگر برانگیزانند و آنان را از موضع اصلی و هماهنگ شان غافل سازند. «دامن زدن به اختلاف های مذهبی به شیوه های مختلف انجام می شود برخی از آن ها عبارتند از: ایجاد حس بدگمانی و سوء ظن در میان مسلمانان به ویژه شیعه و سنی، نگارش و پخش مطالب اهانت آمیز و تهمت انگیز از سوی یک گروه نسبت به گروه دیگر، دامن زدن به فتنه و آشوب و هرج و مرج، ترویج این اندیشه که اسلام تنها دین عبادت و پرهیزکاری است و به امور دنیا و امور وابسته بدان کاری ندارد و تثبیت این عقیده که دین از سیاست جداست و دین و مذهب قطب متضاد یکدیگرند. پس رهبران مذهبی واقعی، نباید در مسایل سیاسی دخالت داشته باشند».(1)

در این فرآیند، پیروان مذاهب با تعصب های کورکورانه و بدون در نظر داشتن شرایط جامعه ی اسلامی آب به آسیاب دشمن می ریزند و با فراموش کردن دشمن اصلی، بر خلاف دورنمای واحدی که اسلام ارایه می دهد، در

1- دومین همایش علمی وحدت، مولوی عبداللّه دوستی، ص 261.

برابر یکدیگر قرار می گیرند. «هر قدر زمینه ی تفاهم فراهم آید، راه برای رفع تعصب ها هموارتر خواهد شد و تمایلاتی که زاینده ی تعصب و پیشداوری است رو به نابودی خواهد نهاد. اسلام می خواهد شهواتی که بر انگیزاننده ی تعصبند، از میان بروند تا در پی آن بدبینی ها و بدخواهی ها زایل شوند».(1) همانا تعصب مذهبی از عوام زدگی و ناآگاهی توده ها از حقایق نهفته در درون مذاهب ریشه می گیرد. هر گاه عوام زدگی در قلمروی اندیشه و زندگی پیروان مذاهب گسترش یابد، روند تخریبی شایعه و تحریف واقعیت رو به افزایش می نهد. آن گاه اشتراک ها فراموش می گردد و تضادها و کشمکش های خانمان سوز میان مذاهب رخ می دهد.

بزرگ نمایی اختلاف ها ابزار سلطه ی فرهنگی استعمار

بزرگ نمایی اختلاف ها ابزار سلطه ی فرهنگی استعمار

نظام های سلطه گر با بهره گیری از برنامه های نظریه پردازان فرهنگی، کارشناسان اجتماعی و روانشناسان با تجربه ی خود و بر اساس شرایط فرهنگی و مذهبی جامعه های گوناگون، به اقداماتی دست می یازند. برانگیختن احساسات نژادی، اختلاف های مرزی، تعصب های مذهبی و هجوم به هنجارهای اجتماعی و اخلاقی جامعه، نمونه هایی از این برنامه های شوم است.

1- تفرقه، مسأله ی روزما، ص 85.

دست یابی مسلمانان به وحدت نظر در موضع گیری های سیاسی و فرهنگی سبب بیداری وجدان دینی جهان اسلام خواهد شد و راه نفوذ بیگانگان را خواهد بست.

برجسته نساختن برخی تفاوت ها که در موضع گیری های مسلمانان به چشم می خورد قدرت های یغماگر را در بهره کشی از جامعه های اسلامی ناکام خواهد کرد. اختلاف داشتن در مسایلی هم چون جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله ولایت امر مسلمانان، قداست صحابه، و شیوه های انجام عبادت های دینی مانند: نماز و... از روزنه های امید سلطه گران فرهنگی برای نفوذ به درون جهان اسلام است. بر همین اساس، اندیشمندان مسلمان هماره با پافشاری برویژگی های مشترک، مسلمانان را به یگانگی در نظر و عمل فرامی خوانند. امام خمینی رحمه الله نیز تفرقه افکندن میان شیعه و سنی را به سود دشمنان اسلام می دانستند. ایشان می فرماید: «برادران اهل سنت و تشیع لازم است که وحدت خود را هر چه بیشتر حفظ کنند. مطرح کردن سنی و شیعه خلاف اسلام است، فرقی بین شیعه و سنی نیست بلکه همه ما مسلمان هستیم. باید برادرانه برای اسلام و انقلاب اسلامی، مبارزه و جهاد کنیم. امروز اختلاف ما تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آن ها می خواهند نه این باشد و نه آن. راه را این طور می دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه کنیم که همه مسلمان هستیم و همه ی ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم».(1) رسانه های تبلیغاتی باید بکوشند ویژگی های مشترک مذاهب اربعه و فرهنگ شیعه را

1- رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، عبدالکریم بی آزار شیرازی، ص 18.

کشف کنند و با شیوه های متناسب و بر اساس شرایط زمانی _ مکانی، آن را به تصویر بکشند. در این صورت، جنبه های جزئی تفاوت ها کم رنگ می شود و نظام های سلطه گر نمی توانند از آن بهره بگیرند.

استعمارگران و قدرت طلبان همواره می کوشند قشرهای گوناگون اجتماعی را از وحدت و توجه به منافع مشترک در عرصه ی سیاست و اجتماع بازدارند؛ زیرا در این صورت، هر فرد و گروهی، مصالح خود را از مصالح عمومی جدا می پندارد و احساس همبستگی اجتماعی کاهش می یابد. بدین ترتیب، افراد و گروه های اجتماعی در برابر بحران های سیاسی و اجتماعی، واکنش نشان نخواهند داد، زیرا منافع مشترکی ندارند. «بی شک اراده ی زندگی مشترک و وحدت مصالح، از نتایج و آثار غیرقابل انفکاک وحدت فکر و عقیده می باشد و اگر اراده ی زندگی مشترک بر اساس وحدت فکر و عقیده استوار نباشد، قابل دوام نیست و دیر یا زود از هم می پاشد».(1) در چنین حالتی، اگر فرد یا گروه هایی، پیشرفت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور رااز آن خود ندانند تهاجم نظامی، سیاسی و فرهنگی بیگانگان رانیز تهدیدی برای خود نمی پندارند و در برابر آن واکنش نشان نمی دهند. حتی گاهی ممکن است برای شکستن اقتدار ملی، به فعالیت های نابود کننده ای دست یازند. برای نمونه، در چنین وضعیتی شرکت در راهپیمایی های سیاسی، که نماد وحدت و هویت ملی و مذهبی است در نظر فرد بی ارزش جلوه گر خواهد شد. به همین دلیل خواهد کوشید از آن کناره گیری کند و دیگران را نیز از حضور در آن بازدارد.

1- بنیادهای ملیت در جامعه ی ایده آل اسلامی، عباس علی عمید زنجانی، ص 37.

گسترش بحران هویت مذهبی _ فرهنگی در جامعه ی اسلامی (آسیب شناسی مشترک)

اشاره

گسترش بحران هویت مذهبی _ فرهنگی در جامعه ی اسلامی (آسیب شناسی مشترک)

استعمار برای تهی ساختن جامعه از هویت ملی و اسلامی آن از راه کارهای زیر سود می جوید:

1_ گسترش مواد مخدر

با گسترش مواد مخدر در جامعه، هویت و فرهنگ دینی رنگ می بازد و جایگاه اجتماعی آن کاهش می یابد. در پی آن پیشرفت های علمی و اجتماعی با رکود رو به رو می شود و سرمایه های ملی کشور در خطر نابودی قرار می گیرد. گسترش مواد مخدر در مدارس و آلوده شدن دختران و پسران به این بلای خانمان سوز، ناهنجاری های به مراتب افزون تری را در پی خواهد داشت. باز ماندن از فعالیت های سودمند اجتماعی و دوری از مذهب و ارزش های اخلاقی، نخستین پی آمدهای اعتیاد به شمار می رود که رفته رفته، فرد معتاد رادر گرداب تباهی غرق می سازند. می دانیم که انسان ها از محیط پیرامون خود اثر می پذیرند و بر آن اثر می گذارند. این رابطه ی دو جانبه پیوسته رو به گسترش است و روز به روز بر پیچیدگی آن افزوده می شود در این میان، خانواده، مدرسه و رسانه های همگانی مانند: رادیو، تلویزیون و مطبوعات مهم ترین عوامل اثر گذار بر انسان به شمار می روند. اگر این نهادها بتوانند برای تأثیرگذاری بر ذهن مخاطبان خویش، بستری مناسب پدید آورند، ناهنجاری های اجتماعی، کاهش و دین محوری توده ها، افزایش خواهد یافت.

2_ تجمل گرایی

فطرت آدمی هماره در کنکاش درباره ی ناشناخته ها و نایافته های زندگی و پرکردن خلأ آن ها است، ولی این حس کنجکاوی در دوره ی جوانی به اوج خود می رسد. چنان چه این میل فطری به درستی برآورده نگردد، ممکن است به نابسامانی های روحی و روانی تبدیل شود. روی آوردن به تجمل گرایی نمونه ی بارز این مسأله است. در این حالت، فرد با گرد آوردن وسایل و امکانات مادی زندگی که بیش تر آن ها هیچ گونه کاربردی ندارند، می کوشد میل سرکوب شده ی خویش را برآورده سازد. گفتنی است تجددخواهی نیز با تجمل گرایی، پیوند نزدیکی دارد. در این حالت، فرد و جامعه ی خود باخته در برابر فرهنگ بیگانه، پیشرفت و نوآوری دیگران را در علوم و فنون، تمدن می پندارد و می کوشد با تقلید از ظاهر آنان، به پیشرفت دست یابد. این در حالی است که وی هیچ گاه به پیشرفت دست نخواهد یافت، زیرا استعمارگران فرهنگی با آگاهی از شیفتگی افراد و جامعه های خود باخته به فرهنگ آنان، برای نفوذ در لایه های زیرین آن جامعه تلاش خواهند کرد. استعمارگران با تزریق کالاهای تجملی خویش، به حسّ نوجویی افراد چنین جامعه ای پاسخ مثبت می دهند و با در دست گرفتن زمام اختیار آنان، جامعه را از هویت ملی و دینی آن تهی می سازند. هر گاه تضاد فکری در جامعه ای فراوان و نگرش اعضای آن به جهان، سطحی باشد، به بهره گیری نامحدود از دست آوردهای مادی روی می آورند. بنابراین، برای همسان شدن با دنیای به اصطلاح پیشرفته، ریزه خوار فرآورده های آنان می گردند و چنان به آن خو می گیرند که گویا

آنان را از آن رهایی نیست. امام خمینی رحمه الله ، پی آمدهای شوم فریفته شدن به ظاهر تمدن غرب را چنین بر می شمارد:

... وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان و به خصوص طبقه ی جوان به اقسام اجناس وارداتی از قبیل: ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه گذاشتن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر که خود داستان های غم انگیز دارد.(1)

3_ مدپرستی

یکی دیگر از روش های استعمار برای تهی ساختن جامعه های اسلامی از هویت ملی و اسلامی آنان گسترش مدگرایی است.

هر گاه مردم جامعه ای خودباخته ی شیوه ی زندگی و پوشش بیگانگان گردند، باورها و سنت های اجتماعی و ارزش های اخلاقی خویش را به فراموشی خواهند سپرد. با فاصله گرفتن آنان از هویت دینی و ارزش های اخلاقی و اجتماعی، زمینه برای سلطه ی بی چون و چرای استعمارگران غربی فراهم خواهد گردید.

باید دانست زنان بیش از مردان و جوانان بیش از سالخوردگان به مدگرایی روی می آورند، زیرا این قشرها از فرهنگ سنتی، آگاهی کمتری دارند.

همان گونه که گسستن از سنت های اجتماعی در نظر کهن سالان ناپسند است، جوانان روی آوردن به مدگرایی را پسندیده می شمارند.

1- صحیفه ی نور، ج 21، ص 184.

ص:115

اشاره

بخش پنجم: پیشنهادهایی برای دست یابی به وحدت

زیر فصل ها

پیشنهادهایی برای دست یابی به وحدت

راه کارهای تبیین اشتراک ها

ایجاد حس مسؤولیت

عوامل انگیزش مذهبی

پیشنهادهایی برای دست یابی به وحدت

اشاره

پیشنهادهایی برای دست یابی به وحدت

یکی از عوامل تقویت کننده ی اراده در آدمی داشتن عشق و انگیزه در زندگی است. فرد بی انگیزه مانند قایق کاغذی است که روی رودخانه ی بزرگی قرار دارد و به هر سو کشیده می شود و به زودی در آب فرو می رود. انگیزه حالتی درونی است که از گرایش و جهت گیری افراد می توان به میزان رشد انگیزه و کمیت و کیفیت آن دست یافت.

«جنبه های گوناگون انگیزه عبارتند از: تحریک انرژی، توجیه یا هدایت کوشش فرد به سوی هدف مشخصی، انتخاب و دقت در یک محرک ویژه و کاهش حساسیت فرد نسبت به محرک های دیگر، تنظیم و یکسان سازی فعالیت ها در یک الگو یا قالب کامل، پایدار ساختن این فعالیت تا هنگام تغییر یافتن اوضاع یا شرایط موجود».(1) یکی از راه کارهای رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما برای گسترش همگرایی میان اهل سنت و تشیع، تقویت انگیزه های دینی و ملی است. در این بخش، به عناصری می پردازیم که در این زمینه اقدامات ایجابی به شمار می آیند.

1_ ایجاد همدلی

رسالت رسانه ی اسلامی، آفرینش، گسترش و پشتیبانی از فرهنگ اسلامی _ ملی در سرتاسر واحد سرزمین است. بنابراین باید با بهره گیری از

1- روانشناسی عمومی، علی اکبر شعاری نژاد،ج 1، ص 383.

امکانات گوناگون هنری و فرهنگی به اندیشه ها، سلیقه ها و نیازهای مشترک بپردازد و جامعه را از خطرهای همیشگی دشمن مشترک آگاه سازد.

فرهنگ کلید ارتباط انسان ها است و با گسترش فرهنگ مشترک هویت واحد اجتماعی پدید می آید.

استعمار فرهنگی _ تبلیغاتی نیز با بهره گیری از جنبه های مورد اختلاف فرهنگ اسلامی می کوشد تا مذاهب گوناگون را رو در روی هم قرار دهد و همدلی اسلامی و ملی را از بین ببرد. «صاحبان قدرت های برتر نظامی صنعتی، مغول های با فرهنگ عصر حاضرند! صلیبیون قرن اتم اند! اما به جای شیهه ی اسب ها و برق شمشیرها و غبار لشکر.. شیهه ی بی امانی است که از حلقوم رادیوها و تلویزیون ها بر می آید. امروز به قلعه کوب و منجنیق حاجت نیست. ماهواره ها ودکل ها نخستین طلوع گاه در مغرب را هدف قرار می دهند.»(1)

2_ تقویت نظری و عملی مبانی مشترک

رسانه در شرایط حساس کنونی باید برای تقویت ارزش های مکتب تشیع و تبیین نظری آن تلاش ورزد تا این فرهنگ را در رسانه های مرکزی و محلی که در قلمروی اهل سنت قرار دارند به صورت ساده قابل فهم و واقع گرایانه ارایه دهد. برای این که رسانه به صورت منطقی به تشریح مبانی تشیع بپردازد، باید از مفاهیم مشترکی بهره گیرد که از دید علمای اهل سنت مورد احترام است. در این صورت دیدگاه آنان نسبت به مبانی

1- فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، جلال رفیع، ص 76.

تشیع دگرگون خواهد شد و زمینه ی خوش بینی بیش از پیش فراهم خواهد گردید. تجسم عملی و عینی این اندیشه های مشترک در قالب هنرهای نمایشی یکی از راه کارهای تقویت نظری و عملی مبانی مشترک شیعیان با پیروان مذاهب اربعه است. گفتنی است هر گونه بی دقتی در این کار سبب می شود آن طرح از فراگیری لازم میان شیعه و سنی برخوردار نباشد و به جای کاهش حساسیت ها، حساسیت های دیگری پدید آورد. پیروان مذاهب اربعه و تشیع می توانند در گفتار و کردارشان به منش اجتماعی پیشوایان خود توجه کنند و از آنان الگو بگیرند. در این صورت، از نظر افکار، مبانی فکری مشترک اسلامی در جامعه تقویت می گردد.

3_ احترام به اصول و اندیشه ها

هر گاه به پدیده ی مورد تقدیس و احترام جامعه یا گروهی بی احترامی شود واکنش های منفی را بر می انگیزد. چنان چه این مسأله از سوی نهادی قانونی و رسمی صورت بگیرد بیش از پیش بر تضادها می افزاید و از روحیه ی همگرایی دینی _ ملی می کاهد.

بیشتر اصول و مبانی اهل سنت همان مفاهیمی است که در مکتب تشیع نیز از احترام و جایگاه ویژه ای برخوردارند. در این میان برخی اصول و دیدگاه ها در میان پیروان اهل سنت جایگاه و نقش ویژه ای دارند که از آن جا به مسأله ی جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و احترام به صحابه می توان اشاره کرد. به یقین اگر رسانه ی سراسری یا محلی به بحث هایی مانند: خلافت، انحراف یافتن جریان جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسیر اصلی آن، مسأله ی فدک و سکوت امام علی (ع) بپردازد و آن را بدون توجه به حساسیت های اهل سنت

به تصویر کشد واکنش منفی اهل سنت را در پی خواهد داشت. حتی ممکن است رسانه از سوی علمای اهل سنت تحریم شود. واکنش اهل سنت ایران در برابر سریال امام علی (ع) این واقعیت را به اثبات رسانده است. بنابراین در چنین مواردی باید با ریزبینی ویژه ای رفتار شود.

4_ دوری از موج آفرینی

رسانه های تبلیغاتی به ویژه رادیو و تلویزیون در جهت دهی به افکار عمومی، نقش حساسی به عهده دارند. صدا و سیما می تواند با برخی پیام های خویش، موضع گیری های اجتماعی را به سود یا زیان شخص یا مجموعه ای تغییر دهد. و ذهنیت های جدیدی را بیافریند.

گاهی چنین ذهنیت آفرینی هایی به زیان مصالح عمومی کشور می انجامد.

5_ تنش زدایی

باتبلیغات زهرآگین استعمار فرهنگی در تنش آفرینی میان مذاهب اسلامی، روز به روز میزان تحمل شنیدن منطق و مفاهیم مورد نظر طرف مقابل کاهش می یابد. برپایی همایش های علمی _ سیاسی میان صاحب نظران مذاهب اربعه با اندیشمندان مذهب تشیع، ظرفیت های فکری و قلمروی اندیشه ی هریک از این مذاهب را افزایش می دهد و افق های نوینی در تبیین واقعی مبانی تشیع و تسنن پدید می آورد.

گفتنی است توفیق این مسأله به میزان نفوذ کلامی و عملی صاحب نظران این مذاهب در سطح جامعه بستگی دارد. صدا و سیما می تواند در راه

برپایی این برنامه ها پیش گام باشد، زیرا از گستره ی پوششی بالایی در سطح کشور برخوردار است.

راه کارهای تبیین اشتراک ها

اشاره

راه کارهای تبیین اشتراک ها

میان معیارهای فکری _ سیاسی و اصول و فروع مذاهب اسلامی، اشتراک های فراوانی وجود دارد. که از عناصر مهم همگرایی دینی به شمار می آید و انکار آنها به خروج از دین می انجامد. در این باره، به برخی موارد اشاره می گردد.

1_ توجه به پیشینه ی مذاهب در ایران

مذاهب اسلامی از نظر استعمار ستیزی، حفظ شوؤن و شعایر اسلامی _ ملی و مبارزه با مفاسد اجتماعی، در تاریخ ایران اسلامی نقش بسیار مهمی داشته اند.

تبیین فرهنگ اسلامی و گسترش مراکز مذهبی، علمی و عبادی از کارهای ارزشمندی بوده است که مذاهب اسلامی از گذشته های دور تا کنون به انجام آن دست یازیده اند. فتوای علمای مذاهب اسلامی در مسایل دینی، اجتماعی و سیاسی، نقش ویژه ای دارد که این جایگاه در شرایط کنونی حاکمیت اسلامی، در بستر سازی هویت دینی _ ملی و همسویی دینی در ایران ارزشمند و حیاتی خواهد بود.

2_ تقویت ارزش های مذهبی نزدیک با تشیع

رسانه های محلی و سراسری با تقویت ارزش هایی که در مذاهب اربعه و تشیع از نقش یکسان برخوردار است می توانند زمینه ی وحدت و همدلی را فراهم آورند.

ارزش های مذهبی مشترک مذاهب اربعه با شیعه را می توان این گونه برشمرد:

الف _ توحید و عبادت برای به دست آوردن خشنودی پروردگار.

ب _ رهبری دینی که از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز شده است و تا عصر کنونی به عنوان یک ضرورت ادامه دارد.

ج _ مسجد، نماز، نماز جمعه، وجوب و ضرورت وجود داشتن و برپایی آن.

د _ دشمن دین، ابزار مبارزه با دشمن، تهاجم فرهنگی و دفاع از دین و وطن.

رسانه با تقویت این ارزش ها می تواند زمینه ی پیدایش فرهنگی هویت دهنده رافراهم سازد. هر گاه ارزش ها به عنوان محور گرایش افراد به یک جهت مطرح شوند، هویت واحد ملی و اسلامی پدیدار می گردد.

ایجاد حس مسؤولیت

اشاره

ایجاد حس مسؤولیت

برانگیختن عواطف و احساسات دینی و ملی برعهده ی سیستم آموزشی و تبلیغی است، زیرا با تقویت عواطف انسانی _ دینی احساس مسوولیت در برابر دین و کشور افزایش می یابد. راه کار ایجاد حس مسؤولیت در اعضای جامعه ی اسلامی عبارت است از:

1_ بیداری وجدان دینی _ انسانی

عواطف انسان مسلمان هنگام رویارویی با پدیده های اجتماعی از دو نظر تحریک می شود. نخست، به حکم انسانیت و داشتن ویژگی های ذاتی و غرایز طبیعی از پدیده هایی مانند: گرسنگی انسان ها، تجاوز به حقوق دیگران و اجرا نشدن عدالت اجتماعی، آزرده خاطر می گردد افزون بر این هم نوع گرایی، چون به ارزش هایی عقیده دارد که در نظرمکتب و مذهب او دارای قداست است، احساس مسؤولیت می کند.

رسانه می تواند با در نظر گرفتن این دو ویژگی، به ساخت برنامه هایی در این راستا بپردازد.

2_ برانگیختن انگیزه های مذهبی

نیرویی در مذهب وجود دارد که فناناپذیر و نامحسوس است. و تنها از آثار عینی و نیرومندش آن را می توان دریافت. این نیرو انگیزه نام داردکه احساس مسؤولیت ما را در برابر پدیده های گوناگون پیرامون مان گسترش می دهد. «انگیزه عاملی است که موجود زنده را به فعالیت های گوناگون و صرف انرژی لازم در سطوح متفاوت وادار می کند. بدین معنا که انگیزه توجیه و تبیین می کند که چرا یک موجود زنده به روش یا شیوه ی خاصی عمل می کند. پس می توان انگیزه را یک حالت روانی دانست که انرژی و نیرو می دهد.»(1)

1- روانشناسی عمومی، ج 1، ص 381.

انگیزه نسبت به موقعیت ها، افراد و پدیده های پیرامون آنان متفاوت است، زیرا حالت ها و شرایطی را در می گیرد که نیاز آدمی رابر طرف می سازد و رفتار وی را در مسیر برآوردن غرایز جهت می دهد. چون میان ایجاد انگیزه و رشد عواطف انسانی پیوند وجود دارد، با برانگیختن انگیزه های دیگر دوستی، وطن دوستی قانون مداری و پای بندی به باورهای اخلاقی که پدیده های معنوی وابسته به مذاهب به شمار می روند. مسؤولیت انسان ها در برابر دین و جامعه افزایش می یابد.

عوامل انگیزش مذهبی

اشاره

عوامل انگیزش مذهبی

عواملی که به ایجاد، کشف و تحریک انگیزه های دینی _ اجتماعی در پیروان مذاهب اسلامی می انجامد و راه رابه سوی همگرایی فکری و سیاسی هموار می سازد. عبارت است از:

1_ زنده ساختن فرهنگ تعاون

هرگاه جامعه ها، دست آوردهای سودمند تعاون و همکاری متقابل رادرک کنند و از پی آمدهای زیانبار بی تفاوتی در برابر معضل های اقتصادی، آگاهی یابند، انگیزه ی تعاون در آن ها افزایش می یابد. در این صورت، آدمی از رهگذر خدمت به توده های هم مسلک خویش احساس لذت می کند و در این میان قلمروی خاصی نمی شناسد.

رسانه باید با ارایه ی فیلم های متناسب با بافت فکری _ اجتماعی اسلام اندیشه ی اهلبیت (ع) و منش خالصانه ی آنان را در دستگیری از مستمندان،

تبیین سازد تا اهداف دین در زنده ساختن فرهنگ همیاری متقابل برآورده گردد.

2_ شعار استقلال طلبی

مذاهب اسلامی دفاع از وطن و حدود جغرافیایی آن را واجب و کشته شدن در این راه را شهادت می دانند. رسانه با استفاده ی بهینه از این روحیه می تواند انگیزه ی اعضای جامعه را در راستای ایجاد همدلی ملی _ دینی جهت دهد.

3_ امنیت همگانی

انسان در زندگی، نیازهای فراوانی دارد که با برآوردن آن ها به آرامش می رسد. یکی از نیازهای مهم انسان، نیاز به امنیت روحی و روانی است. زیرا تنها در صورت فراهم بودن آن، می توان به حفظ حرمت اشخاص، احساس وظیفه در برابر مسایل اجتماعی، وجود محبت متقابل و احساس تعلق خاطر به دیگران، امیدوار بود. احساس امنیت در دنیای جدید یکی از انگیزه های مهم انسان ها در سامان دهی زندگی به شمار می آید. منظور از این سخن آن است که افراد مطمئن باشند در حال حاضر و آینده در عرصه های گوناگون جامعه، از حقوق مساوی برخوردار خواهند بود. انسان امروزی بیش از گذشته به آرامش روانی نیاز دارد، زیرا تنها در پرتو آن می تواند به پویش سالم خویش ادامه دهد. اگر وی به این باور برسد که امنیت اقتصادی و سیاسی، باید همه ی توده های اجتماعی رادر بربگیرد، انگیزه ی همدلی اجتماعی در اوزنده می شود.

4_ شکوفایی ملی

هرگاه همه ی اعضای یک جامعه از هر دین، مذهب و نژادی به این حقیقت دست یابند که هرگونه پیشرفت و شکوفایی سیاسی اقتصادی و فرهنگی کشور به سود همگان است. همگرایی ملی و اسلامی فراهم می آید. در این صورت، همه ی تلاش ها در یک جهت هدایت می شود و با این رویکرد فرد در برابر پدیده های پیرامون خود احساس مسؤولیت می کند. در این حالت وی ناگزیر است برای هم آهنگی با محیط اجتماعی رفتار خود را دگرگون سازد زیرا ارتباط هر انسان با پدیده های پیرامونش ارتباطی دو سویه است که حالت داد و ستد و کنش و واکنش دارد.

5_ تبیین ضرورت وحدت از دیدگاه مذاهب

جدایی فکری و فیزیکی انسان ها از همدیگر به تلاش های متفاوت و گاه متضاد می انجامد و همه ی سرمایه های اجتماعی کشور را به باد می دهد. سفارش فرهنگ شیعه به تقیه برای حفظ وحدت بوده است. اسلام برای ایجاد وحدت خط مشی سیاسی، عبادی اجتماعی و اقتصادی واحدی را عرضه می کند که زبان واحد در عبادت و قبله ی واحد و مانند آن، راهی برای نزدیک کردن انسان ها به یکدیگر است.»(1) نماز جمعه، جماعت، مراسم حج، اعیاد مذهبی و حتی پرداخت وجوه شرعی نماد عینی و اجتماعی

1- تفرقه، مسأله ی روز ما، ص 19.

وحدت جامعه ی اسلامی است. پیشوایان مذاهب اربعه می گویند: «اگر مومنان به مقاتله پرداختند، واجب است که صاحبان خرد مداخله کنند و زمینه ی صلح رافراهم آورند. اگر طایفه ای بر دیگری تجاوز کرد و صلح را نپذیرفت، بر همه ی مسلمانان واجب است بر قتال با چنین طایفه ای اجتماع کنند».(1) و این نشان می دهد که همه ی مذاهب اسلامی در پیش گیری از بروز تفرقه های ملی و مذهبی اتفاق نظر دارند. ضرورت وحدت از دیدگاه رهبران شیعه و سنی امری انکارناپذیر است. که جامعه ی اسلامی ما در عصر حاضر بیش از گذشته به ان نیاز دارد. امام خمینی رحمه الله درباره ی وحدت فرموده است: «برادران اهل سنت و تشیع لازم است که وحدتشان راهر چه بیشتر حفظ کنند. مطرح کردن سنی و شیعه خلاف اسلام است. و فرقی بین شیعه و سنی نیست. بلکه همه ی ما مسلمان هستیم و باید برادرانه برای اسلام و انقلاب اسلامی، مبارزه و جهاد کنیم. امروز اختلاف ماتنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق».(2)

پس ضرورت رسیدن به وحدت امری ضروری و تردیدناپذیر بوده و زمینه های تفاهم و وحدت نیز در ذات اسلام نهفته است ولی کشف و ارایه ی آن بر عهده ی صاحب نظران و رسانه های ملی و محلی است.

1- فقه السنه، ج 2، صص 601 _ 602.
2- سخنرانی امام خمینی، 30/4/1359، رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، عبدالکریم بی آزار شیرازی، ص 18.

رسانه می تواند با تدوین برنامه های جامعی که در برگیرنده ی اشتراک میان تشیع و اهل سنت باشد، روح همگرایی جمعی رازنده سازد و زمینه های وحدت را فراهم آورد.

عصر کنونی عصری است که امواج، جانشین کتاب شده و امواج ویرانگر اردوگاه غرب، بیش از همه هویت دینی _ اخلاقی و شیرازه ی وحدت اسلامی جامعه های اسلامی را هدف گرفته است. در چنین شرایطی وظیفه ی رسانه بیش از پیش سنگین تر می نماید. تنها در پرتو همت بلند است که آرزوهای دشوار تحقق می یابد و کارهای به ظاهر ناممکن دست یافتنی و وصول به این مهم با برنامه ریزی و کوشش های عملی رسانه اسلامی دور از دسترس نخواهد بود.

به امید آن روز.

کتاب نامه

1_ ابطحی سیدحسن؛ اتحاد و دوستی،مشهد چاپخانه ی طوس، چاپ پنجم.

2_ ابن حجر، احمد بن محمد؛ فتح الباری، قاهره، المطبعه المیمنه، 1324 ق.

3_ ابن حجر، احمدبن محمد بن هیتمی؛ صواعق المحرقه، مصر (قاهره)، مطبعه المیمنه، 1324 ق.

4_ ابن قُدامه؛ المغنی، بیروت، لبنان، دارالکتب العربی.

5_ احمد بن حنبل، ابوعبداللّه ؛ مسند ابوعبداللّه ، بیروت، لبنان، دارصادر.

6_ الرازی الجصاصی، ابوبکر احمد بن علی؛ احکام القران، دارالکتب العلمیه، چاپ بیروت، 1415 ق.

7_ الشیخ السیّد السابق؛ فقه السنّه، بیروت، لبنان، دارالکتاب العربی، 1389 ق.

8_ امام نووی؛ شرح صحیح مسلم، تحقیق: النوی، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم.

9_ امینی، ابراهیم؛ بررسی مسایل کلی امامت، قم، شفق، 1361.

10_ انصاری، مهدی سراج؛ شیعه چه می گوید، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، 1385 ق.

11_ انصاف پور، غلام رضا؛ روند نهضت های ملی _ اسلامی در ایران، تهران، فرانکلین، چاپ اول، 1359.

12_ بی آزار شیرازی، عبدالکریم؛ رسالت انقلاب اسلامی در توحید کلمه، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، پاییز 1365 ه . ق.

13_ بیهقی، احمد بن الحسین بن علی؛ سنن بیهقی، بیروت، دارالفکر.

14_ پیترز، رادولف؛ اسلام واستعمار، محمد خرقانی، آستان قدس رضوی، مرداد ماه 1365.

15_ تیجانی، سیدمحمد؛ اهل سنت واقعی، عباسعلی براتی، چاپ پاسدار اسلام، 1375.

16_ جاویدان، محمدعلی؛ در تحلیل استعمار فرهنگی، تهران، انتشارات سازمان تبلیغاتی وابسته به بنیاد بعثت، 22 بهمن 1358.

17_ حُر عاملی، محمد بن الحسن؛ وسایل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.

18_ حموی، یاقوت؛ معجم البلدان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

19_ خسروشاهی، سیدرضا؛ علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی، تهران، نقش جهان.

20_ خمینی، سید روح اللّه ؛ صحیفه ی نور، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، پاییز 1365.

21_ رفیع، جلال؛ فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، تهران، موسسه ی اطلاعات، چاپ اول، 1373.

22_ زیّن، محمدحسین؛ الشیعه فی التاریخ، بیروت، دارالآثار، 1399 ق _ 1979 م.

23_ سیدقطب؛ ویژگی های ایدئولوژی اسلامی، سیدمحمد خامنه ای، تهران، انتشارات بعثت، چاپ دوم، 1358.

24_ شاکر، محمود؛ جهان اسلام، حسن اکبری مرزناک، تهران، موسسه ی خدماتی و فرهنگی 22 بهمن.

25_ شعاری نژاد، علی اکبر؛ روان شناسی عمومی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ اول، 1351.

26_ شکوری، ابوالفضل؛ فقه سیاسی، قم، امیرکبیر، 1361.

27_ شوکانی، محمدبن علی؛ ارشاد الفحول الی التحقیق من علم الاصول، مصر (قاهره)، ناشر: مصطفی البابی الحلبی و اولاده، 1356 ق.

28_ شیخ الاسلام کردستانی، سیدمحمد؛ راهنمای مذهب شافعی، دانشگاه تهران، چاپ اول، 1337.

29_ شیخ صدوق؛ مصداقه الاخوان، قم، انتشارات بشیر، چاپ نمونه، 7 صفر 1404.

30_ صدر، سید محمدباقر؛ کلیات پیرامون عبادات اسلامی، جمال موسوی، انتشارات روزبه، 12 فروردین، 1359.

31_ صدیقی، رحمت اللّه ؛ جایگاه زنان و دختران در جامعه (اهل سنّت)، تهران، دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1378 ه . ق.

32_ عبدالرحمن بن ابی بکر؛ تاریخ الخلفاء سیوطی (ج)، مصر، اداره الطباعه المنسیریه، 1351 _ 1411.

33_ عبدالوهاب، عبداللطیف، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، 1408 ه . ق.

34_ عمید زنجانی، عباسعلی؛ بنیادهای ملیت در جامعه ایده آل اسلامی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت.

35_ فخر رازی، محمد بن عمر؛ تفسیر الکبیر، مصر (قاهره)، ناشر: عبدالرحمن محمد، 1357 ق.

36_ قائمی، علی؛ تفرقه مسأله روز ما، انتشارات قیام، چاپ سعید نو.

37_ قزوینی، محمد بن یزید؛ سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر.

38_ مالک بن انس؛ المؤطاء، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.

39_ مجلسی، علامه محمد باقر؛ بحارالانوار، بیروت (لبنان)،مؤسسه الوفاء .

40_ مجموعه ی مقالات، دومین همایش علمی وحدت، زاهدان، نمایندگی ولی فقیه در بین اهل سنّت، چاپ ستاره، چاپ اول، بهار 1377.

41_ مشکور، محمد جواد؛ سیر کلام در فرق اسلامی، تهران، شرق، چاپ اول، 1368.

42_ مطهری، مرتضی؛ جهان بینی اسلامی، قم، انتشارات صدرا.

43_ مطهری، مولانا شمس الدین؛ خلاصه المسایل عقیده و فقه حنفی، خواف، حوزه ی علمیه احناف، تابستان 1364 ه . ق.

44_ مظفر، علامه محمد حسین؛ تاریخ شیعه، محمدجواد مشکور، تهران، ناشر: اشراقی، چاپ چهارم، 1368.

45_ مُغنیه، محمدجواد؛ الفقه علی مذاهب الخمسه، بیروت، دارالعام للملایین، 1960 م.

46_ مفید، محمد بن محمد؛ ارشاد، هاشم رسولی، تهران، نشر علمیه ی اسلامیه، 1346ق.

47_ ملکی، محمد؛ آشنایی با متون درسی حوزه های علمیه ی ایران (شیعه، حنفی، شافعی)، قم، دارالثقلین، چاپ اول، تابستان 1376.

48_ نقوی، علی محمد؛ اسلام و ملی گرایی یا ناسیونالیزم از دیدگاه اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1364.

49_ نسایی، احمد بن شُعیب؛ سنن نسایی، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، 1348، 1993 م.

50_ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی، بیروت، نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، چاپ دارصادر.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109